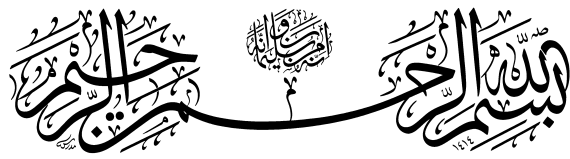


۱۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی



تقدیم به:

پاکترین زن خلقت

اسوه زنان بر روی زمین

گل یاس نبوی

روح و جان پیامبر ﷺ

مایه آرامش علی مرتضی علیه السلام

مادران پیشوایان معصوم

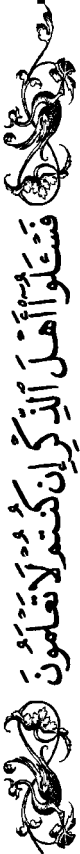
اولین شهیده ولایت

حضرت صدیقه شهیده فاطمه زهراء روحی فداها

۱۱۰

پرسش و پاسخ اعتقادی

شامل مجموعه سؤالات اعتقادی، قرآنی، اخلاقی و تاریخی
پرسیده شده از حجّت الإسلام سیّد محمد جواد موسوی در فضای مجازی
تهیه و تنظیم: واحد نشر آثار و حفظ ارزش های اسلامی
دفتر حضرت آیت الله حاج سید عبدالصاحب موسوی - دامت برکاته -



۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

مقدمه نویسنده

اساس و پایه دین مبین اسلام، بر پایه معرفت بنیان نهاده شده است و لذا این دین پاک، راه کنکاش و تحقیق در پیدا کردن مسیر درست و بی عیب را برای همه انسان ها فراهم کرده است. این دین، با دلایل و برهان های محکم در برابر کسانی که منکر راه حق می ایستند، حقانیت خود را اثبات می کند. از طرفی علمای مذهب حقه امامیه، که خود را رهروان ولایت و رهبری امیرالمؤمنین و فرزندان معصومش علیهم السلام می دانند، همیشه برای دفاع از مذهب و اثبات حقانیت خود، از دلایل نقلی و عقلی محکم استفاده کرده اند، به طوری که همیشه در این مسیر، پیروز میدان بوده اند. در سال های اخیر به واسطه شرایط خاصی که بر جامعه شیعیان و بالأخص جامعه ایران به عنوان پرچمدار تشیع در جهان، حاکم شده است و با گسترش شبکه ها در فضای مجازی و با سوء استفاده از عدم اطلاع مردم از اصول اعتقادات خود - به دلیل عدم مطالعه -، دشمنان از این فرصت سوء استفاده کرده و شبانه روز با ایجاد شبهه در جامعه، افکار مردم را تخریب کرده و آنان را از اعتقادات درستی که دارند، دور می کنند.

در این حالت، وظیفه روحانیون و متخصصان مسائل اعتقادی است که از راه هایی که دشمن بر افکار مردم نفوذ کرده - که یکی و از جمله مهمترین آنها، فضای مجازی است -، کمر همت بسته و شبهات را با دلایل متقن و محکم، از افکار مردم بزدایند. از طرفی دیگر، بر عموم مردم و بالأخص جوانان واجب است که سخن درست را از اهلش بشنوند و به کار گیرند و با سلاح علم به رویارویی با شبهات اقدام کنند و این را بدانیم که هر دو طرف یعنی هم روحانیت و هم عموم مردم در قبال این مسأله مسؤول هستند.

در اواسط سال ۹۷ بر آن شدیم که از طریق شبکه مجازی اینستاگرام، اقدام به پاسخگویی به شبهات اعتقادی مردم - با استناد به آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام - کنیم و لذا هر هفته به تعداد معینی از سؤالات، پاسخ می دادیم. هم اکنون که تعداد این سؤالات به عدد مقدس ۱۱۰ سؤال رسیده بر آن شدیم آن را چاپ کرده و در اختیار مؤمنان و جویندگان راه حق و حقیقت قرار دهیم.

لازم به ذکر است که تمامی این مباحث، تحت اشراف و بازبینی علامه مجاهد و فقیه عالی مقام، حضرت آیت الله سید عبدالصاحب موسوی - دامت برکاته - قرار گرفته و اگر نکته ای به مباحث داشته اند، اعمال گردیده است.

امیدواریم که مورد رضایت حضرت بقیة الله الاعظم اروحنا فداءه قرار گیرد. والسلام علیکم ورحمة الله

رمضان ۱۴۴۱ مطابق با اردیبهشت ماه ۱۳۹۹

۱ - در موضوع مصداق مهدیین در حدیث وصیت که طرفداران احمد بن حسین، یمانی دروغین به آن استناد می کنند، لطفاً شبهه زدایی کنید؟

اولاً، در نوشته چشم شیطان (نقد یمانی دروغین) اثبات شد که این حدیث از نظر سند و متن اشکال دارد و به هیچ وجه قابل اعتنا نیست. ثانیاً، شاید کسی بگوید در هر صورت شما اگر بخواهید مفاد حدیث را توجیه کنید چه می گوید؟ می گوئیم در این مسأله ۱۲ احتمال مطرح است: (۱) احتمال اول آنکه فرزندان حضرت مهدی علیه السلام متولی امر هدایت مردم بعد از ایشان می شوند. (۲) احتمال دوم آنکه منظور از مهدیین، همان امامان معصوم هستند که بعد از حضرت حجت علیه السلام، زمام حکومت را به دست می گیرند.

توضیح مسأله: درباره اینکه امام مهدی علیه السلام فرزندی دارد و یا خیر، بین علما اختلاف است. البته روایاتی که دلالت بر داشتن فرزند برای ایشان دارد، ضعیف هستند و قابل اعتنا نیستند و در مقابل روایاتی وجود دارد که دلالت بر عدم وجود فرزند برای ایشان دارد. مانند این حدیث: شیخ طوسی در کتاب الغیبة - که اتفاقاً حدیث وصیت هم در همین کتاب است - و طبری شیعی در دلائل الامامة نقل می کنند که علی بن ابی حمزه بطائنی، از بزرگان واقفیه، بر امام رضا علیه السلام وارد شد و عرض کرد: آیا تو امام هستی؟ فرمود: بله. بطائنی گفت از جعفر بن محمد علیه السلام شنیدم که فرمود: امام نیست مگر کسی که از او نسلی باشد (تا آن زمان هنوز امام جواد علیه السلام به دنیا نیامده بودند). امام علیه السلام فرمود: فراموش کردی یا خود را به فراموشی زده ای؟ جعفر بن محمد علیه السلام اینطور نفرمود؛ بلکه فرمود: امام نیست مگر کسی که از او، نسل باشد الا

۱۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

امامی که امام حسین علیه السلام بعد از او خروج می‌کند. پس، از او نسلی نیست. علی بن حمزه گفت: فدایت شوم بلکه جدتان اینطور فرمودند^(۱). از این حدیث دو نکته مهم فهمیده می‌شود، یکی آنکه حضرت مهدی علیه السلام فرزندی ندارد؛ دیگر آنکه بعد از امام عصر علیه السلام، بلافاصله امام حسین علیه السلام به حکومت می‌رسند که البته به این مسأله خواهیم پرداخت. همچنین شیخ طوسی در همین کتاب می‌فرماید: اینکه گفته می‌شود برای امام حجت علیه السلام فرزندی است و امامان سیزده تن هستند قول آنان فاسد است به دلایلی که آوردیم به اینکه امامان، دوازده تن هستند^(۲).

احادیثی که دلالت بر حکومت امامان معصوم علیهم السلام، بعد از امام عصر علیه السلام می‌کند:

درباره احتمال دوم می‌گوییم که این نظریه، درست است به دلایل نقلی گوناگون از جمله حدیث فوق که به آن اشاره شد و همچنین روایات متعدد دیگر که به حدّ تواتر رسیده‌اند به اینکه، بعد از امام عصر علیه السلام، امامان معصوم علیهم السلام زمام حکومت را به دست می‌گیرند: امام زین العابدین علیه السلام در ذیل آیه **«إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ»**^(۳) فرمود: کسانی که رجعت می‌کنند، پیامبران، امیرالمؤمنین و امام حسین علیهم السلام هستند^(۴). امام باقر علیه السلام فرمود: اولین شخصی که رجعت می‌کند، حسین بن علی علیه السلام است^(۵). همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: اولین از امامان که رجعت می‌کند، حسین بن علی علیه السلام است^(۶).

با توجه به روایات فوق معلوم می‌شود که بعد از حضرت حجت علیه السلام، معصومین، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام حکومت می‌کنند و روایاتی که دلالت بر حکومت فرزندان امام عصر علیه السلام می‌کنند، ضعیف و نادر هستند و از نظر دلالت قادر به مقابله با این روایات نیستند. نکته دیگر آنکه طبق روایات، آخرین کسی که از دنیا می‌رود و بعد از آن قیامت برپا می‌شود امام معصوم است. امام صادق علیه السلام فرمود: آخرین شخصی که می‌میرد، امام علیه السلام است^(۷). لذا باید بعد از امام عصر علیه السلام تا روز قیامت، امام معصوم باشد. پراضح است که با این روایات، ثابت می‌شود که نظریه حکومت فرزندان حضرت مهدی علیه السلام متنتی است.

۲- در این وضعیت اقتصادی راهکار شما برای اینکه مردم به پای اعتقادات خود بایستند و از مسیر اهل بیت علیهم السلام دور نشوند، چیست؟

بهترین راهکارها عبارت است از:

۱) تقویت اعتقادات خویش نسبت به اهل بیت علیهم السلام با خواندن کتاب‌های اعتقادی و ارتباط با بزرگان و علمای با تقوا و افزایش معرفت دینی. ۲) دوری از مجالس حرام. ۳) دوری از لقمه حرام. ۴) نماز اول وقت و ترک گناهان مانند غیبت، تهمت و دروغ.

۱. دخل علي بن أبي حمزة علي أبي الحسن الرضا علیه السلام، فقال له: أنت إمام؟ فقال: نعم، فقال له: إني سمعت جدك جعفر بن محمد علیه السلام يقول: لا يكون الإمام إلا وله عقب. فقال له: نسيت - يا شيخ - أم تناسيت؟ ليس هكذا قال جعفر، إنما قال جعفر علیه السلام: لا يكون الإمام إلا وله ولد، إلا الإمام الذي يخرج عليه الحسين بن علي علیه السلام، فإنه لا عقب له. فقال: صدقت، جعلني الله فداك، هكذا سمعت جدك يقول. الغيبة (شيخ طوسی): ص ۲۲۴ و دلائل الامامة: ۴۳۶.

۲. فأما من قال: إن للخلف ولدا وأن الأئمة ثلاثة عشر. فقوله يفسد بما دللنا عليه من أن الأئمة علیهم السلام اثنا عشر. الغيبة (شيخ طوسی): ص ۲۲۸.

۳. سوره قصص: آیه ۸۵.

۴. عن علي بن الحسين علیه السلام في قوله: «ان الذي فرض عليك القرآن لرادك إلى معاد» قال يرجع إليكم نبيكم صلی الله علیه و آله وأمير المؤمنين علیه السلام والأئمة علیهم السلام. تفسير قمی: ج ۲، ص ۱۴۷.

۵. عن أبي جعفر علیه السلام قال: «أول من يرجع الحسين بن علي علیه السلام». الايقاظ من الهمجة: ص ۳۳۳.

۶. عن أبي عبد الله علیه السلام قال سمعناه يقول إن أول من يكر في الرجعة الحسين بن علي علیه السلام ويمكث في الأرض أربعين سنة حتى يسقط حاجباه على عينيه. مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۸.

۷. إن آخر من يموت الإمام، لئلا يحتج أحد على الله أنه تركه بغير حجة. الامامة و التبصرة: ص ۳۱ و کافی: ج ۱، ص ۱۸۰.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

و به طورکل رعایت تقوا در همه امور زندگی و همچنین پناه بردن به خداوند از فتنه‌ها و توسل با اخلاص نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام. اگر این‌ها رعایت شود، و بر آن مواظبت کنیم، خداوند توفیق حفظ اعتقادات درست نسبت به مذهب‌مان را به ما عنایت خواهد کرد.

۳ - هم اکنون عده‌ای به اصطلاح قشر مذهبی با روایات اهل بیت علیهم‌السلام، عملکرد خودشان را چه در فضای مجازی و چه حقیقی توجیه می‌کنند و شاید بسیاری از این احادیث سندیت هم نداشته باشد. لطفاً در مورد این توجیهات، که بعضاً باعث مخدوش شدن چهره دین است توصیه‌ای بفرمایید؟

اولاً، می‌گوییم امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد که باید رعایت شود. ثانیاً، در بیان احادیث باید دقت شود، زیرا ممکن است بیان یک حدیث از امام معصوم علیه‌السلام، تابع شرایط خاص زمانی و مکانی بوده و نمی‌توان مفاد یک حدیث را به زمان‌ها و مکان‌های مختلف تعمیم داد. ثالثاً، شیوه بیان حق باید با کلام نرم همراه باشد. رابعاً، آن شخص باید در بیان خود، حدود الهی را رعایت کند به عنوان مثال در بیان مطلبی، مواظب باشد که حقوق آن شخص مانند آبروی او نرود. خامساً، بر آن چیزی که ادعا می‌کند، در مصداق آن مطمئن باشد. یعنی زمانی که می‌خواهد بگوید فلان شخص اختلاس کرده، به این امر صد در صد اطمینان داشته باشد و نه حتی ۹۹ درصد و با سند ادعا کند. سادساً، خود شخص، عامل به وظایف دینی خویش باشد نه اینکه به عنوان مثال توصیه به نماز اول وقت کند و خود انجام ندهد ﴿كَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾؛ نزد خدا سخت‌ناپسند است که چیزی را بگوئید و انجام ندهید^(۱) و در آخر و بعد از رعایت این شرایط، نیت او فقط برای خدا باشد و به قصد اصلاح، این عمل را انجام دهد نه برای مطرح کردن خویش. می‌بینیم به دست آوردن هر کدام از این شرایط به آسانی نیست و لذا در بیان مطالب باید بسیار احتیاط کرد، زیرا تشخیص موضوع آن سخت است و انجام هر معصیتی از طرف شخص، مجوز آن نیست که آبروی او ریخته شود.

۴ - هم اکنون اسلام ستیزی در جوامع مختلف و حتی کشور خودمان بسیار زیاد شده، لطفاً برای مقابله با این موضوع راهکاری بفرمایید؟

از همان ابتدا که اسلام ظهور کرد، دشمنان در صدد ضربه زدن به این دین مبین بودند. هم اکنون این دشمنی‌ها به کمک فضای مجازی، گستره بیشتری پیدا کرده است. یک راه مبارزه با این جبهه، مسلح شدن به سلاح علم است. در هر صورت یکی از روش‌های دشمن‌القای شبهات در فضای حقیقی و مجازی است. در مقابل ما اولاً باید برای یادگیری مسائل اعتقادی تلاش کنیم و ثانیاً با بالا بردن سطح فرهنگ جامعه اطراف خودمان، این مسأله را به جامعه هدف القاء کنیم که هر شبهه‌ای که مطرح می‌شود نباید قبول کرد و بعد از دریافت آن شبهه باید از اهلش سؤال کرد و آن را برطرف کرد. به طورکل سلاح دشمن، عدم علم و همچنین عدم سطح آگاهی و فهم جبهه ما است که باید بر روی این دو مسأله مهم متمرکز شد و آن را تقویت کرد و تا زمانی که این اتفاق نیفتد حرفی برای گفتن نداریم.

۵ - اگر خداوند به ما عقل داده و خودش به ما اختیار داده تا تلاش کنیم و به هدف برسیم، پس وجود خداوند برای چیست؟

این سؤال در حیطه مباحث جبر و اختیار و تفویض قرار می‌گیرد و این طور بیان می‌کنیم که انسان مختار است و بر اساس اختیار خود، می‌تواند هر عملی را انجام دهد اما این اختیار، در طول اراده الهی قرار دارد به عنوان مثال: انسان تصمیم می‌گیرد با اتوموبیل خود به مسافرت برود. برای ایجاد این شرایط، چند مسأله باید صورت گیرد: (۱) اتوموبیل سالم و بدون نقص باشد. (۲) بنزین داشته باشد. (۳) راننده حضور داشته باشد. (۴) مسیر حرکت باز باشد. هر کدام از این شرایط که فراهم نباشد، فعل مسافرت انجام نخواهد شد. رابطه اختیار انسان و اراده خداوند به همین صورت است. در ادامه می‌گوییم. در اسلام سه مسلک کلامی وجود دارد. اشاعره، معتزله و امامیه. اشاعره، قائل به

۱. سوره صف: آیه ۳.

جبر بودند و همه اعمال را بدون هیچ قیدی منتسب به خدا می دانستند. معتزله، قائل به تفویض بودند و خداوند را در اعمال، دخالت نمی دادند. امامیه، که بر اساس تعالیم امامان معصوم و آگاه به معارف شکل گرفته است و معتقد به نه جبر و نه تفویض بلکه امر بین الامرین هستند. در آخر لازم است اشاره کنیم که ما از عاقبت عمل خویش آگاه نیستیم اما خداوند مهربان که آگاه به همه امور است در مواقع گوناگون ما را یاری می کند و راه درست و سالم را به ما نشان می دهد، فقط باید شرایط آن را در خود ایجاد کنیم. لذا در قرآن کریم می فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛ و هر که از خدا بترسد، برای او راهی برای بیرون شدن قرار خواهد داد و از جایی که گمانش را ندارد روزی اش می دهد. و هر که بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است﴾^(۱). به قول معروف با خدا باش پادشاهی کن. اگر به خدا توکل کنیم و با او دوست باشیم، او ما را یاری خواهد کرد، زیرا در هر صورت ما فقیر هستیم و بدون شک به خدا نیاز داریم ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ؛ ای مردم، همه شما به خدا نیازمندید﴾^(۲).

۶ - لطفاً نظریه (به عقاید همدیگر احترام بگذاریم) را نقد کنید و آیا مادر اسلام همچنین تفکری داریم؟

یکی از فروع دین ما امر به معروف و نهی از منکر است که اشخاص جامعه را با رعایت شرایط، دعوت به این ولجیب الهی می کند و اصولاً یکی از برتری های دین اسلام بر ادیان دیگر، وجود این فریضه مهم است. آنجایی که می فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید: به کار پسندیده فرمان می دهید، و از کار ناپسند باز می دارید﴾^(۳). نظریه (به عقاید همدیگر احترام بگذاریم) درست مخالف فریضه امر به معروف و نهی از منکر است و این واجب الهی را به حاشیه می برد. لذا ما در اسلام همچنین تفکری نداریم. ممکن است سؤال شود پس آیه ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينُ اللَّهِ؛ شما را است دینتان و مرا است دینم﴾^(۴) را چگونه توجیه کنیم؟ در جواب می گوئیم این آیه بیانگر کلام پیامبر ﷺ در مقابل کفار بود که به کلام و آموزه های ایشان گوش فرامی دادند و در عوض دائماً ایشان را اذیت و آزار می دادند و لذا پیامبر اسلام ﷺ برای در امان ماندن از شر اینان، فرمودند: شما به دین خود و ما هم به دین خود. نه من آنچه شما عبادت می کنید عبادت می کنم و نه شما آنچه من عبادت می کنم عبادت کنید. لذا این مسأله ربطی به قضیه مورد بحث ما ندارد. عقیده شامل یک سری قواعدی است که هر انسانی در قلب خود به آن پایبند است. سؤال: آیا همه عقاید صحیح است؟ در جواب می گوئیم خیر. خداوند آنچه ما باید اعتقاد داشته باشیم را بیان داشته و توسط پیامبر ﷺ و امامان معصوم  به ما عرضه کرده و لذا اگر ما بخواهیم از آن تخطی کنیم به بی راهه رفته و باید منتظر عواقب آن نیز باشیم. یک مسلمان باید اعتقاد خود را با این قواعد بیان شده توسط معصومین مطابقت دهد و از آن دور نشود و اگر به بی راهه رفت شخصی او را متنبه کرد، در مقابل او موضع نگیرد. البته در مباحث علمی موظفیم که به نظرات دیگر احترام بگذاریم و با موازین علمی و نه تحقیر، آنها را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

۷ - آیا مسأله شفاعت شامل پیروان ادیان دیگر نیز می شود، مثلاً آیا حضرت موسی و عیسی علیهما السلام هم قوم خود را شفاعت می کنند؟

علی بن ابراهیم قمی در ذیل آیه شریفه ﴿وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ؛ و شفاعت گری در پیشگاه او سود نمی بخشد، مگر برای آن کس که به وی اجازه دهد﴾^(۵) می گوید: هیچ یک از پیامبران، قبل از اذن خداوند شفاعت نمی کنند مگر رسول مکرم اسلام ﷺ قبل از قیامت به او و ائمه از فرزندان او اذن شفاعت داده شده است. سپس بعد از آنان، انبیای دیگر^(۶). از این روایت معلوم می شود که پیروان

۱. سوره طلاق: آیه ۲ و ۳.

۲. سوره طلاق: آیه ۲ و ۳.

۳. سوره آل عمران: آیه ۱۱۰.

۴. سوره آل عمران: آیه ۱۱۰.

۵. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۲۰۱.

۶. سوره سبأ: آیه ۲۳.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

ادیان دیگر هم توسط پیامبران، مورد شفاعت واقع می‌شوند اما در مرتبه‌ای بعد از پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت ایشان. البته شفاعت انبیاء قبل حضرت رسول ﷺ شامل گنهکاران امت، در زمان خویش می‌شود ولیکن شامل بعد از رحلت آن پیامبر ﷺ نمی‌شود.

۸- چرا خداوند برای هدایت انسان‌ها علاوه بر نبوت، امامت هم قرار داده‌اند و دلیل این تفکیک چیست؟

خداوند دارای یک سری سنت‌هایی است که بر خود واجب کرده و از آن‌ها تخلف نمی‌کند و این سنت‌ها قابلیت تغییر هم ندارد همانطور که در قرآن می‌فرماید: ﴿ قُلْنَا تَجِدُ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا ۚ ﴾ در سنت خدا هیچ تبدیلی نمی‌یابی و در سنت خدا هیچ تغییری نمی‌یابی^(۱) از جمله این سنت‌ها، سنت هدایت انسان‌هاست، برای رساندن آنان به سعادت و مقام رضایت الهی. برای رساندن انسان‌ها به این مقام، باید هدایتگرانی باشند که این وظیفه را بدون عیب و نقص به انجام رسانند. یکی دیگر از سنت‌های الهی، آخرین و کامل‌ترین دین بودن اسلام است که بعد از آن دینی نیست و رسول خدا ﷺ، آخرین پیامبر است. از طرفی بعد از رحلت رسول اکرم ﷺ لازم است تاقیامت، هدایتگرانی باخصوصیات رسول خدا ﷺ از نظر علم، عصمت و تقوا باشند که وظیفه هدایت بشر را بر عهده داشته باشند، لذا خداوند، امامان معصوم ﷺ را بر این مأموریت گمارده است که تاقیامت هدایتگر بشریت باشند. باید دانست که مقام امامت بالاتر از مقام نبوت است به دلیل این روایت از امام صادق ﷺ که می‌فرماید: خداوند، ابراهیم ﷺ را بنده خود قرار داد، قبل از اینکه به مقام نبوت رساند. و او را به مقام نبوت منصوب کرد، قبل از اینکه به مقام رسالت رساند و او را به مقام رسالت گمارد، قبل از اینکه به مقام دوستی رساند و او را به مقام دوستی رساند، قبل از اینکه به مقام امامت منصوب کند. هنگامی که همه آنها در او جمع شد فرمود: من تو را پیشوای مردم گردانیدم. ابراهیم ﷺ پرسید از ذریه و نسل من هم امام می‌شوند؟ جواب آمد: این مقام به ظالمان نمی‌رسد. سپس امام ﷺ فرمود: نادان، امام فرد با تقوا نخواهد شد^(۲) بر این اساس، خداوند بعد از امتحانات بسیار سخت از حضرت ابراهیم ﷺ، مقام امامت را به ایشان عنایت کردند تا به انسان‌ها نشان دهد که این مقام، شایسته هر کسی نیست و باید از امتحانات سخت الهی سر بلند بیرون آمد تا به این مقام رسید. البته در مقایسه بین مقام پیامبر اسلام ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ، مقام رسول اسلام ﷺ بالاتر است، زیرا ایشان هم دارای مقام رسالت بودند و هم امامت، لیکن امیرمؤمنان ﷺ فقط دارای مقام امامت بودند.

۹- چرا خداوند هر که را دوست دارد، بیشتر امتحان می‌کند و زندگی را بر او سخت‌تر می‌کند؟

یکی از ایرادات ما این است که تصور می‌کنیم تمام زندگی انسان در همین دنیا خلاصه می‌شود. زندگی انسان از زمان خلقت اولیه تا قیامت شامل چند مرحله است. (۱) عالم‌الست. (۲) ورود به عالم ماده و چرخیدن در اصلاص انسان‌ها. (۳) ورود از صلب پدر به رحم مادر و زندگی در آن. (۴) خروج از رحم مادر و ورود به عالم این دنیا. (۵) مرگ و ورود به عالم برزخ و (۶) زندگی در عالم آخرت. جالب است بدانید حضور در عالم ماده شامل اصلاص اجداد، انتقال از صلب پدر و رحم مادر و زندگی دنیوی، کوتاه‌ترین قسمت زندگی انسان است. از طرفی پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: شما برای بقا خلق شده‌اید و نه برای فنا و نابودی. (با مرگ) فقط از اتاقی به اتاقی دیگر منتقل می‌شوید^(۳). از طرفی خداوند می‌فرماید: ﴿ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ۚ وَجَنِّ رَائِي فَأَرِيدُمْ جَزَّ بَرَّيْ أَنْكَه مَرَّ بَرَّسْتَنْدُ ۚ ﴾^(۴) و از طرفی این

۱. سوره فاطر: آیه ۴۳.

۲. این الله تبارک و تعالی اتخذ ابراهیم عبداً قبل أن يتخذة نبياً وإن الله اتخذة نبياً قبل أن يتخذة، رسولاً وإن الله اتخذة رسولاً قبل أن يتخذة خلیلاً وإن الله اتخذة خلیلاً قبل أن يجعله إماماً، فلما جمع له الأشياء قال: إني جاعلك للناس إماماً قال: فمن عظمها في عين إبراهيم قال: ومن ذريتي، قال: لا ينال عهدي الظالمين قال: لا يكون السفیه إمام التقی. کافی: ج ۱، ص ۱۷۵.

۳. ما خلقتم للقاء بل خلقتم للبقاء، وإنما تنقلون من دار إلى دار. الاعتقادات (شیخ صدوق): ص ۴۷.

۴. سوره ذاریات: آیه ۵۲.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

دنیا برای راحتی قرار داده نشده، بلکه محلی است برای امتحان انسان تا معلوم شود چه کسی اهل بهشت و سعادت واقعی و چه کسی اهل جهنم است. ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾ ما آدمی را در رنج و محنت بیافریده‌ایم^(۱). نکته دیگر آنکه به واسطه اینکه خداوند انسان را دوست دارد و علاقه دارد که انسان‌ها بهشتی شوند، لذا ممکن است شرایطی را فراهم کند که انسان در سختی بیفتد و این سختی‌ها کفاره گناهان او شود. رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید: رنج و سختی و مرض و آزاری و غمی به مؤمن نرسد مگر خدا در قبال آن از گناهان وی می‌جو کند^(۲). نکته دیگر اینکه خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيَكُمْ﴾ و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست^(۳). بر اساس این آیه شریفه، بدی‌هایی که به ما در این دنیا می‌رسد به سبب عملکرد و اثر وضعی اعمال خود ماست.

۱۰ - چرا هر انسانی توان رسیدن به جایگاه عصمت اهل بیت ﷺ را ندارد، اگر بگوییم ایشان مانند انسان‌های عادی هستند، پس انسان‌ها می‌توانند مانند ایشان باشند و اگر بگوییم اهل بیت ﷺ انسان‌های ماورایی هستند پس این تبعیض است که خداوند بین ما انسان‌ها و ایشان قرار داده است؟

خداوند با علم ازلی خود می‌دانست که این چهارده نفر با اختیاری که دارند، گناه نمی‌کنند. در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ﴾ سپس این کتاب را به آن بندگان خود که [آنان را] برگزیده بودیم، به میراث دادیم پس برخی از آنان بر خود دستمکارند و برخی از ایشان میانه‌رو، و برخی از آنان در کارهای نیک به فرمان‌خدا پیشگامند^(۴). از امام باقر ﷺ در ذیل این آیه شریفه سؤال شده که مراد از سابق بالخیرات، چه کسانی هستند؟ امام ﷺ فرمودند: منظور امام معصوم است^(۵). یعنی کسانی که در انجام کارهای نیک از بقیه انسان‌ها سبقت گرفته‌اند. به واسطه این صفت، خداوند توفیق نصیب آنان کرد و عصمت کبری و حد بالای درجه پاکی را به آنان عنایت کرد. همچنین در دعای ندبه می‌خوانیم: و توهم می‌دانستی که به عهد خود وفا خواهند کرد. پس آنان را مقبول و مقرب درگاه خود فرمودی و علو ذکر، یعنی قرآن با بلندی نام و ثنای خاص و عام بر آنها از پیش عطا کردی^(۶). نکته بعد آنکه این ۱۴ نور پاک، ستون دین و خلقت هستند و قرار نیست کسی به مقام آنان برسد. همان‌طور که امیرالمؤمنین ﷺ فرموده‌اند: با ما اهل بیت کسی قیاس نمی‌شود^(۷). و همچنین امام رضا ﷺ فرموده‌اند: امام ﷺ، یگانه روزگار خویش است و احدی به مقام او نمی‌رسد^(۸). نکته دیگر اینکه زمانی می‌توانیم از اصطلاح تبعیض استفاده کنیم که دو طرف، شرایط لازم را برای به دست آوردن صفت خاصی دارا باشند، حال به یک گروه عنایت بیشتری می‌شود این در حالی است که ما با امامان معصوم ﷺ در یک موقعیت قرار نداریم که بخواهیم با ایشان مقایسه شویم و بگوییم خداوند در این شرایط تبعیض قائل شده است. آنان در علم و معرفت و بزرگی و هر صفت خوب در حد اعلی درجه آن هستند، در حالی که ما در این درجه نیستیم. به عنوان مثال آیا می‌توان یک دانش‌آموز اول ابتدایی را به یک پروفیسور رشته فیزیک مقایسه کرد فقط به این دلیل که هر دو انسان هستند؟ بی‌شک جواب منفی است. نکته مهم آنکه

۱. سوره بلد: آیه ۴.

۲. ما یصیب (المؤمن) من وصب ولا نصب ولا سقم، ولا أذى، ولا حزن، (ولا هما) حتی الهم بهمه إلا کفر الله به من خطایاه. الدعوات (راوندی): ص ۱۷۲.

۳. سوره شوری: آیه ۳۰.

۴. سوره فاطر: آیه ۳۲.

۵. عن سوره بن کلب قال سئل أبا جعفر ﷺ عن قول الله تبارک وتعالی ثم أورثنا الكتاب الذین اصطفینا من عبادنا فمِنْهُمْ ظالم لنفسه ومنهم مقتصد ومنهم سابق بالخیرات یأذن الله قال السابق بالخیرات الامام. بصائر الدرجات: ص ۶۵

۶. وعلمت منهم الوفاء به. فقبلتهم وقربتهم وقدرت لهم الذکر العلی والثناء الجلی. اقبال الأعمال: ج ۱، ص ۵۰۵.

۷. نحن اهل البيت لا یقاس بنا أحد. عیون اخبار الرضا: ج ۲، ص ۷۱. ۸. الامام واحد دهره، لا یدانیه أحد. کافی: ج ۱، ص ۲۰۱.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

عدالت خداوند اقتضاء دارد که از هر انسانی، به اندازه امکانات و استعدادی که به او عنایت کرده، حساب‌کشی کند و مثلاً رفتاری که با شخص عالم دارد مطمئناً با فردی که علم کم دارد، به یک نحو نیست.

۱۱ - قضاوت بی‌جا هم‌اکنون در جامعه، عامل ناهنجاری‌های اجتماعی شده است. لطفاً چند آیه قرآنی و حدیث از معصومین علیهم‌السلام در موضوع قضاوت نکردن درباره انسان‌ها بیان کنید؟

در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از گمان فراوان بپرهیزید. زیرا پاره‌ای از گمان‌ها در حد گناه است. و در کارهای پنهانی یکدیگر جست و جو نکنید. و از یکدیگر غیبیت مکنید﴾^(۱) در روایات مختلف به این موضوع مهم اشاره شده است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: اعمال برادرت را بر نیکو‌ترین وجه ممکن حمل کن، تا دلیلی بر خلاف آن قائم شود، و هرگز نسبت به سخنی که از برادر مسلمات صادر شده گمان بد مبر، مادام که می‌توانی محمل نیکی برای آن بیابی^(۲) امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: اگر مؤمنی برادر ایمانی خود را متهم کند و به او تهمت بزند، ایمان از قلبش می‌رود، همان‌طور که نمک در آب حل می‌شود^(۳). همچنین ایشان از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کنند که فرموده‌اند: هر که فحشا و گناهی را علنی کند مانند کسی است که آن گناه را مرتکب شده است و هر که مؤمنی را به عملی متهم کند نمی‌میرد مگر اینکه همان گناه را مرتکب می‌شود^(۴). همچنین ایشان فرمودند: کسی که به منظور عیب‌جویی و آبروریزی مؤمنی سخنی نقل کند تا او را از نظر مردم ببندازد، خداوند او را از ولایت خودش بیرون کرده، به سوی ولایت شیطان می‌فرستد، و اما شیطان هم او را نمی‌پذیرد^(۵).

۱۲ - همه می‌دانیم که بهترین راه شناخت حق و باطل، اهل بیت علیهم‌السلام هستند، ولی این روزها هر کسی کلام ایشان را بر طبق نظر خویش تفسیر می‌کند، راه شناخت تفسیر درست چیست؟

در این آشفته بازار و برای یافتن کسانی که بخواهیم سیره اهل بیت علیهم‌السلام را از آنان بیاموزیم باید بسیار با احتیاط عمل کنیم. قبل از اینکه ملازم یا مرید شخصی شویم تا به وسیله او به اهل بیت علیهم‌السلام نزدیک شویم، باید مدتی آن شخص را تحت نظر بگیریم و ببینیم تا چه حد حرف و عمل او باهم خوانی دارد به عنوان مثال آیا خود به توصیه‌هایی که به دیگران می‌کند عمل می‌کند؟ آیا در موقعیت‌های مختلف اخلاق و منش اهل بیت علیهم‌السلام که در روایات آمده را در پیش می‌گیرد. اگر بعد از زیر نظر گرفتن این شخص، عدم نفاق او بر ما ثابت شد، می‌توانیم به کلام او اعتماد کنیم. البته در این راه توکل به خدا و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام هم لازم است تا راه درست را به ما نشان دهند.

۱۳ - بهترین راه حرکت در راه مهدویت و امام‌زمان علیه‌السلام چیست؟

وظیفه ما در این زمان حساس آن است که به جای آنکه به مطالبی که حول محور علائم ظهور و از این قبیل مباحث می‌پردازد، اهمیت دهیم، باید به وظایف یک شخص منتظر در زمان غیبت امام علیه‌السلام اهتمام ورزیم. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: امامت را شناس زیرا اگر او را بشناسی تقدم و تاخر امر فرج به تو ضرری نمی‌رساند^(۶). پس اولین گام، شناخت مقام و موقعیت امام معصوم علیه‌السلام است. سپس گوش فرا دادن به فرامین آن حضرت، که وظایف ما در قبال ایشان، توسط پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام بیان شده است. قرآن کریم

۱. سوره حجرات: آیه ۱۲.

۲. ضع امر أخیک علی أحسنه حتی یأتیک ما یغلبک منه ولا تظنن بکلمة خرجت من أخیک سوءاً وأنت تجد لها فی الخیر محملاً. کافی: ج ۲، ص ۳۶۲.

۳. إذا اتهم المؤمن أخاه انما اتهم الايمان من قلبه كما يتمم الملح فی الماء. همان: ص ۳۶۱.

۴. من أذاع فاحشة كان کمبتدئها ومن غیر مؤمناً بشئ لم یمت حتی یرکبه. همان: ص ۳۵۶.

۵. من روی علی مؤمن روایة یرید بها شینه وهم مروءة لیسقط من أعین الناس أخرجه الله من ولایته إلى ولایة الشیطان فلا یقبله الشیطان. همان: ص ۳۵۸.

۶. کافی: ج ۱، ص ۳۷۱.

۱۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

می فرماید: ﴿الم * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ؛ الف لام میم این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و مایه هدایت تقوای پیشگان است. آنان که به غیب ایمان می آورند] (۱). امامان معصوم علیهم السلام ذیل این آیات شریفه، کسانی که به امام قائم و غیبت او ایمان دارند را مصداق این آیات معرفی می کنند (۲). شخص منتظر باید از گناه و معصیت دوری کند، به انجام واجبات الهی اهتمام داشته باشد، در خط و ولایت امامان معصوم علیهم السلام باشد و از حيله خناسانی که با افکار منحرف و شیطانی خود، در صدد فریب مؤمنان هستند، دوری کند که امامان، وعده بهشت به چنین اشخاصی داده اند: بهشت برای شیعیان ماست همانانی که در غیبت قائم ما به ریسمان (ولایت) ما چنگ زده اند و بر دوستی ما و دوری و برائت از دشمنان ما ثابت قدم هستند (۳). نتیجه آنکه بهترین راه انتظار دانستن و عمل به مفهوم صحیح آن از نظر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است.

۱۴- این دنیا از قبل بر نامه ریزی شده است پس فلسفه دعا کردن ما چیست؟

خیر اینطور نیست که دنیا از قبل بر نامه ریزی شده باشد، بلکه اتفاقات در آن، تابع اسباب و مسببات است. آنچه تغییر ناپذیر است سنت های الهی است ﴿فَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾؛ هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت (۴). مثال سنت های الهی مانند اینکه سنت خداوند بر این قرار گرفته که مستضعفان که همانا امامان معصوم علیهم السلام هستند، حکومت کنند و عدالت جهانی را برقرار کنند. اما اینکه قبل از آن قرار است چه اتفاقاتی روی دهد بستگی به اعمال و رفتار انسان ها دارد و لذا اعمال انسان ها در تقدیم و تأخیر امر فرج تأثیر بسیاری دارد. بعد از ظهور حضرت موسی علیه السلام، فرعونیان بر بنی اسرائیل بسیار سخت می گرفتند. آنان نزد حضرت آمدند و پرسیدند که امر فرج چه وقت محقق می شود. خداوند به حضرت موسی علیه السلام فرمود: بعد از ۴۰ سال. حضرت به آنان خبر داد. آنان گفتند ما شاء الله کان. خداوند به حضرت موسی علیه السلام فرمود: به واسطه این جمله ۱۰ سال کم کردم. حضرت به آنان خبر داد. ایشان گفتند. کل نعمة من الله (هر نعمتی از خداست). خداوند وحی کرد ۱۰ سال دیگر کم کردم. آنان گفتند جز خوبی از خدا نمی آید. خداوند باز فرمود: ۱۰ سال دیگر کم کردم. آنان گفتند: بدی ها به واسطه خدا از بین می رود. خداوند فرمود: عمر صبر به واسطه این جمله به پایان رسید (۵). این حدیث نشانه این است که اعمال و رفتار انسان در اتفاقات تأثیرگذار است. قرآن نیز در این باره می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾؛ خدا چیزی را که از آن مردمی است دگرگون نکند تا آن مردم خود دگرگون شوند. همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: دعا، قضای حتمی الهی را رد می کند (۶). پس دعا در تغییر زندگی ما اثرات فراوانی دارد.

۱۵- آیا کلمه احسن الخالقین در قرآن، وحدانیت خدا را زیر سؤال نمی برد؟

روایتی در این باب از امام رضا علیه السلام نقل شده که از ایشان همین سؤال را پرسیده اند. ایشان فرمودند: افرادی بوده اند که خالق بوده اند مانند حضرت عیسی علیه السلام که از گل، پرنده ای درست کرد و در آن دمید و پرنده زنده شد و یا سامری که برای نقض نبوت حضرت موسی علیه السلام گوساله ای ساخت و آن گوساله، زنده شد. و خداوند در مقایسه با اینان، خود را بهترین خالق ها معرفی می کند (۷). البته بیان این نکته ضروری است که خالقیت خداوند، جزء صفات فعل اوست و وابستگی به کسی یا چیزی ندارد اما خالقیت بندگان، وابسته به اراده الهی است.

۱. سوره بقره: آیات ۱-۳.
 ۲. کمال الدین (شیخ صدوق): ص ۱۷.
 ۳. طوبی لشیعتنا المتمسکین بحبلنا فی غیبة قائمنا التابین علی موالیاتنا والبراءة من اعدائنا. همان: ص ۳۶۱.
 ۴. سوره احزاب: آیه ۶۲.
 ۵. کمال الدین (صدوق): ص ۱۴۶.
 ۶. ابن الدعاء برد القضاء، قرب الإسناد: ص ۳۲.
 ۷. التوحید (صدوق): ص ۶۳.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

۱۶ - دلیل عقلی بر وجود امام زمان عجل الله فرجه بیان کنید؟

دلیل عقلی: بر وجود حجت خدا بر روی زمین، قبح عقاب بلا بیان است یعنی باید تاقیامت، هدایتگری باشد که انسان‌ها را چه مستقیم و چه غیر مستقیم هدایت و رهبری کند تا انسان‌ها، عذری برای روی گردانی از خدا نداشته باشند.

دلیل منطقی: همانطور که خداوند به ابلیس به عنوان پرچمدار جبهه ضد خدا و به عنوان شر مطلق، مهلت داده که تا روز معلوم، زنده باشد^(۱) و او هم از این مهلت استفاده کرده، و همه انسان‌ها در معرض وساوس و فریب‌های او قرار دارند، البته به جز مخلصون که همان اهل بیت علیهم السلام هستند؛ حکمت الهی اقتضا می‌کند که خیر مطلق و مظهر تمام خوبی‌ها هم بر روی زمین باشد تا چه به صورت آشکارا و چه به صورت نهان، خلق را به سوی سعادت رهنمون باشد و از هدایت او بهره برند.

شبهه: ممکن است این سؤال به ذهن آید که این خیر مطلق که همان امام هدایتگر است، چگونه با عدم حضورش در بین مردم می‌تواند آنان را هدایت کند؟

جواب (۱): شیطان از بارزترین مصادیق ائمه کفر است که به آتش دعوت می‌کند ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ؛ و آنان را پیشوایانی که به سوی آتش می‌خوانند گردانیدیم﴾^(۲) آیا کسی شیطان را دیده؟ جواب منفی است. آیا کسی فریب و وساوس او را می‌خورد؟ جواب به طور حتم مثبت است. پس آشکار نبودن شیطان، مانع آن نیست که به آنچه قسم خورده - یعنی فریب دادن انسان‌ها - عمل نکند.

امام عصر علیه السلام، امام هدایت است ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا؛ و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند﴾^(۳) آشکار نبودن ایشان، دلیل بر آن نیست که نتوانند ولایت خود را بر جهانیان اعمال کنند. ایشان بین مردم حضور دارند ولیکن کسی او را نمی‌شناسد.

جواب (۲): امام عصر علیه السلام خود در جواب سؤال کننده که پرسید اثر شما با وجود غیبتتان چگونه است؟ فرمود: وجه بهره‌گیری و انتفاع از من در زمان غیبتم مانند اثر خورشید بر زمین در هنگامی است که ابر جلوی خورشید را گرفته و آن را پوشانده است^(۴). البته روایتی به این مضمون از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است^(۵). بلکه همانطور که ابرهای بارانی نمی‌توانند جلوی ورود تشعشعات خورشید به زمین را بگیرند و فقط باعث می‌شوند که خورشید از چشمان ما پنهان شوند؛ حجاب غیبت هم مانع ولایت امام عصر علیه السلام بر بندگان نیست، هر چند ایشان از دید چشمان ما پنهان باشند.

۱۷ - آیا حدیثی از معصومین علیهم السلام مبنی بر اینکه از هر گونه خطا و اشتباه مصون هستند، نقل شده است؟

بله احادیث فراوانی در این موضوع از معصومین علیهم السلام، نقل شده است.

۱. اشاره به آیات شریفه ﴿فَالْفَاخِرُ مِنْهَا فَانَكَ وَجِيمٌ﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ * قَالَ رَبِّ فَاَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ * قَالَ فَانَكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ * قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لِأَلْزِمْنِي لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ؛ فرمود: «از این [مقام] بیرون شو که تو رانده شده‌ای، و تا روز جزا بر تو لعنت باشد». گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده». فرمود: «تو از مهلت یافتگانی، تا روز [و] وقت معلوم» سوره حجر: آیات ۳۴ - ۳۹.

۲. سوره انبیاء: آیه ۷۳.

۳. اما وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکالاتنفاع بالشمس إذا غیبتها عن الأبصار السحاب. کمال الدین (شیخ صدوق): ص ۴۸۵، ح ۴ والغیبة (شیخ طوسی): ص ۲۹۲، ح ۲۴۷.

۴. قال جابر: قلت له: یا رسول الله فهل يقع لشيعته الانتفاع به في غيبته؟ فقال صلی الله علیه و آله: أي والذي بعثني بالنبوة إنهم يستضيئون بنوره وينتفعون بولايته في غيبته كانتفاع الناس بالشمس وإن تجللتها سحاب. کمال الدین (صدوق): ص ۲۵۳؛ كفاية الاثر: ص ۵۵ واعلام الوری: ج ۲، ص ۱۸۲.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

عبدالله بن عباس می گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: من و علی و حسن و حسین و نه تن از فرزندان حسین، پاک و معصوم هستیم.^(۱)
 سلیم بن قیس از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل می کند که ایشان فرمودند: (در قرآن) امر به طاعت از ولی امر شده، زیرا ایشان معصوم و پاک هستند و به انجام معصیت، امر نمی کنند.^(۲)
 امام صادق (علیه السلام) فرمود: ما خازنان علم خدا و ترجمان امر او هستیم. ما قومی هستیم که معصوم هستند و خداوند مردم را به اطاعت ما امر و از مخالفت با ما نهی کرده است.^(۳)
 همچنین در حدیثی دیگر فرمودند: ما دوازده نفر معصوم و پاک هستیم.^(۴)

۱۸ - چرا با اینکه این دنیا چند روزی بیشتر نیست اما گناهی که ما در آن انجام دادیم، عذاب آن در قیامت، بی نهایت است و ما باید به خاطر عمل اشتباه در این دنیا، تا ابد در آخرت عذاب شویم؟

خیر اینطور نیست که انسان ها به خاطر گناهان خود تا ابد در آخرت عذاب شوند. فقط بعضی از گناهان هستند که عذابشان ابدی است. در اینجا چند آیه در این موضوع را بیان می کنیم.

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾؛ کسانی که کافر شوند، و آیات خدا را تکذیب کنند خود اهل جهنمند و جاودانه در آنجا خواهند بود.^(۵)

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾؛ کسانی که کفر ورزیده اند، سرورانشان [همان عصیانگران] طاغوتند، که آنان را از روشنایی به سوی تاریکی ها به در می برند. آنان اهل آتشند که خود، در آن جاودانند.^(۶)

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُغْنِي عَنْهُمْ أَموالَهُمْ وَلَا أَوْلَادَهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾؛ کسانی که کفر ورزیدند، هرگز اموالشان و اولادشان چیزی [از عذاب خدا] را از آنان دفع نخواهد کرد، و آنان اهل آتشند و در آن جاودانه خواهند بود.^(۷)

﴿وَمَنْ يَزِدْكُمْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ قِيمَتُهُ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾؛ از میان شما آنها که از دین خود بازگردند و کافر بمیرند، اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شده و جاودانه در جهنم باشند.^(۸)

در آیات فوق، کفر، شرک و ارتداد، عامل جاودانگی در جهنم معرفی شده است. همچنین دشمنی و جنگ با امام معصوم هم باعث خلود و جاودانگی در جهنم خواهد بود: در ذیل آیه شریفه ﴿مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾؛ آنان که مرتکب کاری زشت شدند و گناهشان گرد برگردشان بگرفت، اهل

۱. عن عبد الله بن عباس قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول انا وعلی والحسن والحسين وتسعة ولد الحسين مطهرون معصومون. عيون اخبار الرضا (علیه السلام): ج ۱، ص ۶۶

۲. إنما أمر بطاعة أولى الأمر لأنيهم معصومون مطهرون لا يأمرهم بمعصية الله. كتاب سلیم بن قیس: ص ۴۰۵.

۳. نحن خزان علم الله، نحن تراجمه أمر الله، نحن قوم معصومون، أمر الله تبارك وتعالى بطاعتنا ونهی عن معصيتنا. کافی: ج ۱، ص ۲۷۰.

۴. نحن اثني عشر كلمهم معصومون مطهرون. الصراط المستقیم: ج ۲، ص ۲۴۱.

۵. سوره بقره: آیه ۳۹.

۶. آل عمران: آیه ۱۱۶.

۷. همان: آیه ۲۵۷.

۸. سوره بقره: آیه ۲۱۷.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

جهنمند و جاودانه در آن ﴿^(۱) از امام پنجم یا ششم علیه السلام نقل شده که مصداق این آیه کسانی هستند که با امیرالمؤمنین علیه السلام وارد جنگ شده‌اند. ^(۲)

از جمله کسانی که در جهنم جاودانه هستند، منافقان هستند که به دین ضربه می‌زنند. ﴿وَعَدَّ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتُ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا؛ خدا به مردان و زنان دو چهره و کافران، آتش جهنم را وعده داده است﴾ ^(۳).
 خداوند می‌فرماید: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زُفِيرٌ وَسَهِيقٌ * خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ؛ اما بدبختان در آتشدن و مردمان را در آنجا ناله‌ای زار و خروشی سخت بود، و تا آسمان‌ها و زمین باقی هستند در آنجا جاودانه بمانند مگر آنچه پروردگارت بخواهد﴾ ^(۴) جمله ﴿إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ﴾، نشان دهنده این است که بعضی گناهکاران بعد از چشیدن عذاب جهنم به اراده الهی از آن خارج می‌شوند. همچنین روایتی از امام صادق علیه السلام در مورد کسانی که در جهنم جاودانه‌اند فرموده که نیت آنان این بود که اگر تا آخر دنیا بودند، آن گناه را مرتکب می‌شدند و خلود بهشتیان هم به همین دلیل است ^(۵).
 در آخر می‌گوییم اگر صفات بالا که در قرآن کریم ذکر شده را انسانی دارا نباشد، بعد از چشیدن عذاب جهنم از آن خارج خواهد شد.

۱۹ - اگر خداوند از بدی‌ها بیزار است، چرا موجودات شر و پلید را خلق کرده تا این بدی را انجام و در زمین بسط دهند؟

ابتدا گفته می‌شود که خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند﴾ ^(۶) پس هدف اصلی آفرینش، عبادت خداست.

از طرفی نیز خداوند به انسان‌ها توصیه می‌کند که فریب شیاطین را نخورند. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛ ای مردم، از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید، و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست﴾ ^(۷) ﴿وَالْمُ اعْهَدُوا إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛ ای فرزندان آدم، مگر باشما عهد نکرده بودم که شیطان را پرستید، زیرا وی دشمن آشکار شماست؟﴾ ^(۸) و همچنین در موضوع پنددهی به انسان می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ نِعْمًا يَعْظُمُكُمْ بِهِ؛ در حقیقت، نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند دهد﴾ ^(۹) و از طرفی نیز خداوند راه را به ما نشان داده است ﴿إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكَرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ ما راه را بدو نمودیم یا سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاسگزار﴾ ^(۱۰).
 با این اوصاف اگر فعل بدی در بین انسان‌ها اتفاق بیفتد، مقصر خود انسان است ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ؛ به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است﴾ ^(۱۱) و ﴿مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ؛ هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دست‌آورد خود شماست﴾ ^(۱۲).

۱. همان: آیه ۸۱.

۲. عن أحدهما علیه السلام، في قول الله عز وجل: ﴿بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ﴾ قال: إذا جحد إمامة أمير المؤمنين علیه السلام ﴿فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ كافي: ج ۱، ص ۴۲۹.

۳. سوره هود: آیات ۱۰۶ و ۱۰۷.

۴. عن أبي هاشم قال: سألت أبا عبد الله علیه السلام عن الخلود في الجنة والنار قال: إنما خلد أهل النار في النار، لأن نياتهم كانت في الدنيا لو خلدوا فيها ان يعصوا الله ابدا وإنما خلد أهل الجنة في الجنة لأن نياتهم كانت في الدنيا لو بقوا أن يطيعوا الله أبدا ما بقوا فالنبيات تخلد هؤلاء وهؤلاء، ثم تلا قوله تعالى ﴿قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ﴾ قال: على نيته. علل الشرايع: ج ۲، ص ۵۲۳.

۵. سوره ذاریات: آیه ۵۶.

۶. سوره یس: آیه ۶۰.

۷. سوره بقره: آیه ۱۶۸.

۸. سوره انسان: آیه ۳.

۹. سوره نساء: آیه ۵۸.

۹. سوره شوری: آیه ۳۰.

۱۱. سوره روم: آیه ۴۱.

نکته دیگر اینکه خداوند در انسان دو نفس قرار داده که مربوط به خیر و شر هستند. یکی نفس اماره که انسان را به بدی و انجام کارهای خلاف نظر خداوند، تشویق می‌کند و دیگری نفس لوامه، که ما را از انجام اعمال شر دور و به خوبی سوق می‌دهد. انسان با اختیار خود هر کدام که از این دو را تقویت کند، بر دیگری غالب می‌شود. نفس اماره توسط شیطان تقویت می‌شود و نفس لوامه، توسط انبیا و اولیا و فرستادگان خداوند، پس نتیجه می‌گیریم که فعل شر، توسط خود انسان و با اختیار خودش صورت می‌گیرد و فعل خداوند نیست.

۲۰- فلسفه اینکه خداوند زمین را در شش روز خلق کرده و چرا خداوند در خلقت، این همه رمز و راز را نهفته کرده است؟

خوب است از امام رضا (ع) حدیثی بیابیم تا جواب را مستقیماً از امام معصوم که عالم کل است، بشنویم. ایشان در ضمن حدیثی در ذیل آیه شریفه ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾؛ در حقیقت، پروردگار شما آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش [جهان‌داری] استیلا یافت^(۱) فرمودند: ... هر چند توانایی داشت که در یک چشم بر هم زدن این کار را انجام دهد، لکن آنها را در شش روز آفرید تا با این کار، آنچه را که از آسمان‌ها و زمین می‌آفریند، کم‌کم و یکی یکی به ملانکه نشان دهد تا بوجود آمدن هر یک از آنها، در هر مرتبه، برای ملانکه، دلیلی باشد بر (قدرت) خداوند...^(۲) جواب سؤال دوم در حدیث بیان شده و آن این است که خداوند با قرار دادن راز و رمز فراوان در خلقت می‌خواهد قدرت و عظمت خود را به رخ مخلوقات بکشد و نشان دهد که هیچ خالقی غیر او نیست و قادر متعال فقط او است. البته باید به این نکته هم اشاره کرد که لازم نیست ما بخواهیم به همه اسرار دست پیدا کنیم خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَن شَيْءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُم مِّنْهُ شَيْءٌ مَّا إِنَّمَا أُورِدَهُ لِئَلَّا تُغْتَابُوا بِهِمْ فَسَأَلُونَهُمْ بِمَا يُنْفَعُونَ﴾؛ در آنچه [خدا] انجام می‌دهد چون و چرا راه ندارد، و [لی] آنان [انسان‌ها] سؤال خواهند شد^(۳) خداوند از فعلی که انجام داده سؤال نمی‌شود.

۲۱- آیا بین آیه ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾^(۵) و آیات عذاب در قرآن تناقض وجود دارد؟

معنای لا اکره فی الدین: یعنی به صورت ثبوتی کسی را نمی‌توان مجبور کرد که به چیزی اعتقاد داشته باشد اما معنایش این نیست که حالا که قلباً اعتقاد ندارد پس نباید ملتزم به قوانین باشد. بلکه کسی که به دین اسلام ملتزم است باید به قوانین آن هم احترام گذارد و آن را انجام دهد. او نمی‌تواند به آیه فوق استناد کند، به طور مثال: کسی ممکن است قلباً به حرمت زنا اعتقاد نداشته باشد. این شخص با استناد به آیه، این گناه را مرتکب می‌شود. در جواب او که به این آیه استناد می‌کند می‌گوییم: ممکن است شما را نتوانیم مجبور کنیم اعتقاد پیدا کنید که این عمل حرام است، اما شما باید قانون اسلام را رعایت کنید و لذا به واسطه انجام این عمل، حد الهی بر او جاری و گناه نیز برای او نوشته خواهد شد و لذا بدون شک هیچ منافاتی با آیات عذاب ندارد و شخصی که در مسائل دینی و اعتقادی تقصیر داشته، مستوجب عذاب الهی خواهد بود.

۲۲- در بعضی از سخنرانی‌ها بیان می‌شود که آیات قرآن به هم ریخته است. آیا این ادعا صحیح است و با ادعای قرآن به اینکه این کتاب قابل تحریف نیست، منافات ندارد؟

در ابتدا باید گفت ترتیب آیات، طبق دستور رسول خدا ﷺ بوده است. آیات قرآن به صورت مکتوب بر پیامبر ﷺ نازل نمی‌شده

۱. سوره اعراف: آیه ۵۴.

۲. کان قادراً علی أن یخلقها فی طرفه عین ولکنه تعالی خلقها فی سته أيام لیظهر للملائكة ما یخلقه منها شیئاً بعد شیء فیستدل بحدوث ما یحدث علی الله

۳. سوره مائده: آیه ۱۰۱.

تعالی مره بعد مره. عیون اخبار الرضا (ع): ج ۱، ص ۱۲۳.

۴. سوره بقره: آیه ۲۵۶.

۵. سوره انبیا: آیه ۲۳.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

بلکه با توسط جبرئیل از طرف خداوند نازل شده ﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلٰی قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ؛ و راستی که این قرآن وحی پروردگار جهانیان است، روح الامین آن را بردلت نازل کرد تا از جمله هشدار دهندگان باشی﴾^(۱) و یامستقیما توسط ذات الهی بر قلب شریف رسول خدا ﷺ نازل می شده است^(۲). سپس ایشان آن را برای عده ای خاص که از نظر حافظه در حد بسیار بالایی بودند و مورد تصدیق ایشان نیز بودند می خواندند و آنان این آیات را نگارش می کردند که از جمله این نگارشگران، وجود مقدس امیرالمؤمنین علی ﷺ بودند. پس نتیجه می گیریم این قرآنی که در پیش روی ماست براساس چینش مورد نظر رسول خدا ﷺ بوده است و لذا ترتیب این آیات براساس زمان نزول نبوده، بلکه یک آیه یا قسمتی از آن در زمانی خاص نازل شده و به دستور پیامبر ﷺ در محل مورد نظر ایشان قرار می گرفته است. شاهد کلام ما اینکه اولین آیه ای که بر پیامبر ﷺ نازل شده، آیات ابتدایی سوره علق بوده لیکن هم اکنون این سوره، نود و پنجمین سوره قرآن کریم است، همان طور که در روایات از امام صادق ﷺ نقل شده که فرمودند: اولین آیه ای که بر رسول خدا ﷺ نازل شده، ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ است^(۳). با این اوصاف واضح است که این مسأله ربطی به تحریف قرآن ندارد و به اصطلاح، چینش قرآن توفیقیه و دستوری از ناحیه رسول خدا ﷺ است. همچنین بیان می شود که به هیچ وجه قرآن تحریف نشده است.

۲۳- آیا وعده شفاعت باعث گستاخی مردم در ارتکاب گناه نمی شود؟

شفاعت، شرایط خاص خودش را دارد و این طور نیست که همه مردم شامل شفاعت شوند و همچنین این طور نیست که همگی به یک روش، شفاعت شوند. انسان ها به غیر معصومین ﷺ، همگی جایزالخطا و گناهکار هستند و اصلاً شفاعت برای اهل گناه است اما گناهانی هستند که مانع یا باعث تأخیر شفاعت می شوند مانند نماز، همانطور که امام صادق ﷺ فرموده: شفاعت ما برای کسی که نماز را سبک بشمارد نخواهد بود^(۴). همچنین دشمنی با اهل بیت ﷺ^(۵) همچنین کسی که گناه می کند باید به این مسأله توجه کند که نباید نسبت به دستورات الهی تجری داشته باشد که این خود، مانع یا مؤخر شفاعت خواهد شد. امام صادق ﷺ فرمود: شفاعت محمد ﷺ و شفاعت ما گناهان شما را از بین خواهد برد ای گروه شیعه! شفاعت ما را به حساب نیاورید و به آن اتکا نکنید. به خدا قسم شفاعت ما برای کسی که به انکای شفاعت ما گناه کند، نمی رسد و درد عذاب و وحشت جهنم را خواهد دید^(۶) نتیجه اینکه وعده شفاعت برای گناهکارانی است که گناهانی مرتکب نمی شوند که مانع شفاعت آنان شود. این نکته مهم هم بیان می شود که خداوند ملزم به شفاعت نیست و این یک امر تفضلی از طرف خداوند متعال است.

۲۴- داشتن کبیر و غلام در جوامع بین المللی کاری زشت و ناپسند است. چرا اسلام این موضوع را تأیید کرده است؟

در ابتدا بیان می شود، که پی شک دین اسلام، دین مهربانی و محبت انسان ها به یکدیگر است و در این دین، کسی بر دیگری برتری ندارد مگر به پرهیزگاری ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ﴾ هر آینه گرامی ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست^(۷) در توضیح شبهه می گوئیم که قبل از اسلام در همه اقوام و نه فقط در جزیره العرب، برده داری رسم همگی مردم بود و عده ای از انسان ها که معمولاً یا در

۱. سوره شعراء: آیات ۱۹۲ - ۱۹۴.

۲. کمال الدین (صدوق): ص ۸۵.

۳. کافی: ج ۲، ص ۶۳۱.

۴. این شفاعتنا لا تنال مستخفا بالصلاة. امالی (صدوق): ص ۵۷۲.

۵. عن أبي جعفر ﷺ قال: «قلت له: إن لنا جار ينتهك المحارم كلها حتى أنه ليترك الصلاة فضلا عن غيرها؟ فقال سبحان الله وأعظم ذلك ألا أخبركم بمن هو شر منه؟ قلت: بلى قال: الناصب لنا شر منه، أما إنه ليس من عبيد يذكر عنده أهل البيت فيرق لذكرنا إلا مسح الملائكة ظهره وغفر له ذنوبه كلها، إلا أن يجئ بذنوب يخرج من الإيمان وإن الشفاعة لمقبولة وما تقبل في ناصب. کافی: ج ۸، ص ۱۰۱.

۶. شفاعت محمد ﷺ و شفاعتنا تحبط بذنوبكم یا معشر الشیعة فلا تعودون وتتکلون علی شفاعتنا فوالله ما ینال شفاعتنا إذا ركب هذا حتی یصیبه ألم العذاب

۷. سوره حجرات: آیه ۱۳.

ویری هول جهنم. کافی: ج ۵، ص ۴۶۹.

جنگ به اسارت گرفته شده بودند یا به علت‌های دیگر، به عنوان برده به حساب می‌آمدند و برای صاحبان خودکار می‌کردند و در عوض، صاحبش به او آب و غذا و مکان برای استراحت می‌دادند و به این صورت زندگی می‌کردند. بعد از ظهور اسلام، با توجه به اینکه این مسأله در جامعه نهادینه شده بود و جزئی از زندگی مردم آن روزگار شده بود، لغو یکباره آن به صلاح جامعه نبود زیرا باعث می‌شد که موجی از انسان‌ها که تا به حال برده بودند، بیکار شوند و نه جایی برای زندگی داشته باشند و نه غذایی برای خوردن. همچنین نیاز به اشتغال و مسکن داشته باشند و این اتفاق، باعث اختلال در نظم جامعه می‌شد. اسلام با ایجاد شرایط و وضع قوانین و احکام و مطرح کردن روش‌های اخلاقی و ایجاد فضای روحانی، به تدریج این مسأله را از جامعه حذف کرد. نمونه وضع احکام در این موضوع، آزاد کردن برده در صورت روزه‌خواری (البته با شرایط آن) و یا قرار دادن مواردی از مصرف زکات برای آزادی بنده است. نمونه اخلاقی آن شیوه رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام بود که به کوچک‌ترین بهانه‌ای، بنده یا بندگان را آزاد می‌کردند. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: پیوسته جبرئیل، سفارش بندگان را به من می‌کرد تا آنجا که گمان کردم به زودی برای آنها مهلتی داده می‌شود که به هنگام رسیدن آن، آزاد می‌شوند^(۱). همچنین ایشان در نفی خرید و فروش برده فرمودند: بدترین مردم کسی است که انسان‌ها را بفروشد^(۲). امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام از پول دسترنج خود هزار برده را آزاد کردند^(۳). همچنین درباره دیگر امامان معصوم علیهم‌السلام نیز آمده که در طول زندگی خود بارها بنده آزاد کرده‌اند. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: کسی که ایمان داشته باشد بعد از ۷ سال آزاد می‌شود چه صاحبش بخواهد، چه نخواهد^(۴). کوتاه سخن آنکه با وجود این قوانین و سفارشات بود که به تدریج برده‌داری از جامعه مسلمانان و به تبع آن از بیشتر جوامع رخت بر بست تا جایی که هم‌اکنون بحث‌های فقهی بنده (برده و کنیز) در کتب فقهی منسوخ شده و به آن پرداخته نمی‌شود و همچنین در جامعه پیش روی خودمان هم اثری از آن مشاهده نمی‌شود و این از برکات تعالیم اسلام ناب محمدی می‌باشد.

۲۵- اگر قرآن کریم کلام خداست، لزوم بیان حدیث قدسی در چیست؟ و آیا به این علت که احادیث قدسی جزء قرآن نیست، معنایش جعلی بودن آن نمی‌باشد؟

اولاً اینکه بدون شک قرآن معجزه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و کلام الهی است که بر قلب شریف ایشان نازل شده است. بعضی از مسائلی که در حدیث قدسی آمده، به دلیل وجود مصلحت‌هایی، نمی‌توانسته در قرآن بیاید، مانند حدیث قدسی: «عن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عن جبرئیل عن میکائیل عن إسرائیل عن اللوح عن القلم قال: یقول الله عزوجل ولا یة علی بن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی»^(۵) که در این حدیث به ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام تأکید و آن را سپهر در مقابل آتش معرفی کرده است. این در حالی است که بنا بر مصالحی که خدا و رسولش از آن آگاه بودند، نام امیرالمؤمنین علیه‌السلام به صورت واضح و آشکار در قرآن نیامده است. اصولاً اساس قرآن به این شکل است که به کلیات دین پرداخته و بیان جزئیات را به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ایشان نیز به اوصیای خویش، به عنوان مبلغان و حافظان دین، سپرده است. مانند اینکه در قرآن به صورت کلی به خواندن نماز امر کرده است اما مأموریت بیان جزئیات آن و چگونگی خواندن آن را به پیامبر و ایشان نیز به اهل بیت علیهم‌السلام سپرده است تا آنان به مردم بیاموزند.

۲۶- آیا عمر طولانی امام زمان علیه‌السلام یک معجزه است یا اینکه بنابر علوم طب اسلامی امکانش وجود دارد؟

اولاً اینکه عمر طولانی امام علیه‌السلام به اذن الهی است و قدرت خداوند لایزال و نامتناهی است. ثانیاً در قدیم، عمرها بیشتر بوده و انسان‌های زیادی بودند که عمر طولانی داشته‌اند مانند حضرت نوح علیه‌السلام که ۲۵۰۰ سال و یا حضرت آدم ابوالبشر علیه‌السلام که ۱۰۰۰ سال عمر

۱. وسائل الشیعة: ج ۱۶، ص ۳۷.

۳. همان: ص ۷۴.

۵. عیون اخبار الرضا: ج ۲، ص ۱۴۶.

۲. کافی: ج ۵، ص ۱۱۴.

۴. وسائل الشیعة: ج ۲۳، ص ۵۴.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

کرده‌اند و یا انسان‌هایی مانند حضرت عیسی، خضر و الیاس علیهم‌السلام که بعد از هزاران سال هنوز زنده‌اند. لذا امکان عمر طولانی برای انسان وجود دارد، اما اینکه طب اسلامی بتواند عمر انسان را زیاد کند، ادعاهایی شده است. این نکته لازم به ذکر است که تا قبل از ظهور، ۲ قسمت از ۲۷ قسمت علم مشخص می‌شود و ۲۵ قسمت دیگر در زمان ظهور آشکار می‌گردد و ممکن است بعدها علم آنقدر پیشرفت کند که بتواند عمر انسان را افزایش دهد. ثالثاً، در روایات نیز آمده که خداوند عمر امام علیه‌السلام را آنقدر طولانی می‌کند تا زمانی ظهور بفرماید. همه اینها به دست خداست. البته بعضی می‌گویند: امام، معصوم است و عمل اشتباهی انجام نمی‌دهد که مریض شود که به تبع آن سلول‌های ایشان بمیرد و به سمت مرگ پیش رود. این ادعا جواب نقضی دارد و آن این است که روایاتی وجود دارد که دلالت بر مریضی معصومین علیهم‌السلام دارد. مانند حدیث مریضی امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام و نذر حضرت صدیقه طاهره علیها‌السلام برای ایشان و همچنین مریضی امام زین العابدین علیه‌السلام در روز عاشورا.

۲۷- مگر روح انسان از خداوند نیست، پس چرا جهنم وجود دارد که انسان در آن عذاب می‌شود؟

بر اساس آیه شریفه ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾ و دمیدم در او از روح خویش ^(۱) روح انسان به صورت فطری از خداوند است. اما اینکه چرا خداوند جهنم را به وجود آورده در جواب می‌گوییم این مسأله به عمل انسان بر می‌گردد و این خود انسان است که با اختیار خود، با انجام اعمالی مخالف دستورات الهی، روح خود را آلوده و مستحق آتش جهنم می‌کند، لذا در قیامت هر که هر عملی را انجام دهد به صورت اثر وضعی پیش روی خود مشاهده خواهد کرد و بر طبق آن عمل، مستحق عذاب یا پاداش خواهد شد و لذا هیچ ظلمی صورت نمی‌گیرد بلکه اثر عمل خودمان است ﴿وَوَضِعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لَ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ و کارنامه [عمل شما در میان] نهاده می‌شود، آن‌گاه بزهکاران را از آنچه در آن است بیمناک می‌بینی، و می‌گویند: «ای وای بر ما، این چه نامه‌ای است که هیچ [کار] کوچکی و بزرگی را فرو نگذاشته، جز اینکه همه را به حساب آورده است». و آنچه را انجام داده‌اند حاضر یابند، و پروردگار تو به هیچ کس ستم روا نمی‌دارد ^(۲) لذاست که خداوند در آیات متعدد در قرآن از انسان خواسته که فریب وسوس شیطانی را نخورد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: اگر مردی گناه کند در قلبش نقطه سیاهی ظاهر می‌شود و اگر توبه کند، پاک می‌شود و اگر گناه زیاد شد، این سیاهی هم زیاد می‌شود تا حدی که همه قلب او را در بر خواهد گرفت و دیگر سعادت مند نمی‌شود ^(۳). و می‌دانیم که قلب، همان نفس و روح انسان است.

۲۸- ما به عنوان یک کشور اسلامی مرگ بر هر جایی می‌گوییم آن کشور از کشور ما پیشرفته‌تر است. یا آنان از ما بهتر هستند یا اینکه اسلام ما مشکل دارد. لطفاً در این مورد توضیح دهید؟

اولاً باید بگوییم که مسأله مرگ برگشتن ریشه، قرآنی دارد: مانند این آیات ﴿قَاتِلِ الْاَکْثَرَ اَصْنَؤْنَ﴾ مرگ باد بر آن دروغگویان ^(۴). ﴿فَقَاتِلْ كَيْفَ قَدَرٌ﴾ کشته بادا، چگونه [او] سنجید؟ ^(۵) ﴿قَاتِلِ الْاِنْسَانَ مَا اَكْفَرَهُ﴾ کشته باد انسان، چه ناسپاس است ^(۶) نکته بعد آنکه مانسبت به کسانی آرزوی مرگ می‌کنیم که مستکبر هستند و قصد استیلا و به بردگی کشاندن مردم دنیا را دارند و در طول تاریخ، این مسأله را نشان داده‌اند. چرا ما مرگ بر زاپین یا آرژانتین و یا برزیل نمی‌گوییم؟ ما آرزوی مرگ برای کسانی داریم که بانسانیت دشمن هستند. نکته دیگر آنکه، این اشکال ملت ماست که آنان پیشرفته‌تر از ما هستند؛ آنان نیز مانند ما انسان هستند. فکر می‌کنند و سپس پیشرفت می‌کنند. آنان به مسائلی که باعث پیشرفت انسان در زندگی می‌شود اهمیت می‌دهند و لذا ما نیز در موقعیت‌هایی که به آن اهمیت داده‌ایم، پیشرفت کرده‌ایم.

۱. سوره حجر: آیه ۲۹.

۲. سوره ذاریات: آیه ۱۰.

۳. سوره عبس: آیه ۱۷.

۴. سوره حجر: آیه ۲۹.

۵. کافی: ج ۲، ص ۲۷۱.

۶. سوره مدثر: آیه ۲۰.

۱۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

مانند سلول‌های بنیادی یا مانند اینها. اما اینکه دین اسلام مشکل دارد و باعث عقب ماندگی ما شده، تفکری سراسر اشتباه است. اتفاقاً هیچ دینی مانند دین اسلام به علم، اهمیت نداده است و ریشه بسیاری از علوم روز دنیا، از جهان اسلام وارد غرب شده است. مانند علم شیمی، علم نجوم و بسیاری از علوم پزشکی و طب. اما غرب آن را به نام خود کرده است.

۲۹ - با طولانی شدن غیبت امام عصر عجل الله فرجه و دور بودن از احادیث و روایات، به سمتی می‌رویم که بسیاری از مردم، به وجود امام عجل الله فرجه شک کرده‌اند. راه حل رفع این شک و شبهه چیست؟

نکته اول اینکه اگر به خوبی مسائل اعتقادی را بیاموزیم و اعتقاد قلبی به این مسائل داشته باشیم، هیچگاه شک به ما راه پیدا نخواهد کرد. نکته دیگر اینکه دوری از احادیث به سبب مشغولیات مردم به امور غیر دینی است مگر نه، اینکه احادیث و مفسران آن که علما باشند در دسترس قرار دارند و ما می‌توانیم از ایشان سؤال کنیم و یا به کتاب‌های بسیاری که در باب مسائل اعتقادی نوشته شده مراجعه کنیم. نکته دیگر آنکه در طوفان دشمنی‌های الان کافران با دین و اعتقادات مردم، برای دور بودن از گزند این طوفان، به خدا پناه بریم و به او توکل کنیم و اگر با اخلاص عمل کنیم، خداوند وعده داده که اگر ایمان داشته باشیم، ما را از گزند فریب‌های شیاطین جنی و انسی حفظ خواهد کرد. ﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا؛ قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند﴾^(۱).

۳۰ - اهل سنت معتقد به وجود امام زمان عجل الله فرجه هستند اما معتقدند که ایشان هنوز به دنیا نیامده. لطفاً فرق این تفکر را با تفکر شیعه در این باره بیان کنید؟

بر اساس احادیث بسیار حضرت مهدی عجل الله فرجه به دنیا آمده و در بین مردم حضور دارد و هر زمان خداوند اراده فرماید، ظهور خواهد کرد. امیرالمؤمنین عجل الله فرجه در روایتی طولانی می‌فرماید: او مهدی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همانطور که پر از ظلم و جور شد و با او حیرت و غیبتی است که بسیاری از اقوام به واسطه آن گمراه می‌شوند و بعضی دیگر هدایت می‌شوند^(۲). و البته روایات بسیاری که دلالت بر غیبت امام عجل الله فرجه دارد نه اینکه هنوز به دنیا نیامده باشد. فرق دیگر آنکه اهل سنت او را از فرزندان امام حسن عجل الله فرجه می‌دانند (قال علی رضی الله عنه و نظر إلى ابنه الحسن فقال: إن ابني هذا سيد كما سماه النبي صلى الله عليه وسلم وسيخرج من صلبه رجل يسمي باسم نبيناكم يشبهه في الخلق ولا يشبهه في الخلق، ثم ذكر قصة: يملأ الأرض عدلاً)^(۳) این در حالی است که امام مهدی عجل الله فرجه از نسل امام حسین عجل الله فرجه است... پیامبر صلى الله عليه وآله خطاب به امام حسین عجل الله فرجه فرمود: تو آقا، پسر آقا هستی. تو امام، پسر امام و پدر امامان هستی، تو حجت خدا و پسر حجت خدا هستی و پدر حجت‌های نه‌گانه بعد از خودت هستی که نهمین آنان قائم آنان است^(۴). فرق دیگر آنکه، بر طبق روایات مختلف و از جمله روایت بیان شده در فوق، حضرت مهدی عجل الله فرجه، امام معصوم و حجت خداست در حالی که اهل سنت قائل به عصمت حضرت مهدی ندارند.

۳۱ - از طرفی گفته می‌شود که خدا رحمان و رحیم است و به بندگان خود و حتی کفار نظر لطف دارد و از طرفی در قرآن آمده که خداوند، کافران را هدایت نمی‌کند. لطفاً تناقض را رفع کنید؟

ابتدا می‌گوییم که معنای ﴿وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾^(۵) و شبیه آن که در قرآن آمده، سلب توفیق از شخص ظالم و یا کافر است و این سلب توفیق به واسطه عملکرد خود شخص حاصل می‌شود نه اینکه خداوند مستقیماً از او سلب توفیق کند.

۱. سوره حج: آیه ۳۸.
۲. الإمامة و التبصرة: ص ۱۲۰.
۳. سنن ابی داوود: ج ۲، ص ۳۱۱.
۴. کفایة الأثر: ص ۴۶.
۵. سوره بقره: آیه ۲۵۸.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

نکته دیگر اینکه کافران نیز بر دو گروه هستند: گروه اول کسانی که به واسطه جهل نسبت به راه درست منحرف هستند ولیکن با خدا دشمنی نمی‌کنند. اینان طبق آیه آخر سوره حمد، (ضالین) هستند و گروه دوم، کسانی هستند که با علم و آگاهی و از روی عمد با جبهه خداوند دشمنی و مبارزه می‌کنند که در سوره حمد از آنان تعبیر به مغضوبین شده است. خداوند این گروه را هدایت نمی‌کند که معنایش این است که آنقدر غرق دشمنی با خدا شده‌اند که مسیرهای هدایت را بر روی خود می‌بندند و لذا توفیق توبه و بازگشت به سوی خدا از اینان سلب می‌شود و به اصطلاح توفیق هدایت پیدا نمی‌کنند. البته معنای دیگر هم گفته شده و آن این است که خداوند در قیامت کافران را به راه بهشت هدایت نمی‌کند^(۱).

۳۲ - معراج از نظر علمی قابل پذیرش نیست ولی از نظر دینی مورد تأکید قرار گرفته است. آیا دین و علم در تعارض هستند؟

از آن جهت که علم، در حیطه مخلوقات الهی است و از طرفی دیگر دین، دستورات الهی است در نتیجه هر دو در حیطه قدرت خداوند هستند، لذا عقلاً و منطقاً نمی‌توانند باهم تناقضی داشته باشند.

نکته بعد اینکه معراج پیامبر ﷺ، در زمره معجزات ایشان است. لازم است ابتدا درباره معجزه مطالبی بیان شود: معجزه آن چیزی است که با قوانین فیزیک به حساب ظاهر، قابل توجیه نیست و انسان عادی از انجام آن ناتوان است. اینکه در تعریف، از اصطلاح (به حساب ظاهر) استفاده کردیم به این دلیل است که ممکن است بعدها با پیشرفت در علم، بتوان با قوانین فیزیک معجزه خاصی را توجیه کرد و این کلام ما ناظر به این نکته است که در روایت آمده که خداوند امور خود را با اسباب و مسببات مادی پیش می‌برد.^(۲) با این گفته می‌توان گفت که بسیاری از اتفاقات غیر طبیعی و غیر فیزیکی در واقع فیزیکی هستند. اما در زمان وقوع معجزه به طور حتم، انسان عادی قدرت بر انجام آن را ندارد. به عبارت دیگر معجزه از نظر جریانات طبیعی ظاهری قابل قبول نیست، لیکن از نظر قوانین و سنن الهی یک امر محال شمرده نمی‌شود و لذا با قوانین کلی طبیعی در تضاد و تناقض نمی‌باشد. به طور مثال: در سیاه چاله‌ها زمان و مکان معنا ندارد و همه چیز تبدیل به انرژی می‌شود و ممکن است مثلاً پیامبر ﷺ از این راه به دنیای خارج از این عالم وارد شده باشد. در هر حال تا زمان ظهور ۲ قسمت از ۲۷ قسمت علم کشف می‌شود. نکته آخر اینکه، این شامل تمام معجزات نمی‌شود زیرا بعضی از معجزات مانند شق القمر یا رد الشمس از عهده انسان عادی بر نمی‌آید، حتی اگر علم پیشرفت کند.

۳۳ - آیا شمر در برابر امام حسین ﷺ نعمت بود یا شر؟

بدون شک و به طور حتم، شمر و امثال او به واسطه دشمنی با امام معصوم ﷺ و قرار گرفتن در جبهه شیطان، برای جبهه حق به رهبری امام معصوم ﷺ، شر هستند. خداوند می‌فرماید: ﴿كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ﴾ بدین سان قرار دادیم برای هر پیامبری دشمنی از گنهکاران^(۳) به دلیل این آیه شریفه و آیات شبیه آن، در این دنیا دشمنانی بر ضد اولیای الهی وجود دارد که آنان را آزار می‌دهند و با رهروان آنان دشمنی می‌کنند. از منظر دیگر اینکه امام حسین ﷺ، به عنوان حجت خدا و امام معصوم، خیر مطلق هستند و لذا به طور حتم، دشمن خیر مطلق، شر مطلق است. این بر اساس دیدگاه قرآن و سیره اهل بیت ﷺ است، و اما از دیدگاه‌های دیگر، اگر مخالف دیدگاه قرآن و معصوم باشد، قابل قبول نیست.

۱. قوله ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾ إلى طريق الخير والصلاح، یعنی يسلب لطفه وتوفيقه عنهم لفرط رسوخهم في الكفر وشدة انهماكهم في الشر حتى أبطلوا بذلك استعداد قبول اللطف والتوفيق. أو المراد أنه لا يهديهم في الآخرة إلى طريق الجنة. شرح اصول کافی: ج ۷، ص ۱۲۰.
 ۲. أبو عبد الله ﷺ أبي الله ان يجري الأشياء إلا بالأسباب. بصائر الدرجات: ص ۲۶.
 ۳. سوره فرقان: آیه ۳۱.

۳۴ - دینداری حق انسان است یا تکلیف اوست؟

این دو مقوله مانعة الجمع نیستند و در مقابل یکدیگر قرار ندارند. از جهتی حق انسان است و از جهتی تکلیف. حق است، زیرا خداوند، انسان‌ها را خلق کرده که او را عبادت کنند ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيُعْبُدُونِ؛ وَجَنِّ رَانِيَا فَرِيدِم جَزْ بَرَايَ أَنَكِه مَرَا بِيرَسْتَنَد﴾^(۱). از طرفی دیگر، قرار است خداوند در مقابل اطاعت یا عدم اطاعت انسان، به او ثواب یا او را عقاب کند، لذا حق انسان است که حقیقت را بداند و حجت بر او تمام شود، تا در آخرت خداوند به واسطه علم و آگاهی انسان‌ها به اعمال آنان رسیدگی کند. از طرفی دیگر، دین داری تکلیف است. زیرا خداوند به واسطه مهربانی که نسبت به مخلوقات دارد، انسان را به اعمال و رفتار خاص (که همان قوانین دین است) مکلف کرده تا آنان با انجام این دستورات که در قالب احکام، اعتقادات و اخلاق است، به سعادت و مقام رضایت الهی برسند. نتیجه اینکه دین داری چه حق انسان باشد و چه تکلیف و چه هر دو، به نفع انسان و نشانه مهربانی خداوند است.

۳۵ - چرا امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر پنهان داشتن قبر خود وصیت و اصرار داشت؟

می دانیم که شخصیت امیرمؤمنان علیه السلام به واسطه تبلیغات بسیار زیاد دشمنان اهل بیت علیهم السلام و بالأخص بنی امیه تخریب شده بود و بسیاری از مردم کینه ایشان را به دل داشتند. امام علیه السلام می دانستند که اگر قبر شریفشان مخفی نشود، بنی امیه و باقی مانده خوارج، به قبر ایشان اهانت خواهند کرد. همانطور که بنی امیه این عمل مجرمانه را مرتکب شده‌اند و قبر بعضی از بزرگان مانند قبر شریف زید شهید را نبش کرده بودند. لذا تا اوایل حکومت بنی عباس قبر ایشان مخفی بود تا زمانی که این خطر برطرف شد، قبر منورا ایشان نمایان شد.

۳۶ - آیا اجداد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همگی موحد بودند؟

بله همگی آنان موحد بودند. به دلیل آیه شریفه ﴿وَتَقَلَّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ؛ وَحَرَكْتَ تَوْرًا دَر مِیَان سَجْدِه كِنْدِگَان [می نگرد]﴾^(۲) این مسأله، از اعتقادات شیعه است. شیخ مفید در تصحیح اعتقادات امامیه می فرماید: مراد آیه قرار گرفتن ایشان در اصلاص موحدان است^(۳). و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: از ابتدا در صلب پاکان بودم و به رحم‌های پاک منتقل می شدم تا آنکه خداوند مرا (از رحم‌های پاک) به این دنیا وارد کرد^(۴).

۳۷ - آیا آزادی مطلق است یا محدود؟ محدوده آزادی چیست؟

فرق انسان‌ها به عنوان اشرف مخلوقات، با حیوانات این است که خداوند برای انسان‌ها، موقعیت‌ها و شرایطی را تعریف کرده که با آن به سعادت واقعی که همان مقام قرب و رضوان الهی است، برسند. انسان دارای دو نفس اماره و لواحه و نفس سومیه به نام نفس مطمئنه است. نفس اماره با تحریک شیطان قصد دارد انسان را از آن محدودیت‌هایی که در نتیجه، ما را به سعادت می‌رساند، آزاد کند که این آزادی، در اصل ما را زندانی نفس خود و شیطان می‌گرداند. پس نمی‌توان گفت انسان آزاد مطلق است بلکه آزادی او محدود و در حیطه شرع و اخلاق است و اگر این نبود، فرقی بین انسان و حیوانات نبود. البته خداوند قصد ندارد انسان را با جعل قوانین دین آزار دهد همانطور که فرموده: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ؛ خُدا بَرَايَ شِمَا آسَانِي مِي خَوَاهِد وَ بَرَايَ شِمَا دَشْوَارِي نَمِي خَوَاهِد﴾^(۵) اما این قوانین برای خود انسان مفید است و قرار است با رعایت آن به خودش سود برسد. نتیجه کلام اینکه انسان در چهارچوب قوانین دین و به

۱. سوره ذاریات: آیه ۵۶.

۲. سوره شعرا: آیه ۲۱۹.

۳. تنقله في أصلاص الموحدين. تصحیح اعتقادات الإمامیه (شیخ مفید): ص ۱۳۹.

۴. ما زلت أتقل من أصلاص الطاهرين إلى أرحام المطهرات، حتی أخرجني الله تعالی فی عالمکم هذا. همان.

۵. سوره بقره: آیه ۱۸۵.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

دست آوردن رضایت خداوند می تواند آزادانه زندگی کرده و از مواهب دنیوی استفاده کند. قرآن کریم می فرماید: ﴿كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلَ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ﴾؛ همه خوراکی ها بر فرزندان اسرائیل حلال بود، جز آنچه پیش از نزول تورات، اسرائیل [یعقوب] بر خویشتن حرام ساخته بود^(۱) این آیه نقشه راهی است برای کسانی که می خواهند بدانند، مقوله آزادی در دین چگونه است؟ اصل کلی همانطور که بیان شد، استفاده از تمام نعمت ها و مواهب الهی است تا زمانی که حدود الهی رعایت شود. نکته دیگر درباره نفس مطمئنه است. نفس مطمئنه، نفسی است که صاحب آن به عقاید حقّه و ثواب و عقاب اطمینان یافته و آرامش دارد. چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف اهل تقوا می فرماید: پرهیزگاران نسبت به بهشت مانند کسانی هستند که آن را دیده و به نعمت آن نایل شده باشند و نسبت به آتش، مانند کسانی هستند که آن را دیده و در آن معذب شده باشند.^(۲)

۳۸ - چرا امکان اعتقاد به حقانیت چند دین و مذهب به صورت هم زمان وجود ندارد؟

در ابتدا بیان می شود که معنای اسلام، تسلیم شدن در برابر اوامر و نواهی الهی است و یک انسان وظیفه دارد دستورات الهی که در قالب دین به او عرضه شده را در طول زندگی خود به کار گیرد. اما ما در مقام پاسخ به سؤال شما می گوئیم: از نظر عقلی و منطقی انسان نمی تواند هم زمان، دو تفکر و ایدئولوژی را در ذهن خود داشته باشد و به آن معتقد باشد و این از نظر امکان وقوعی، انجام ناشدنی است و هر عقل سلیمی این مسأله را درک می کند. با توجه به اینکه ما مسلمان هستیم و باید در چهارچوب دین اسلام و تعالیم قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینان آن حضرت حرکت کنیم، ایشان یک سلسله مسائلی که ما باید به آن اعتقاد داشته باشیم را به ما عرضه کرده اند. قرآن کریم می فرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾؛ امروز دین شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم^(۳) و در آیه ای دیگر می فرماید: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ؛ وَهُوَ كَرِهَ جَزَاسْلَامًا﴾؛ دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود^(۴) پس با توجه به آن مسأله منطقی و این دستور قرآن، ما نه حق داریم به دین و آئین و مذهبی دیگر قائل باشیم و نه از نظر منطقی می توانیم این مسأله را در ذهن خود واقع کنیم. به عنوان مثال: ممکن است عده ای از مسلمانان گویند ما هم امیرالمؤمنین علیه السلام را صاحب حق می دانیم و هم اصحاب جمل را! در جواب می گوئیم مگر می شود هم به امام عادل معتقد بود و هم با کسی که بر او شمشیر می کشد؟! نتیجه اینکه عقلاً و منطقاً و نقلاً، امکان وقوع این مسأله وجود ندارد.

نکته بعد آنکه ما در زندگی شخصی خود نیز بعد از مدتی وسایلی که قدیمی یا مندرس شده اند را کنار گذاشته و وسایل نو را جایگزین آن ها می کنیم. دین اسلام هم پیشرفته ترین و کامل ترین دین است و کامل تر از آن دینی وجود ندارد. این دین، پاسخگوی تمام سؤالات انسان چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی می باشد و لذا عاقلانه نیست که ما بخواهیم به آیین هایی معتقد باشیم که از این دین قدیمی تر هستند و از طرفی چون به دلائل قطعی ثابت شده که تفکرات بعد از دین اسلام همگی جعلی هستند، به دلیل آیه شریفه ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾؛ محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست. او رسول خدا و خاتم پیامبران است^(۵) پس بهترین راه، ایمان به دین مبین اسلام است.

۳۹ - آیا آیات نسخ شده در قرآن به دلیل از دست دادن اثر خود، از قرآن حذف نشده اند؟

ابتدا اینکه ما آیه نسخ شده زیادی در قرآن نداریم. همچنین درباره آیات نسخ شده نیز قرآن کریم می فرماید: ﴿مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِخْهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا﴾؛ هر حکمی را نسخ کنیم، یا آن را به [دست] فراموشی بسپاریم، بهتر از آن، یا مانندش را می آوریم^(۶) نسخ

۱. سوره آل عمران: آیه ۹۳.

۲. نهج البلاغه: خطبه ۱۹۳.

۳. سوره مائده: آیه ۳.

۴. سوره احزاب: آیه ۴۰.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

آیه‌ای در قرآن کریم به معنای کنار گذاشتن آن به دلیل مصالح و مفاسدی است مانند آیه نجوا ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَجَاسَرْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خواهید که با پیامبر نجوا کنید، پیش از نجوا کردنتان صدقه بدهید. این برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است^(۱) در این آیه، خداوند به دلیل اینکه مردم بسیار از پیامبر ﷺ، سؤال می‌کردند و ایشان را آزار می‌دادند، به مردم دستور می‌دهد که اگر قصد دارید به صورت خصوصی با پیامبر ﷺ صحبت کنید، صدقه بدهید. در تفاسیر آمده که بعد از نزول این آیه، غیر از امیرالمؤمنین ﷺ، کسی به مفاد این آیه عمل نکرد. لذا خداوند این آیه را نسخ فرمود و در تفسیر اهل سنت از قول امیرالمؤمنین ﷺ نقل شده که در قرآن، آیه‌ای است که فقط من به آن عمل کرده‌ام و سپس این آیه را تلاوت کردند^(۲). حال با توجه به علم الهی، شاید خداوند می‌خواست مردم را امتحان کند و به خودشان نشان دهد که چقدر به پیامبر ﷺ محبت دارند و یا اینکه فضائل امیرمؤمنان ﷺ را به مردم نشان دهد و لذا در هر صورت فلسفه وجودی آیه نسخ شده به جای خود باقی می‌ماند و قابل حذف شدن از قرآن نیست.

۴۰ - آیا حضرت ابوطالب ﷺ مسلمان بوده است؟

بدون شک ایشان مؤمن به پیامبر ﷺ بودند و مگر می‌شود پدر مظهر توحید یعنی امیرمؤمنان ﷺ، کافر باشد. روایاتی که دلالت بر عدم ایمان حضرت ابوطالب ﷺ می‌کند، جعل شده توسط دشمنان امیرمؤمنان ﷺ است. اما در کلمات معصومین ﷺ، بسیار از ایمان ابوطالب ﷺ تعریف شده است. شیخ مفید^(۳) کتابی مستقل در باب ایمان حضرت ابوطالب ﷺ به همین نام نوشته است. همچنین کتابی به نام ابوطالب، مؤمن قریش نیز در عصر ما نوشته شده است. ابن ابی الحدید معتزلی، صاحب شرح نهج البلاغه از امام باقر ﷺ نقل می‌کند که از امام ﷺ سؤال شد که گویند ابوطالب در آتش است. امام ﷺ فرمود: اگر ایمان ابوطالب در یک طرف کفه ترازو باشد و ایمان بقیه خلق در کفه دیگر، ایمان ابوطالب ترجیح دارد. سپس فرمود: آیا می‌دانید که امیرالمؤمنین ﷺ به مردم امری کرده به نیابت از عبدالله، پدر رسول اکرم ﷺ و پدرش ابوطالب، حج بجا آورند^(۴). از دلایل دیگر ایمان ایشان آن است که زمانی که از دنیا رفتند، پیامبر ﷺ، امیرالمؤمنین ﷺ را مسئول تجهیز ایشان کردند و پس از آن فرمودند: من او را شفاعتی می‌کنم که اهل ثقلین تعجب کنند^(۵). این در حالی است که طبق آیات قرآن، کافران، قابلیت شفاعت ندارند. ﴿عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَلَمْ نَكُ نُطْعَمُ الْمُسْكِينِ * وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ * وَكُنَّا نَكُذِّبُ يَوْمَ الدِّينِ * حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ * فَمَا تَتَفَعَّلُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ﴾ از گناهکاران که چه چیز شما را به جهنم کشانید؟ می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم و به درویشان طعام نمی‌دادیم و با آنان که سخن باطل می‌گفتند هم آواز می‌شدیم، و روز قیامت را دروغ می‌انگاشتیم تا مرگ ما فرا رسید پس شفاعت کنندگان سودشان نبخشید^(۶) لذا بدون شک هم بر اساس روایات مختلف و هم با استدلال قرآنی، حضرت ابوطالب ﷺ با ایمان از دنیا رفته‌اند.

۴۱ - شفاعت کنندگان نشانه این نیست که آنان از خدا مهربان‌تر هستند؟

با یاد دانست که شفاعت کننده اصلی خداست ﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا﴾ بگو از آن خدا است شفاعت همگی^(۷) و اگر هم کسی مقام

۱. سوره مجادله: آیه ۱۲. ۲. تفسیر تعلی: ج ۹، ص ۲۶۲ و تفسیر سمعانی: ج ۵، ص ۳۸۹.

۳. شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید): ج ۱۴، ص ۶۸.

۴. لما قبض رحمه الله، أتى أمير المؤمنين عليه الصلاة والسلام رسول الله ﷺ وسلم، فأذنه بموته فتوجه لذلك النبي ﷺ وقال: «امض يا علي، فتول غسله وتكفينه وتحنيطه، فإذا رفعته على سريره فأعلمني». ففعل ذلك أمير المؤمنين عليه الصلاة والسلام، فلما رفعه على السرير اعترضه النبي ﷺ، فرق له، وقال: «وصلتك رحم، وجزيت خيرا، فلقد رببت وكفلت صغيراً، وأزرت ونصرت كبيراً». ثم أقبل على الناس، فقال: «أما والله، لأشفعن لعمى شفاعته يعجب منها أهل الثقلين». إيمان ابى طالب (شيخ مفيد): ص ۲۶. ۵. سوره مدثر: آیات ۴۱-۴۸.

۶. سوره زمر: آیه ۴۴.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

شفاعت کردن را به دست می آورد از عنایت الهی است. قرآن کریم می فرماید: ﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾؛ از شفاعت بی نصیبند، مگر آن کس که با خدای رحمان پیمانی بسته باشد^(۱) همچنین ﴿يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾؛ در آن روز شفاعت سود ندهد، مگر آن را که خدای رحمان اجازت دهد و سخنش را پسندد^(۲) و البته آیات بسیار دیگر که دلالت بر این دارد که اگر هم کسی قدرت شفاعت دارد به اذن الهی در قیامت، این عمل را انجام خواهد داد و لذا می گوئیم هیچکس مهربان تر از خدا نیست و البته صاحبان شفاعت هم مهربانی خود را از خدا گرفته اند.

۴۲- در مورد کلمه مولا در حدیث من کنت مولا فهذا علی مولا شرحی فرمایید؟

اهل سنت مدعی هستند که این کلمه دلالت بر معنای رهبری و خلافت بعد از پیامبر ﷺ نمی کند. در جواب گفته می شود که کلمه مولی، به ۱۰ معنا در زبان عربی به کار رفته است، از جمله دوست، ناصر، صاحب اختیار بنده (غلام)، بنده (غلام)، پسر عمو و رهبر و صاحب اختیار مردم. از طرفی، حدیث غدیر بر اساس اکثر مصادر این طور آمده است: قال رسول الله ﷺ: «الست اولى بالمؤمنين من انفسهم قالوا بلى قال فمن كنت مولا فاعلى مولا الى آخر حدیث». اگر قرار بود که کلمه مولی، معنای دوست بدهد یعنی علی دوست مؤمنین است. چه لزومی داشت که پیامبر ﷺ قبل از آن بفرماید: «الست اولى بالمؤمنين من انفسهم؛ یعنی من به مؤمنین بر خودشان اولویت دارم؟ همچنان که خود این جمله دلالت بر رهبری پیامبر ﷺ بر مسلمانان دارد، کلمه مولی نیز به معنای رهبری امیرالمؤمنین علی ﷺ بر مردم است. همانطور که پیامبر ﷺ در حدیث دیگری می فرماید: «علی ولی کل مؤمن من بعدی؛ علی، صاحب اختیار هر مومنی بعد از من است»^(۳) که به دلیل وجود کلمه (من بعدی)، این حدیث نیز دلالت بر خلافت و رهبری امیرالمؤمنین ﷺ بر مردم دارد. زیرا پر واضح است که ایشان قبل از رحلت پیامبر ﷺ نیز دوست مؤمنین بوده است و معنا ندارد که رسول خدا ﷺ بخواهد بر این مسأله تأکید کند. از طرفی پیامبر ﷺ حکیم است و عمل عبث و بی هدف انجام نمی دهد. آیا درست است که ایشان، جمعیتی بالغ بر بیش از ۱۰۰ هزار نفر را، در حالی که خسته از اعمال حج بودند، در یک روز بسیار گرم و زیر آفتاب سوزان حجاز گرد هم جمع کند و آنان را ۳ روز معطل کند، تا آخر بخواهد به مردم اعلام کند که ای مردم علی را دوست بدارید؟ اگر خواننده محترم بجای مسلمانان حاضر در آنجا بود با خود نمی گفت که رسول خدا ﷺ لازم نبود آنقدر برای گفتن این مطلب ما را اذیت کند و وقت ما را تلف کند؟! اینکه پیامبر ﷺ بخواهد بگوید علی را دوست بدارید، آن را در یک لحظه می توانست بیان کند و لازم به این همه مقدمه چینی نبود چه لزومی داشت که دستور دهد عقب افتادگان از کاروان برسند و جلورفتگان برگردند؟ پس به طور حتم مطلب مهم تری بود که باید رسول خدا ﷺ به مردم بیان کند. اگر این اتفاق درباره یکی از خلفای سه گانه صورت گرفته بود آیا اهل سنت آن را دلالت بر اعلام خلیفه بعد از پیامبر ﷺ قلمداد نمی کردند. آیا عاقلانه است که تصور کنیم ابوبکر و عمر برای خلافت بعد از خود برنامه ریزی کرده اند اما رسول اکرم ﷺ با این همه زحمتی که برای اسلام کشیده اند، آن را به حال خود رها کنند. زمانی که پادشاهان سعودی خود را ولی امر می دانند و برای خود ولیعهد و حتی ولی عهد تعیین می کنند این عملشان درست است اما برای پیامبر ﷺ این عمل صورت نگرفته است! می شود گفت آنان عاقل تر از پیامبر ﷺ بودند؟! اینان ظاهراً دلسوزتر از خدا برای دین خدا هستند چون برای پابرجا ماندن دین خدا بعد از خود ولی امر تعیین می کنند، لیکن خدا برای پابرجا ماندن دین خود به فکر جانشین برای پیامبرش نیست؟ ﴿سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُقُولُونَ غُلُوًّا كَبِيرًا﴾؛ او منزه است، و از آنچه درباره اش می گویند برتر و بالاتر است^(۴) (چطور اینجاست، ولی امر معنای حاکم و رهبر می دهد اما در روز غدیر معنای دوست؟! از جمله دلایل دیگر بر اینکه

۱. سوره مریم: آیه ۸۷.

۲. مناقب ابن مغازلی: ص ۱۹۱؛ السنن الترمذی: ج ۵، ص ۲۹۶ والمصنف (ابن ابی شیبه): ج ۷، ص ۵۰۴.

۳. سوره اسراء: آیه ۴۳.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

کلمه مولی در این حدیث دلالت بر رهبری و حکومت می‌کند، شعر حسان بن ثابت است که در حضور رسول اکرم ﷺ، خطاب به امیرالمؤمنین ﷺ عرض کرد:

بِئْسَانِهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيَّهُمْ
بِئْسَخْمٍ وَاسْمِعَ بِالرَّسُولِ مَنَادِيًّا

فقال فمن مولاكم وولیکم تا آنجایی که گفت: رضیتک من بعدی اماماً وهادیاً؛ پیامبرشان در روز غدیر خم ندا داد و کلام رسول خدا را بشنو که گفت چه کسی صاحب اختیار شماست... من به امامت و راهنمایی تو راضی شدم^(۱). شاعر وقتی خواهد واقعه‌ای را به شعر در آورد، آنچه دیده و شنیده و برداشت کرده را بیان می‌کند، در شعر فوق نیز، حسان بن ثابت از اتفاق غدیر و بیان رسول خدا ﷺ، حکومت و امارت امیرالمؤمنین ﷺ را برداشت کرده بود. همچنین خود امام ﷺ در نامه‌ای به معاویه در قالب شعری می‌فرماید: پیامبر در روز غدیر خم مرصاحب اختیار مردم قرار داد و به حکم من رضایت داد و ولایت مرا بر شما واجب کرد^(۲).

۴۳ - در حدیث من کنت مولا... اشاره نشده که حضرت، بلافاصله بعد از رسول خدا ﷺ، امام و خلیفه است. پس اینکه قبل از ایشان سه خلیفه بعد از رسول خدا ﷺ و قبل خلافت امیرالمؤمنین ﷺ حکومت کردند، منافاتی با این حدیث ندارد؟

می‌دانیم که در علم بلاغت، یکی از مباحثی که مطرح می‌شود، مقام کلام است. یعنی اینکه گوینده در صدد بیان چه مطلبی و در چه شرایطی و به چه کسانی است. در جواب سؤال قبل بیان شد که مقام بیان حدیث غدیر، بیان حاکم و خلیفه بعد از رسول خدا ﷺ است و این را می‌توان با بررسی شرایط گفتار پیامبر ﷺ، عکس العمل مردم و مسائل دیگر فهمید. مانند اینکه پیامبر ﷺ قبل از اعلام ولی بودن امام ﷺ، می‌فرماید: «الست اولى بالمؤمنین من انفسهم»، که با این کلام در صدد بیان شؤن حاکم بعد از خود است، یا تبریک افرادی مانند عمر به امیرالمؤمنین ﷺ بعد از اعلام خلافت ایشان. پس مقام بیان کلام پیامبر ﷺ، مقام اعلام خلافت بعد از ایشان است. مطلب بعد اینکه بر طبق عقل و منطق، زمانی که می‌گویند بعد از آقای زید، آقای عمرو حاکم است، دیگر به ذهن کسی خطور نمی‌کند که بپرسد آیا ممکن است بین زید و عمرو، آقای بکر هم باشد، زیرا پرواضح است که اگر قرار بود بین این دو، بکر باشد حتماً باید گوینده آن را بیان می‌داشت و این مسأله منطقی است. اگر قرار بود بین پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ، شخص دیگری باشد در همان روز غدیر اعلام می‌کردند بالأخص اینکه پیامبر ﷺ در خطبه غدیر جانشینان خود از امیرالمؤمنین ﷺ تا حضرت مهدی ﷺ را بیان داشته‌اند^(۳).

۴۴ - چرا رسول خدا ﷺ موضوع ولایت امیرالمؤمنین ﷺ را در مکه، که تمام مسلمانان جمع بودند، مطرح نکردند و در غدیر خم که بعضی از حاجیان نبودند مطرح کردند؟

ابتدا لازم است درباره موقعیت جغرافیایی غدیر مطالبی بیان کنیم. این مکان در راه بازگشت از مکه یک منزل قبل از تقاطع چند جاده در جحفه و محل متفرق شدن جمعیت قرار داشت. راهی به سوی مدینه به شرق مایل می‌شود. راهی به سمت شمال از کنار دریا تا شام می‌رود، راه دیگر، از غرب به دریا می‌رسد تا باکشتی به مصر و سایر مناطق آفریقا برود. پس محل غدیر، در مکانی قرار داشت که هنوز حجاج حاضر در مکه متفرق نشده بودند. لذا فرق چندانی بین جمعیت حجاج در مکه و حجاج در غدیر به جز خود اهل مکه وجود نداشت. نکته دیگر آنکه مسأله خلافت و جانشینی امیرالمؤمنین ﷺ مسأله جدیدی نبود و از همان اول دعوت علنی پیامبر ﷺ در دعوت عشیره و نزدیکان خود مطرح شده بود پیامبر اکرم ﷺ، بنی هاشم را در منزل خود در مکه جمع کردند و آنان را به اسلام دعوت کردند و بعد از آن فرمود: خداوند به من دستور داده که بعد از خودم، علی را وصی و جانشین و خلیفه بر شما نصب کنم. پس بعد از من باید از او اطاعت

۱. مناقب ابن مردویه: ص ۱۲۱؛ مقتل الحسین (خوارزمی) ص ۲۶؛ فرائد السمطين (جوینی): ج ۱، ص ۴۶ و تذکرة الخواص: ج ۱، ص ۲۲.

۲. فرائد السمطين (جوینی): ج ۱، ص ۲۴۱ والنعم المقيم (عمر بن محمد بن عبد الوهاب): ورقة ۴۰ (نسخه خطی).

۳. الاحتجاج (طبرسی): ج ۱، ص ۸۲.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

کنید^(۱). و البته بارها و در موقعیت‌های مختلف از مردم خواسته بود به علی بن ابی طالب علیه السلام به صفت امیرالمؤمنین، خطاب کنند^(۲). نکته دیگر اینکه، با توجه به اهمیت موضوع جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامت مسلمین، لازم بود که این موضوع به صورت شاخص و به دور از هیاهوی ایام حج مطرح شود که در اذهان مردم باقی بماند و ممکن بود اگر در ایام مناسک مطرح شود به فراموشی سپرده شود. نکته دیگر و در همین راستا، اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همه مسائل را به آنان آموخته است، پس این اقرار گرفتن، باید مقدمه امر مهمی باشد که شاخص بودن مسأله خلافت را نشان می‌دهد. البته ایشان در خطبه خود در حجة الوداع موقعیت اهل بیت علیهم السلام را نیز گوشزد کرده بودند. دیگر آنکه جبرئیل چند بار به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده و ابلاغ این مسأله را یاد آور شده بود اما پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از ترس ارتداد و سرپیچی مردم یا آنها در ابلاغ تعلق می‌کردند تا آنکه آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ: أَيُّهَا أَيُّهَا أَيُّهَا﴾ نازل شد و بعد از نزول آیه، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستور داد که مردم در غدیر خم جمع شوند و سپس ولایت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام را اعلام کردند^(۳). پس در نتیجه بیان می‌شود موقعیت غدیر خم، بهترین موقعیت برای اعلام جانشینی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است.

۴۵- هر آنچه که در صحاح شش‌گانه اهل سنت درباره حدیث و واقعه غدیر آمده، بیان کنید؟

ما در اینجا متن عربی حدیث غدیر را آورده و منبع آن را در پاورقی ذکر می‌کنیم.

۱- عن سعد بن ابی وقاص، قال: قدم معاوية في بعض حججته، فدخل عليه سعد، فذكر واعليا، فقال منه، فغضب سعد، وقال: تقول هذا لرجل سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم يقول «من كنت مولاه فعلى مولاه». وسمعت يقول «أنت منى بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي». وسمعت يقول «لأعطين الراية اليوم رجلا يحب الله ورسوله»^(۴).

۲- حدثنا محمد بن بشار أخبرنا محمد بن جعفر أخبرنا شعبه عن سلمة بن كهيل قال سمعت أبا الطفيل يحدث عن أبي سريحة أو زيد بن أرقم شك شعبه عن النبي صلی الله علیه و آله و سلم قال: «من كنت مولاه فعلى مولاه»^(۵).

۳- أخبرنا أبو داود قال حدثنا عمران بن أبان قال حدثنا شريك قال حدثنا أبو إسحاق عن زيد بن يثيع قال سمعت علي بن أبي طالب يقول على منبر الكوفة إني منشد الله رجلا ولا أتشد إلا أصحاب محمد صلی الله علیه و آله و سلم من سمع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم يقول يوم غدیر خم من كنت مولاه فعلى مولا اللهم وال من والاه وعاد من عاداه فقام ستة من جانب المنبر وستة من الجانب الآخر فشهدوا أنهم سمعوا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم يقول ذلك قال شريك فقلت لأبي إسحاق هل سمعت البراء بن عازب يحدث بهذا عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال نعم^(۶).

۴- عن زيد بن أرقم رضي الله عنه قال لما رجع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من حجة الوداع ونزل غدیر خم امر به وحات فقممن فقال كأنى قد دعيت فأجبت

۱. معالم التنزيل (بغوی): ج ۳، ص ۴۰۰؛ مناقب علی بن ابی طالب (ابن مردویه): ص ۲۹۰؛ جامع البیان (طبری): ج ۱۹، ص ۱۴۹؛ تاریخ الامم و الملوک (طبری): ج ۲، ص ۱۶۳؛ شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۱۴۸؛ تاریخ مدینه دمشق: ج ۴۲، ص ۴۹؛ الکامل فی التاریخ: ج ۲، ص ۹۳؛ المختصر فی اخبار البشر (ابوالفداء): ج ۱، ص ۱۱۷ والدر المنثور: ج ۵، ص ۱۹۷.

۲. حدیثی ابو سعد - وهو رجل من شهد صفین - قال: حدیثی سالم المنثور - مولی علی - قال: كنت مع علی علیه السلام فی أرض یحرنها حتی جاء أبو بکر وعمر، فقالا: سلام علیک یا امیر المؤمنین ورحمة الله وبرکاته. فقیل: کنتم تقولون فی حیاة رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؟! فقال عمر: هو امرنا بذلك. مناقب ابن مردویه: ص ۵۶.

۳. کافی: ج ۱، ص ۲۸۹.

۴. سنن ابن ماجه قزوینی: ج ۱، ص ۴۵، ح ۱۲۱.

۵. سنن الترمذی: ج ۵، ص ۲۹۷، ح ۳۷۹۷.

۶. السنن الکبری (نسائی): ج ۵، ص ۱۳۲، ح ۸۴۷۳.

۱۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

انی قد ترکت فیکم الثقلین اُحدهما اکبر من الآخر کتاب الله تعالی و عترتی فانظروا کیف تخلفونی فیهما فإیها لِن یتفرقا حتی یردا علی الحوض ثم قال إن الله عزوجل مولای وانا مولی کل مؤمن ثم اخذ بید علی علیه السلام فقال من کنت مولاه فهذا ولیه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و ذکر الحدیث بطوله * هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین ولم یخرجاه بطوله ^(۱).

۵- اخیرنا عبد الله بن محمد الازدی حدثنا إسحاق بن إبراهيم أخبرنا ابو نعیم و یحیی بن آدم قال حدثنا فطر بن خلیفة عن ابي الطفیل قال قال علی اشد الله کل امرئ سمع رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول یوم غدیر خم لما قام فقام أناس فشهدوا أنهم سمعوه یقول الستم تعلمون انی اولى الناس بالمؤمنین من انفسهم قالوا بلی یا رسول الله قال من کنت مولاه فهذا مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه فخرجت و فی نفسی من ذلك شیء فلقیت زید بن ارقم فذکرت ذلك له فقال قد سمعناه من رسول الله صلی الله علیه و آله یقول ذلك له ^(۲).

البته مصادر معتبر دیگر مانند مسند احمد، معجم های صغیر، اوسط و کبیر طبرانی، المصنف ابن ابی شیبہ، مسند ابی یعلی و ده ها منبع معتبر دیگر از مصادر اهل سنت، حدیث غدیر را نقل و سند آن را تأیید کرده اند.

۴۶- بلایای طبیعی مانند سیل و زلزله، نعمت است یا عذاب؟

به طور کل همه اتفاقات در عالم می تواند هم برای انسان نعمت باشد و هم نعمت. به طور مثال در سیل: نگاه اول: آب مایه حیات و زنده کننده زمین است و با سیراب کردن زمین، به آن حیات می بخشد، همانطور که در قرآن می فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا؛ و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم﴾ ^(۳) از طرفی دیگر این مشکلاتی که برای انسان رخ می دهد می تواند مایه تنبه و به خود آمدن انسان شود. امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۴۳ در این باره می فرماید: خداوند بندگان خود را که گناهکارند، با کمبود میوه ها، و جلوگیری از نزول برکات، و بستن درگنج های خیرات، آزمایش می کند، برای آن که توبه کننده ای باز گردد، و گناهکار، دل از معصیت بکند، و پند گیرنده، پند گیرد، و بازدارنده، راه نافرمانی را بر بندگان خدا ببندد، و همانا خدا استغفار و آمرزش خواستن را وسیله دائمی فرو ریختن روزی، و موجب رحمت آفریدگان قرار داد. ایشان سپس آیات ۱۰ الی ۱۲ سوره نوح را قرائت فرمودند «از پروردگار خود آمرزش بخواهید، که آمرزنده است، برکات خود را از آسمان بر شما فرو می بارد، و با بخشش اموال فراوان و فرزندان، شما را یاری می دهد، و با غستان ها و نهرهای پر آب در اختیار شما گذارد». و سپس فرمودند: رحمت خدا بر آن کس که به استقبال توبه رود، و از گناهان خود پوزش طلبد، و پیش از آن که مرگ او فرارسد، اصلاح گردد. لذا بر اساس این کلام شریف، اتفاقات بد دنیوی می تواند مایه درس گرفتن انسان و وسیله توبه او شود. نکته دیگر آنکه بعضی از این اتفاقات به ظاهر بد برای انسان، مقدمه اتفاق خوب است همانطور که قرآن کریم می فرماید: ﴿عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ؛ شاید چیزی را ناخوش بدارید و در آن خیر شما باشد و شاید چیزی را دوست داشته باشید و برایتان ناپسند افتد﴾ ^(۴) در نگاه دیگر، بسیاری از این اتفاقات، به دلیل کوتاهی مسؤول امر است که اگر به درستی وظایف خویش را انجام می داد، این اتفاق نمی افتاد و لذا این مسأله باز هم انسان را متنبه می سازد که در کارهای خویش وجدان کاری داشته باشد و در امور و وظایف خود کوتاهی نکند. جمع بندی اینکه: هر اتفاق بد و یا خوب از چند بُعد قابل بررسی است و نباید فقط از یک بُعد به اتفاقات، نگاه کرد.

۱. المستدرک (حاکم) ج ۳، ص ۱۰۹. لازم به توضیح است که حاکم نیشابوری در المستدرک، احادیثی که بر اساس شیوه حدیث نگاری بخاری و مسلم، صحیح بوده اند، اما این دو، این نوع از احادیث را نیاورده اند، را جمع آوری کرده است. یعنی این احادیث بر طبق قاعده بخاری و مسلم در شیوه آوردن حدیث در صحاح خود، باید این احادیث را نقل می کرده اند، اما این کار را نکرده اند. حاکم در این حالت از اصطلاح (هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین ولم یخرجاه) استفاده کرده است.
۲. صحیح ابن حبان: ج ۱۵، ص ۳۷۶.
۳. سوره انبیاء: آیه ۳۰.
۴. سوره بقره: آیه ۲۱۶.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

۴۷ - هنگام دعا کردن ممکن است این حس به انسان دست دهد که خداوند همه چیز را آفریده و به خودمان واگذار کرده است و دعا و توکل به او تلقیناتی است که انسان در ذهن خود می‌پروراند؟

این حس، خود اشتباه و از وسوسه‌های شیطان است. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ پروردگارتان گفت: بخوانید مرا تا شما را پاسخ گویم﴾^(۱) پس دعا کردن، دستور خود ذات باری تعالی است و لذا هر چه خدا دستور دهد، عین حق است. نکته دیگر آنکه ممکن است علت عدم استجاب دعا، گناه شخص باشد در دعای کمیل خوانیم: اللهم اغفر لي الذنوب التي تحسب الدعاء. و لذا عمل صالح و تقوا پیشه کردن، نعمت‌های الهی را پیش روی ما قرار می‌دهد: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ [خدا] برای او راه بیرونشده‌ی قرار می‌دهد﴾^(۲).

دیگر آنکه بعضی مواقع علت عدم استجاب دعا، رعایت نکردن شرایط دعا است. دعا در زمان و مکان‌های مختلف تفاوت دارد که باید این مسأله رعایت شود.

نکته دیگر اینکه ممکن است استجاب دعا به نفع آن شخص نباشد و در صورت برآورده شدن آن حاجت، مشکل بزرگی نصیب انسان شود.

بعضی مواقع دعا قابل استجاب است و مستجاب می‌شود اما ممکن است به دلایلی که خداوند، در زمان دیگری باشد: در این باره و در ذیل آیه شریفه ﴿قَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالَهُمْ وَاشدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ * قَالَ قَدْ أُجِيبْتُ دَعْوَتُكُمْ﴾^(۳). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بین دعای حضرت موسی علیه السلام و استجاب دعا‌ی ایشان ۴۰ سال فاصله بود»^(۴).

۴۸ - بهترین راه نجات از خشم خدا و همچنین رفع بلا چیست؟

بهترین راه نجات از خشم خدا، دور شدن از گناه و احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: به کار پسندیده فرمان می‌دهید، و از کار ناپسند بازمی‌دارید﴾^(۵) علت فضیلت این دین نسبت به ادیان دیگر، فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. اگر این واجب در جامعه ترک شود به طور حتم خشم الهی را در بر خواهد داشت. در این زمان علاوه بر این، استغاثه به امام عصر علیه السلام به عنوان صاحب و امام ما است تا ایشان از خداوند بخوانند که نسبت به جامعه، خشمگین نشود و عذاب را از جامعه رفع کند.

۴۹ - قرآن کریم جهت هدایت عمومی، نازل شده است. پس چرا به زبان عربی نازل شده است؟

ابتدا باید گفت به طور طبیعی در ذهن هر انسان سوالاتی پیش می‌آید که به دنبال جواب آن است اما باید دانست درباره افعال الهی سؤال کردن معنا ندارد همانطور که در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ؛ پرسش نشود از آنچه کند و ایشان پرسش شوند﴾^(۶) لیکن اگر بخواهیم به حکمت بعضی از افعال الهی برسیم ناگزیریم، به خود قرآن و کلام معصومین مراجعه کنیم. در ده آیه از قرآن به عربی بودن قرآن و روشن بودن آن اشاره کرده است: سوره‌های شعراء: ۱۹۵؛ نحل: ۱۰۳؛ یوسف: ۱؛ رعد: ۳۶؛ طه: ۱۱۳؛ زمر: ۲۸؛

۱. سوره غافر: آیه ۶۰.

۲. سوره یونس: آیات ۸۹-۸۸.

۳. ابن ابی عمیر، عن هشام بن سالم، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: كان بين قول الله عز وجل: ﴿قَدْ أُجِيبْتُ دَعْوَتُكُمْ﴾ وبين أخذ فرعون أربعين عاما. کافی: ج ۲، ص ۴۸۹.

۴. سوره آل عمران: آیه ۱۱۰.

۵. سوره انبیاء: آیه ۲۳.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

فصلت: ۳؛ شوری: ۷، زخرف: ۲ و احقاف: ۱۲.

خود قرآن به این سؤال پاسخ داده آنجا که می‌فرماید: ﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَءَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشَفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَّانٍ بَعِيدٍ﴾ اگر می‌گردانیدم قرآنی گنگ زبان (به زبان جز عربی) همانا می‌گفتند چرا جلدانشد آیه‌هایش آیاعجمی و عربی بگو آن برای آنان که ایمان آوردند رهبری و بهبودی است و آنان که ایمان نیاوردند در گوش‌هایشان سنگینی است و آن است برایشان کوری آنان خوانده می‌شوند از جایگاهی دور^(۱) که این آیه شریفه نشان دهنده آن است که قرآن برای هدایت نازل شده نه چیزی غیر آن. از طرفی دیگر باید به حکم عقل، بیان کرد هر اتفاقی که در جهان می‌افتد، جا و مکانی لازم دارد، درباره ادیان هم می‌گوییم دین یهودیت از مصر، دین مسیحیت از فلسطین، دین زرتشتیت از ایران و دین اسلام از منطقه‌ای عرب‌نشین به نام حجاز ظهور کرده است، لذا لازم است که تمامی هدایتگران آنان عرب زبان باشند تا بتوانند مردم منطقه تبلیغی خود را به خوبی هدایت کنند همان‌طور که در قرآن می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَأَرْبَبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ﴾؛ بدین سان وحی فرستادیم بسوی تو قرآنی عربی را تا بترسانی مادر شهرها را و آنان که پیرامون آنند و بترسانی روز گرد آمدن را که نیست شکی در آن گروهی در بهشتند و گروهی در دوزخ^(۲) از طرفی، زبان عربی همان‌طور که خود قرآن کریم هم به آن اشاره دارد، روشن است و از حیث تکامل نیز کامل محسوب می‌شود و همان‌طور که دین اسلام، کامل‌ترین دین است، زبانی هم که باید این دین را تبلیغ کرد، نیز باید کامل باشد. لازم به ذکر است که اگر قرآن به هر زبان دیگر نازل می‌شد برای بقیه اقوام این سؤال پیش می‌آمد که چرا قرآن به فلان زبان نازل شده است؟! پس باید گفت، مهم، عمل به دستورات و فرامین الهی است، می‌خواهد برای هر قوم و زبانی باشد و لذا به طور مثال اگر دین اسلام در آفریقا ظهور می‌کرد و پیامبر آخر الزمان، فردی سیاه پوست و کتاب آن به زبان قوم آفریقایی بود ما باید آن زبان را می‌آموختیم تا بتوانیم کتاب الهی را بخوانیم.

۵۰- آیا مردمی که در زمان پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام) بودند با ما که در این زمان هستیم از نظر سطح ایمان آوردن یا نیارودن و یا عذاب و پاداشی متفاوت هستند؟

در ابتدا می‌گوییم هر که به اندازه عمل و شرایط پیرامون خود، جزا و پاداش داده می‌شود. منظور از شرایط پیرامون، اینکه مثلاً کسی که در بلاد کفر، دین و اعتقاد خود را حفظ می‌کند با کسی که مثلاً در شهر قم به دستورات دینی خود عمل می‌کند، به مراتب ثواب بیشتری دارد و یا مثلاً کسی که در شرایط جنگ، نماز اول خود را ترک نمی‌کند با کسی که در حالت عادی، نماز اول وقت می‌خواند به طور حتم ثواب بیشتری می‌برد.

در زمان ما نیز به واسطه شرایط خاص اجتماعی و شبهات فراوان در جامعه و از طرفی عدم حضور ظاهری امام و پیشوای مردم، حفظ دین بسیار سخت و دشوارتر از قبل است و لذا ثوابی که شخص در صورت حفظ دین خود کسب می‌کند، نسبت به مسلمانان زمان پیامبر (علیهم‌السلام) و اهل بیت ایشان، بیشتر است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این باره می‌فرماید: خدا یا برادرانم را به من برسان کسانی که اطراف ایشان بودند عرض کردند: ای رسول خدا! ما برادران شما هستیم. فرمود: شما اصحاب من هستید. برادران من قومی از آخر الزمان هستند که به من ایمان آورده‌اند، در حالی که مرا ندیده‌اند. خداوند مرا با آنان و پدران آنان قبل از اینکه از ازل پدران و رحم مادرانشان خارج شوند، آشنا کرد. آنان در دین خود از نگهدارنده ذغال گداخته بر روی دستش، استوار تر هستند. آنان چراغ راهنمای مردم هستند و خداوند آنان را از فتنه در

۲. سوره شوری: آیه ۷.

۱. سوره فصلت: آیه ۴۴.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

محیط غبار آلود و تاریک نجات می دهد^(۱). نتیجه کلام اینکه اگر مسلمانان و شیعیان این زمان، تقوا و تبعیت از امام معصوم علیه السلام را سرلوحه عمل خود قرار دهند، طبق فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله، نزد خدا محبوب تر و ثواب بیشتری خواهند برد.

۵۱- صفت قادر بودن خداوند را شرح دهید و بگویید آیا خداوند می تواند امر محال را انجام دهد؟

یعنی خداوند بر هر چیزی قدرت دارد و تواناست اما اینکه آیا خداوند بر انجام امر محال قدرت دارد، جواب امیرالمؤمنین علیه السلام را بیان می کنیم که در جواب سائل که عرض کرد: آیا خدا قادر است جهان را بدون کوچک شدن، در تخم مرغ جای دهد، جواب دادند: صفت عدم قدرت بر خدا راه ندارد. اما این امر ناشدنی است، زیرا محال است^(۲). معنای کلام امام علیه السلام آن است که در فاعل هیچ نقضی وجود ندارد، لیکن در معلول، نقض وجود دارد که مانع تأثیر فاعلیت فاعل است. نکته دیگر اینکه انجام امر محال حتی اگر شدنی باشد، امری بیهوده و عبث و بدون نتیجه است و خداوند، حکیم است و از انجام عمل عبث به دور است. ﴿كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ خداوند دانای حکیم است^(۳).

۵۲- آیا وحدت شیعه و سنی از نظر شما صحیح است؟ اگر نیست چرا و اگر هست، شیوه صحیح را بیان کنید؟

ابتدا می گوئیم بدون شک و براساس آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام، شیعه ۱۲ امامی، تنها فرقه نجات یافته هستند که دارای اعتقاداتی براساس آموزه های قرآن و پیامبر و اهل بیت علیهم السلام می باشند. از جمله مودت با اهل بیت علیهم السلام و دشمنی با کسانی که به آنان ظلم کردند براساس آیه شریفه ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا﴾ همانا آنان که بیازارند خدا و پیامبرش لعن کرد ایشسان را خدا در دنیا و آخرت و آماده کرد برای ایشان عذابی خوارسازنده را^(۴) و همچنین احادیث مختلف از جمله این حدیث شریف: امام رضا علیه السلام فرمود: کامل شدن دین به ولایت ما و دوری از دشمنان ماست^(۵). این مطلب، این طرف قضیه است. اما قضایای دیگر هم هست و آن، این است که دشمن خارج از اسلام سعی دارد با شعله ور کردن اختلافات بین شیعه و سنی، به اهداف شیطانی خود که همانا نابودی اصل اسلام است، برسد و این قضیه ریشه روایی هم دارد: زمانی که قضیه سقیفه و غضب خلافت پیش آمد، ابوسفیان، نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و گفت: من همراه شما هستم. امام علیه السلام که از نیت قلبی و نفاق او خبر داشت، دست رد به سینه او زد و اجازه سوء استفاده را به او ندادند و دیگر آنکه یکی از فلسفه وجودی سکوت امام علیه السلام - البته بعد از نیافتن یاری کننده -، وجود دشمن خارجی، یعنی روم بود که در صدد لشکرکشی به بلاد مسلمانان و نابودی اسلام بودند. لذا وحدت ما، به معنای عقب نشینی از اعتقاداتمان نیست، همان طور که امیرالمؤمنین علیه السلام هیچ وقت اصحاب سقیفه را تأیید نکردند، بلکه برای جلوگیری از نابودی کامل اسلام ناب محمدی بوده و هست. پس وحدت ما، وحدت در عقیده نیست. امامان معصوم علیهم السلام هم به ایجاد نزدیکی به آنان البته در ارتباط اجتماعی و نه اعتقادی تأکید داشتند، همان طور که امام صادق و امام عسکری علیهم السلام به شیعیان سفارش می کردند که به تشییع جنازه آنان

۱. عن أبي جعفر علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله ذات يوم وعنده جماعة من أصحابه اللهم لقني إخواني مرتين فقال من حوله من أصحابه ما نحن إخوانك يا رسول الله صلی الله علیه و آله فقال لا أنكم أصحابي وإخواني قوم من آخر الزمان امنوا بي ولم يروني لقد عرفنيهم الله بأسمائهم وأسماء آبائهم من قبل ان يخرجهم من أصلاب آبائهم وأرحام أمهاتهم لأحدهم أشد بقیة علی دینه من خرط القتاد فی اللیلة الظلماء أو كالقبايض علی جمر الغضا أولئك مصابيح الدجی ینجیهم الله من کل فتنة غیره مظلمة. بصائر الدرجات: ص ۱۰۴.

۲. عن أبي عبد الله علیه السلام قال: جاء رجل إلى أمير المؤمنين علیه السلام فقال: أيقدر أن يدخل الأرض فی بیضة ولا یصغر الأرض ولا یکبر البیضة؟ فقال: ویلک، إن الله لا یوصف بالعجز ومن أقدر ممن یلطف الأرض ویعظم البیضة. التوحید (صدوق): ص ۱۳۰.

۳. سوره نساء: آیه ۱۷ و آیات دیگر.

۴. سوره احزاب: آیه ۵۷.

۵. کمال الدین ولایتنا، والبراءة من عدونا. مستظرفات السرائر (ابن ادریس حلی): ص ۲۶۶.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

بروید، از آنان عبادت کنید.^(۱)

۵۳ - لطفاً درباره مصحف فاطمه علیها السلام توضیح دهید؟

بعد از شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، بسیار غمگین و بی تاب بودند. خداوند به جبرئیل امین دستور دادند که خدمت حضرت برسند و ایشان را دلداری می دادند و البته مطالبی به ایشان عرض می کردند. امیرالمؤمنین علیه السلام که شاهد ماجرا بودند، مطالبی که جبرئیل به حضرت زهرا علیها السلام می گفتند را نگارش می کردند. بر طبق کلام امام صادق علیه السلام، مقدار آن سه برابر قرآن است.^(۲) و همچنین حدیثی از امام کاظم علیه السلام نقل شده که فرمود: مصحف فاطمه علیها السلام، نزد من است و هیچ چیزی از قرآن در آن وجود ندارد.^(۳) ممکن است شبهه شود که مگر حضرت فاطمه علیها السلام پیامبر بودند که جبرئیل بر او نازل می شد. در جواب می گوئیم که پس از نبوت، وحی تشریحی به پایان رسید ولیکن ارتباط جبرئیل و ملائکه با امامان معصوم علیهم السلام برقرار بود. همانطور که در سوره قدر می خوانیم: ﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا﴾، که بر طبق روایات در ذیل این آیه شریفه، روح و ملائکه خدمت امام معصوم علیه السلام نازل می شوند.^(۴)

۵۴ - اگر اهل بیت علیهم السلام، تمام اعمال را می دانند، پس چرا خدا خود را ستار العیوب معرفی کرده است؟

بحث علم امامان مبحث گسترده ای است که ما فقط به صورت خلاصه عرض می کنیم: امامان هر چه بخواهند می دانند^(۵) یا در روایتی دیگر می فرماید: امام گر بخواهد چیزی را بداند، خداوند او را آگاه می کند.^(۶) پس امام علیه السلام در صورت اراده و به عنایت الهی هر چه بخواهد بداند، می داند. نکته دیگر آنکه امام معصوم علیه السلام، خلیفه و جانشین خدا بر روی زمین است و خداوند تمام شؤون و ولایت خود بر بندگان را به ایشان عنایت کرده و لذاست که عمل معصوم حجت است زیرا او کاری غیر خدایی، انجام نمی دهد و عمل او به صورت کامل و بدون شک به دستور خداست. لذا حال که امام علیه السلام این شؤون را داراست، پس ستار العیوب بودن را نیز دارد. امام نیز مانند خداوند، محرم راز بندگان خداست. امام علیه السلام، امین خدا بر روی زمین و حافظ اسرار اوست. همچنین او بر مردم مانند پدری مهربان و رفیق شفیق است.^(۷)

۵۵ - مگر وقتی صلوات می فرستیم، ثوابش به ۱۴ معصوم علیهم السلام نمی رسد؟ چرا بعضی بزرگان می فرمایند: بسیار صلوات بفرستید و به امام زمان علیه السلام هدیه دهید؟

فرستادن صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله برای فرستنده آن ثواب بسیاری دارد. اما خود صلوات، طلب رحمت و سلام از خداوند بر محمد و آل محمد است. لذا شخص می تواند صلوات برایشان بفرستد و ثوابی که از آن صلوات نصیب او می شود را به امام عصر علیه السلام هدیه دهد.

۵۶ - ایمان قلبی به چیزی، چگونه ایجاد می شود و به آن یقین پیدا می کنیم؟

ایمان قلبی با اخلاص در عمل و اعتقاد به دست می آید. هر چه در عمل و اعتقاد خویش، اخلاص بیشتری داشته باشیم، ایمانمان بیشتر و راسخ تر خواهد بود. در بحث ایمان در حوزه دین هم همین گونه است. اگر اعمال و رفتار شخص مسلمان بر پایه اعتقادی درست و

۱. صلوات فی عشائرم و اشهدوا جنازهم و عودوا مرضاهم و أدوا حقوقهم. تحف العقول (ابن شعبه حرانی): ص ۴۸۷.

۲. ان عندنا لمصحف فاطمة علیها السلام وما یدرهم ما مصحف فاطمة قال مصحف فیه مثل قرآنکم هذا ثلث مرات والله ما فیه من قرآنکم حرف واحد. بصائر الدرجات: ص ۱۷۲.

۳. علی بن ابی حمزة عن عبد صالح علیه السلام قال عندی مصحف فاطمة لیس فیه شیء من القرآن. همان: ص ۱۷۴.

۴. بصائر الدرجات: ص ۲۴۱. ۵. عن ابی عبد الله علیه السلام قال إن الامام إذا شاء ان یعلم علم. همان: ص ۳۳۵.

۶. عن ابی عبد الله علیه السلام قال إذا أراد الامام ان یعلم شیئا علمه الله ذلك. همان.

۷. الامام الامین الرفیق والوالد الرفیق والأخ الشفیق ومفزع العباد فی الداهیه الامام امین الله فی ارضه. عیون اخبار الرضا: ج ۱، ص ۱۹۷.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

برگرفته از تعالیم قرآن و اهل بیت علیهم السلام باشد و در عمل نیز اخلاص و وجود داشته باشد، نتیجه آن به طور حتم یقین و ایمان راسخ خواهد بود. حضرت صدیقه طاهره می فرماید: هر که خالصانه ترین عبادت‌ها را نزد خداوند عرضه کند، خداوند، بهترین مصلحت‌ها را به سوی او فرو می‌فرستد و به او عطا می‌کند^(۱). و چه مصلحتی بهتر از رسوخ ایمان به قلب و ایجاد یقین برای آن شخص.

۵۷- چگونه فعل خدا تغییر می‌کند ولی ذاتی تغییر ناپذیر است؟

توحید بر سه قسم است:

توحید ذات: یگانگی خداوند و شریک‌نداندن برای او و البته مرکب نبودن او.

توحید صفات: صفات خداوند، وجودی غیر از ذات او نیستند و صفات او عین ذات باری تعالی است.

توحید افعال: هر اتفاقی که در خلقت رخ می‌دهد، فعل و اراده اوست. و اراده موجودات از اراده او نشأت می‌گیرد.

نکته دیگر آنکه: فعل خداوند مانند فعل مانیست که از جایی به جای دیگر برود یا زمان یا مکان برای آن متصور شود، بلکه فعل خداوند، عین اراده اوست و به محض اراده، وجودی، موجود می‌شود. لذا به هیچ عنوان نمی‌توان برای فعل خداوند، صفت تغییر بیان کرد زیرا تغییر یعنی حرکت. حال چه حرکت بیرونی باشد و چه درونی. در صورتی که خداوند، منزله از هرگونه تغییر و تبدل است. امام کاظم علیه السلام در این باره می‌فرماید: اراده الهی، همان فعل الهی است که می‌گوید: کن فیکون. بدون لفظ و نقل مکان و نه همت و نه تفکر و کیف و صورت خاصی. زیرا او بلاکیف است. یعنی هیچگونه کیفیتی ندارد^(۲). امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: خداوند، مشیت را آفرید، سپس اشیاء را با مشیت خود آفرید^(۳). پرسیده می‌شود که مشیت چیست؟ در جواب گفته می‌شود که اولین چیزی که از خداوند متجلی شده و واسطه بین خدا و اشیاء است.

۵۸- در این زمان حال و روز مردم خوب نیست. به چه چیزی امید داشته باشیم که بتوانیم در مسیر اعتقادتمان درست قدم برداریم؟

اولین مسأله‌ای که ما در این شرایط باید انجام دهیم امید به خدا و ناامید نشدن از رحمت الهی است. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ؛ نومید نباشید از رحمت خدا﴾^(۴) همچنین می‌فرماید: ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا؛ پس [بدان که] با دشواری، آسانی است. آری، با دشواری، آسانی است﴾^(۵) مسأله دیگر تقوا پیشه کردن و ایمان راسخ است و دعوت بقیه مردم به این امر. قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛ اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم﴾^(۶) این را بدانیم که زندگی این دنیا، برای راحتی نیست و حتی کسانی که از نظر اقتصادی متمکن هستند نیز مشکلات دیگری دارند، قرآن می‌فرماید: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ که آدمی را در رنج و محنت بیافریده‌ایم﴾^(۷) و این را نیز بدانیم که این دنیا، همانطور که در جواب سؤالات قبل بیان شد، یکی از مراحل کوتاه زندگی انسان

۱. من أصدق إلى الله خالص عبادة، أهبط الله [إليه] أفضل مصلحته. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۳۲۷.

۲. عن صفوان بن يحيى، قال: قلت لأبي الحسن علیه السلام: أخبرني عن الإرادة من الله ومن المخلوق، قال: فقال: الإرادة من المخلوق الضمير وما يبدو له بعد ذلك من الفعل، وأما من الله عز وجل فأرادته إحدائه لا غير ذلك لأنه لا يروى، ولا يهيم، ولا يتفكر، وهذه الصفات منفية عنه، وهي من صفات الخلق، فأرادته الله

هي الفعل لا غير ذلك يقول له: كن فيكون، بلا لفظ ولا نطق بلسان ولا همة ولا تفكر، ولا كيف لذلك كما أنه بلا كيف توحيد (صدوق): ص ۱۴۷.

۳. عن عمر بن أديبة، عن أبي عبد الله علیه السلام قال: خلق الله المشية بنفسها، ثم خلق الأشياء بالمشية. همان: ص ۱۴۸.

۴. سوره زمر: آیه ۵۳.

۵. سوره شرح: آیات ۵ و ۶.

۶. سوره اعراف: آیه ۹۶.

۷. سوره بلد: آیه ۴.

۱۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

است. پس باید مواظب باشیم این مشکلات، باعث تقویت وسوسه‌های شیطان نشود. و در آخر باید اعتقادمان را به وجود حضرت مهدی عجل الله فرجه، به عنوان تنها منجی بشریت تقویت کنیم و ایمانمان را به ایشان راسخ گردانیم.

۵۹- از نظر شما دلیل ایجاد این همه فرقه در بین مسلمانان در چیست؟

دلیل اصلی آن، انحراف اکثریت مسلمانان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله است. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا هَمَّكَانَ دَسْتِ دَرِيسَمَانَ خَدَانِيْدٍ وَپَرَاكِنْدَه مَشْوِيْدٍ﴾^(۱) طبق روایت‌های مختلف از معصومین، حبل الله، امامان معصوم علیهم السلام بودند. اگر مردم به دستور قرآن و سفارشات رسول خدا صلی الله علیه و آله گوش فرامی‌دادند و از صراط مستقیم که همان ولایت اهل بیت علیهم السلام بود، منحرف نمی‌شدند، هم اکنون فقط مذهب تشیع که همانا دین مبین اسلام و واقعی است، بر روی زمین حاکم می‌بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده بودند که اسلام بر ۷۳ فرقه خواهد شد که به جز یکی، بقیه منحرف بودند و آن یکی، شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام که تا امام دوازدهم را قبول دارند می‌باشند^(۲). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: ای علی تو صراط مستقیم هستی^(۳). لذا زمانی که علی علیه السلام راه مستقیم باشد، بدون شک راه غیر او، راه انحرافی است و متأسفانه بیشتر مسلمانان از این راه منحرف شدند. در بین شیعیان هم عوامل مختلف مانند دنیاطلبی باعث ایجاد فرقه‌های مختلف مانند واقفیه، اسماعیلیه و زیدیه شد.

۶۰- آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله برای عصمت اهل بیت علیهم السلام، مستقیماً به آیه تطهیر استدلال کرده اند؟

بله. طبق روایت شیعه و سنی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بعد از نزول این آیه شریفه، هر روز به مدت ۶ ماه صبح زود و وقت نماز صبح به درب منزل امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیهم السلام می‌آمدند و خطاب به ایشان می‌فرمودند: نماز ای اهل بیت پیامبر، و سپس این آیه شریفه را قرائت می‌فرمودند. این حدیث علاوه بر مصادر اولیه شیعه، در معتبرترین منابع اهل سنت موجود می‌باشد که بعضی از آنها عبارتند از: مسند احمد بن حنبل: ج ۳، ص ۲۵۹ و ۲۸۵؛ سنن ترمذی: ج ۵، ص ۳۱؛ مستدرک حاکم: ج ۳، ص ۱۵۸؛ المصنف ابن ابی شیبه: ج ۷، ص ۵۲۷؛ مسند ابی یعلی: ج ۷، ص ۵۹؛ المعجم الکبیر طبرانی: ج ۳، ص ۵۶ و بسیاری منابع دیگر.

۶۱- اهل کتاب از نظر اسلام، پیروان کدام ادیان هستند؟

اهل کتاب بر طبق آیات قرآن و احادیث عبارتند از: یهودیت، مسیحیت، صابئین و زرتشتیت. البته در دین زرتشت بین علما اختلاف وجود دارد، لیکن اکثراً بر آنان احکام اهل کتاب را جاری می‌کنند. دلایل قرآنی: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ كَسَانِيَةِ كَسَانِيَةِ الَّذِينَ آمَنُوا وَأوردند و کسانی که آیین یهودان و ترسایان و صابئان را برگزیدند، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند و

۱. سوره آل عمران: آیه ۳.

۲. قال سلیم: سمعت علیاً علیه السلام وهو یقول لرأس اليهود: کم افترقتم؟ فقال: علی کذا وکذا فرقة. فقال علی علیه السلام: کذبت ثم أقبل علی الناس فقال: والله لو ثبت لی الوسادة لقضیت بین أهل التوراة بتوراتهم و بین أهل الإنجیل بإنجیلهم و بین أهل القرآن بقرآنهم. افترقت اليهود علی إحدى وسبعین فرقة، سبعون منها فی النار وواحدة فی الجنة وهي التي اتبعت یوشع بن نون ووصی موسی. وافتترقت النصارى علی اثنتین وسبعین فرقة، إحدى وسبعون فرقة فی النار وواحدة فی الجنة وهي التي اتبعت شمعون ووصی عیسی علیه السلام. وافتترقت هذه الأمة علی ثلاث وسبعین فرقة، اثنتان وسبعون فرقة فی النار وواحدة فی الجنة وهي التي اتبعت وصی محمد صلی الله علیه و آله - و ضرب بیده علی صدره - . ثم قال: ثلاث عشرة فرقة من الثلاث والسبعین كلها تنتحل مودتی وحبی، واحدة منها فی الجنة واثنتا عشرة منها فی النار. کتاب سلیم بن قیس: ص ۳۳۲.

۳. قال رسول الله صلی الله علیه و آله لعلی بن أبی طالب: أنت الطریق الواضح وأنت الصراط المستقیم. شواهد التنزیل (حاکم حسکانی): ج ۱، ص ۷۶.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

کاری شایسته کنند^(۱) پیروان سه دین در این آیه اهل کتاب معرفی شده‌اند. ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾ خدا میان آنان که ایمان آورده‌اند و آنان که کیش یهود یا صابئان یا نصاری یا مجوس برگزیده‌اند و آنان که مشرک شده‌اند^(۲) در این آیه پیروان چهار دین اهل کتاب هستند. زیرا در این آیه مشرکان به غیر پیروان این دین معرفی شده‌اند. پس بنابراین آیه، مجوس یا همان زرتشتیان، اهل کتاب هستند. دلایل حدیثی: روایتی از امام صادق علیه السلام که از ایشان درباره زرتشتیان سؤال شد که آیا آنان، پیامبر داشتند؟ ایشان فرمودند بله و در ادامه روایت فرمودند: پیامبر از اهل کتاب جزیه می‌گرفت و از مجوس هم می‌گرفت. امام علیه السلام در ادامه می‌فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مجوس، پیامبری داشتند که پیروانش او را کشتند و کتابی داشتند که آن را آتش زدند^(۳). در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در سنت گرفتن جزیه از اهل کتاب، آن را بر مجوس هم اعمال می‌کردند^(۴). و در آخر حدیثی از امام حسین علیه السلام در روز عاشورا که فرمود: خداوند بر یهود غضب گرفت، زمانی که عزیر را پسر خدا دانستند و بر مسیحیان غضب گرفت، زمانی که مسیح را پسر خدا دانستند و بر مجوس عذاب غضب کرد، زمانی که به جای خدا، آتش را عبادت کردند و بر امتی غضب کرد، هنگامی که پیامبر خود را کشتند و بر این قوم غضب گرفت، که می‌خواهند پسر پیامبر خود را بکشند^(۵). بر طبق این حدیث، دین مجوس به اصطلاح منطق، قسم ادیان توحیدی قرار گرفته، که البته منحرف شده‌اند.

۶۲- همان‌گونه که درباره حجاب بانوان صحبت می‌شود، درباره حجاب آقایان هم مطالبی بیان شود؟

رعایت شیوه لباس پوشیدن فقط مخصوص به بانوان نیست و مردان نیز باید از لباس‌هایی که تحریک‌کننده است، دوری کنند و عفت را رعایت کنند ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ﴾ به مردان مؤمن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند. این برای ایشان پاکیزه‌تر است^(۶). بر طبق این آیه شریفه، مردان باید شرمگاه خود را بپوشانند. از نظر علما، اگر مردی لباس تنگ و بدن‌نما بپوشد به شکلی که تحریک‌کننده باشد، حرام است. اصولاً فلسفه پوشیدن لباس، پوشاندن اندام از دیگران است همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَاءَ تَكُمُ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ﴾ ای فرزندان آدم، برای شما جامه‌ای فرستادیم تا شرمگاهتان را بپوشد و نیز جامه زینت و جامه پرهیزگاری از هر جامه‌ای بهتر است^(۷) و لذا اگر لباس پوشیدن به صورتی باشد که شرمگاه را نمایان‌تر کند، به طور قطع مورد رضایت الهی نیست و حرام می‌باشد.

۶۳- چرا زن از نظر اسلام نمی‌تواند قاضی یا امام جماعت یا حقوق دیگری که مردان دارند را داشته باشد؟

در دین مبین اسلام به زن به عنوان شخصیتی که باید از طمع چشمان نامحرم دور باشد، نگاه می‌شود. البته این به معنای این نیست که زن به پستی خانه برود و کنج عزلت‌گزیند، بلکه روش دین به این سبک است که زنان به صورتی در جامعه حضور داشته باشند که بتوانند مفید فایده واقع شوند. به عنوان مثال: برای آموزش علم به دختران، لازم است که زنانی باشند که آنان را آموزش دهند و یا برای درمان زنان، لازم است پزشکانی از زنان باشند و به طور کل حضور زنان برای حل مسائل مختلف جامعه باشد، اما اگر حضور آنان باعث ایجاد مشکلاتی در سطح جامعه شود حتی اگر خودشان هم مقصر نباشند، بهتر است از آن دوری کنند. به عنوان مثال: حضور زنان در مکان‌هایی که اکثراً مردان حضور دارند، ممکن است باعث ایجاد شرایطی به ضرر زنان آن محیط شود و البته این محدودیت‌ها برای خود زنان بهتر

۱. سوره بقره: آیه ۶۲
 ۲. سوره حج: آیه ۱۷
 ۳. کافی: ج ۳، ص ۵۶۷
 ۴. همان: ج ۷، ص ۴
 ۵. امالی صدوق: ص ۲۳۳
 ۶. سوره نور: آیه ۳۰

۱. سوره بقره: آیه ۶۲
 ۲. سوره حج: آیه ۱۷
 ۳. کافی: ج ۳، ص ۵۶۷
 ۴. همان: ج ۷، ص ۴
 ۵. امالی صدوق: ص ۲۳۳
 ۶. سوره نور: آیه ۳۰

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

است. نکته دیگر به خاصیت فیزیولوژی و روان شناختی زنان بر می گردد: زنان دارای خصوصیت عاطفی شدید هستند و در موقعیت های مختلف، ممکن است عواطف آنان بر منطق ایشان غلبه کند و لذا نمی توانند منصب قضاوت که لازمه اش تسلط کامل به عقل و منطق و بینه است، را دارا باشند. درباره امامت نماز هم، قرار بر این است که تا حد ممکن اندام زن از دید چشمان مردان در امان باشد در حالی که در انجام نماز - در صورت امامت زنان بر مردان - بارها، اندام زن در افق دید مردان قرار می گیرد که این مناسب شخصیت زنان نیست. لذا است که حضرت زهرا (علیها السلام) بهترین حالت زن را دوری از محل نظر مردان می داند: رسول مکرم اسلام از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) پرسیدند: چه چیزی برای مرد و زن بهتر است. حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) فرمودند: اینکه زنی مردی را نبیند و مردی زنی را نبیند^(۱). اما خود حضرت زهرا (علیها السلام) زمانی که پای دفاع از حق امامشان مطرح شد به مسجد رفته و آن خطبه والا مرتبه را بیان کردند. پس حضور زنان در جایی که لازم است حضور داشته باشند نه تنها خوب بلکه واجب نیز می شود.

۶۴- گناهایی که در این دنیا حرام هستند، چرا در آخرت حرام نیستند؟

در ابتدا بیان می شود که قوانین این دنیا، هیچ شباهتی به قوانین عالم برزخ و آخرت ندارد. خداوند این دنیا را محل امتحان انسان قرار داده که با رعایت قوانین الهی، مستحق بهشت یا جهنم در آخرت شوند و لذا این دنیا، هدف نیست و فقط محلی برای امتحان است. در ادامه می گوئیم که اگر منظور شما مثلاً نوشیدن شراب است و در قرآن آمده ﴿يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ * بَيِّضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ﴾؛ با جامی از باده ناب پیرامونشان به گردش در می آیند [باده ای] سخت سپید که نوشندگان را لذتی [خاص] می دهد^(۲) منظور از شراب، مطلق نوشیدنی است. در هر صورت هر آنچه در دین اسلام حرام و استفاده از آن ممنوع است، برای روح و جسم انسان ضرر دارد. اما خوردنی ها، آشامیدنی ها و نکاح های اخروی هیچکدام از خصوصیات این دنیا را ندارند. همانطور که در ادامه آیات بیان شده در قبل، می فرماید: ﴿لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ﴾؛ نه در آن فساد عقل است و نه ایشان از آن به بدمستی [و فرسودگی] می افتند^(۳) نکته دیگر آنکه بر فرض هم که خصوصیات شان شبیه هم بود - که نیست - همان خدایی که آن عمل یا چیزی را در این دنیا حرام کرده، همان خدا ممکن است آن عمل را در آخرت حلال کند. جمع بندی مطلب اینکه، خصوصیات این دنیا شبیه آن دنیا نیست. آنچه در آخرت وعده داده شده با آنچه در این دنیا است فرق اساسی دارد. خداوند خالق ماست و هر چه اراده کند و دستور دهد ما باید به عنوان بندگانش انجام دهیم و هر چه در این دنیا انجام دهیم نتیجه آن را چه خوب و چه بد در آخرت برداشت می کنیم. در آخر بحث، آیه قرآن را می آوریم که وعده ای است به کسانی که در این دنیا قدم به راه راست گذارده اند: ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ﴾؛ وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده این است که در آن نهرهایی است از آب هایی تغییرناپذیر و نهرهایی از شیری که طعمش دگرگون نمی شود و نهرهایی از شراب که آشامندگان از آن لذت می برند و نهرهایی از عسل مصفی. و در آنجا هرگونه میوه که بخواهند هست و نیز آمرزش پروردگارشان. آیا بهشتیان همانند کسانی هستند که در آتش جاودانه اند و آنان را از آبی جوشان می آشامانند چنان که روده هایشان تکه تکه می شود؟^(۴)

۶۵- معنای توحید ذات چیست؟

یعنی یگانگی خداوند و شریک ندانستن برای او و البته مرکب نبودن او.

۱. مناقب آل ابی طالب: ج ۳، ص ۱۱۹.

۲. سوره صافات: آیه ۴۶.

۳. همان: آیه ۴۷.

۴. سوره محمد: آیه ۱۵.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

۶۶- آیا کنیز بودن مادران بعضی از ائمه علیهم السلام، برای آنان نقص محسوب نمی‌شود؟

خیر. کنیز یا آزاد بودن برای انسان، مسأله‌ای قرار دادی بین انسان‌ها است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست علیهم السلام (۱) مادران امامان معصوم علیهم السلام، پاکدامن‌ترین زنان زمان خود و صاحب رحم‌های پاک بودند همانطور که در زیات ایشان می‌خوانیم: «أشهد أنك كنت نوراً في الأضلاب الشامخة والأرحام المطهرة لم تنجسك الجاهلية بلجاسها» (۲). نکته بعد اینکه صرف کنیز بودن به معنای زنانی که مثلاً از کوچ‌چه و بازار جمع شده‌اند و به طور کل آنچه در ذهن خواننده آمده نیست. بعضی از کنیزان، دختران و نوه‌های پادشاهان و امپراطورهای حکومت‌های بزرگ بودند که در جنگ با مسلمانان اسیر شده بودند و در بازار مسلمانان فروخته می‌شدند. مانند حضرت شهربانو همسر امام حسین علیه السلام و مادر امام سجاد علیه السلام و یا نرجس خاتون، نوه امپراطور روم و مادر امام عصر علیه السلام. پس کنیز بودن، نقص نیست، بسیاری از این کنیزان در قوم خود، بزرگترین و والاترین زن قوم خود بودند و برحسب اتفاقات رخ داده در این دنیا، اسیر شده و به صورت کنیز معرفی شده‌اند. که البته اگر این هم نبود، کنیز بودن مادران امامان برای آنان و فرزندشان نقص نیست.

۶۷- در قرآن آمده خداوند هر که بخواهد گمراه می‌کند. این مطلب با این مسأله که خداوند هدایتگر است تضاد ندارد؟

این کلام الهی به معنای این نیست که خداوند انسان را فریب می‌دهد که عمل منکر انجام دهد. معنی آن این است که انسان اعمالی را انجام می‌دهد که به واسطه آن برای خود جلب توفیق و یا سلب توفیق می‌کند. اگر با عمل نیک، برای خود جلب توفیق کرد، این موقعیت را پیدامی‌کند که عمل یا اعمال خوب دیگری نیز انجام دهد و اگر عمل منکری انجام داد، راه انجام عمل نیک بر او بسته و ممکن است راه انجام گناهان دیگر برای او باز شود. این معنای هدایت و ضلالت انسان، توسط خداست. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يُجِيبُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾؛ خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و در آخرت با سخن استوار ثابت‌گرداند، و ستمگران را بی‌راه می‌گذارد، و خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد (۳). لذا هر کس در قول و عمل دینی اش استوار نباشد، شیطان به سراغ او می‌رود و او را منحرف می‌کند. مثال: انسان به مادر خویش نیکی می‌کند، خداوند به واسطه این نیکی، توفیق نماز شب را به او می‌دهد و همین‌طور هر عمل نیک، توفیق عمل نیک دیگری را رقم می‌زند. از آن طرف کسی به برادر ایمانی خود خیانت می‌کند، به واسطه این خیانت، دوستی نصیب او می‌شود که او را از راه درست منحرف می‌کند. معنای هدایت و ضلالت خدا با این مثال‌ها روشن می‌شود.

۶۸- معجزات پیامبران همگی با علم روز تناقض دارد، آیا بیان معجزات ایشان برای کسانی که فقط میزان عقل را قبول دارند و همه چیز را با آن می‌سنجند؟

ابتدا باید معنای معجزه بیان شود: معجزه آن عملی است که در زمان انجام آن، غیر از صاحب معجزه نتواند آن را انجام دهد. البته بیان می‌شود که بعضی از معجزات را کسی غیر از معصوم و در هیچ زمانی نمی‌تواند انجام دهد مانند: شق القمر، رد الشمس و مانند آن. اما بسیاری از معجزات، در زمان خود معصوم انجام دهند آن غیر قابل انجام است اما ممکن است در آینده، توسط دیگران قابل انجام باشد. پس ممکن است بعضی از معجزات بر اساس قوانین فیزیکی می‌باشد اما انسان در آن زمان، از درک آن - به دلیل عدم پیشرفت علم - عاجز بوده‌اند. نکته دیگر آنکه با هر قومی باید به زبان و شیوه رفتاری خودشان عمل کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: ما گروه پیامبران

۱. سوره حجرات: آیه ۱۳.

۲. سوره ابراهیم: آیه ۲۷.

۳. مصباح‌المتجهد (شیخ طوسی): ص ۷۲۱ زیارت وارث.

۱۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

با مردم به زبان خودشان صحبت می‌کنیم^(۱). در هر زمانی، هر پیامبری معجزه متناسب با همان قوم را انجام می‌داده است. مثلاً در زمان حضرت موسی علیه السلام سحر و جادو در جامعه آن زمان زیاد بوده و لذا حضرت هم معجزاتی متناسب با آن را به کار می‌گرفته است. در زمان رسول خاتم صلوات الله علیه ادبیات و شعر و سخن وری در جامعه عرب، بسیار زیاد بوده، لذا معجزه اصلی ایشان، قرآن است که توانست باعث بهت و حیرت سخن‌وران و شاعران شود. نکته دیگر اینکه اسلام، هیچ سؤالی را بی‌پاسخ نگذاشته و می‌تواند با هر کس به مقدار عقل او بحث کند و او را قانع کند. مطلب آخر اینکه کسانی که به مسائل، به دید مادی نگاه می‌کنند، نشانه پابین بودن سطح فکر و اندیشه آنان است. این گروه ابتدا باید سطح اندیشه و فکر خود را ارتقاء دهند. خداوند به انسان قدرت فکر و اندیشه بسیاری داده شده که متأسفانه انسان از آن استفاده نمی‌کند. لذا خوب است که انسان ابعاد فکری خود را توسعه بخشد و صرفاً از بعد مادی به مسائل نگاه نکند زیرا این نوعی دست‌کم گرفتن قدرت فکر و اندیشه انسان است.

۶۹ - آیا روزه‌ای به نام روزه کله‌گنجشکی در شرع داریم؟ و آیا چنین روزه‌ای بدعت نیست و باعث عدم تربیت صحیح فرزندان مان نمی‌شود؟

در اسلام روزه‌ای به نام روزه کله‌گنجشکی وجود ندارد و اگر کسی به نیت شرعی بودن آن، این عمل را انجام و یا به آن اعتقاد داشته باشد، عمل حرامی انجام داده است. البته با توجه به اینکه در روایات به تمرین فرزندان نسبت به امور دینی، قبل از رسیدن به سن بلوغ تأکید شده است، بهتر است به شیوه‌های مختلف مانند این روش آنان را قبل از بلوغ عادت داد تا زمانی که به سن تکلیف می‌رسند با روزه گرفتن نامأنوس نباشند و البته به آنان یاد آور کنیم که این شیوه، روزه شرعی نیست و فقط برای تمرین است.

۷۰ - آیا در نهج البلاغه سب وجود دارد، بارها دیده‌ایم که در این موضوع به نهج البلاغه استناد می‌کنند؟

در خطبه ۲۰۶ نهج البلاغه امیرالمؤمنین علیه السلام در بحبوحه جنگ صفین خطاب به اصحاب خود که لشکریان معاویه را سب می‌کردند، ایشان آنان را از این عمل نهی کردند.^(۲) لیکن در مواردی امام علیه السلام افراد مختلف مانند معاویه و افراد دیگر را سب کرده‌اند مانند آنجا که خطاب به معاویه می‌فرماید: «لا الصریح كاللصیق. یعنی حلال زاده همانند حرام زاده نمی‌باشد».^(۳) البته آنچه حرام است سب و لعن مؤمن است. همان‌طور که رسول اکرم صلوات الله علیه می‌فرماید: ناسز آگویی به مؤمن، فسق و گناه است^(۴) با این اوصاف، امام علیه السلام یک شخص کافر مانند معاویه را سب کرده‌اند. نکته دیگر در این باب آن است که به طور کل سب و فحش دادن در سیره معصومین علیهم السلام نیست و اگر در مواردی از سب استفاده کرده‌اند آن شخص بسیار با خدا و رسول و اهل بیت علیهم السلام دشمنی می‌کرده و به طور عمومی از اینگونه کلام استفاده نکرده‌اند. ثانیاً می‌خواستند اصل و ریشه او را به او یادآوری کنند تا شاید متنبه شود و دست از اعمال خویش بردارد و به نوعی عمل تربیتی در این عمل معصوم علیه السلام بوده است و اگر امام علیه السلام از صفت بدی استفاده کرده‌اند، آن شخص واقعاً آن صفت را داشته است، به طور مثال معاویه در واقع زنازاده بوده است و این مسأله در تاریخ ثابت است.^(۵) این نکته لازم به ذکر است که سب و لعن باهم تفاوت دارند. در آیات و روایات لعن به دشمنان خدا و رسولش و اهل بیت علیهم السلام وجود دارد، لیکن سب وجود ندارد.

۱. قال رسول الله صلوات الله علیه: إنا معاشر الأنبياء أمرنا أن نكلم الناس على قدر عقولهم. کافی: ج ۱، ص ۲۳.

۲. إني أكره لكم أن تكونوا سبائين، ولكنكم لو وصفتم أعمالهم وذكروتم جلالهم كان أصوب في القول وأبلغ في العذر، وقتلتم مكان سبكم إياهم. نهج البلاغه: خطبه ۲۰۶.

۳. نهج البلاغه: نامه ۱۷.

۴. کافی: ج ۲، ص ۳۶۰.

۵. ربیع البرابر، زمخشری: ج ۴، ص ۲۷۵ و شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ج ۱، ص ۳۳۶.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

۷۱ - مسلمانان کشورهای اسلامی به خاطر مکانی که در آن به دنیا آمده اند، مسلمان شده اند، در حالی که حقیقتی جز انسانیت وجود ندارد و باید به انسانیت ایمان آورد. نظر شما چیست؟

دین اسلام، کامل ترین و ختم کننده تمام ادیان الهی است و شامل تمام قوانین مورد نیاز انسان چه از بعد مادی و چه از بعد معنوی می باشد. این دین آنقدر کامل است که بتواند تمام نیازهای انسان را در یک چهارچوب عقلایی تأمین کند. بُعد انسان سازی دین اسلام بسیار مترقی است و این دین بر اساس فطرت پاک انسان پایه گذاری شده و هیچ گونه ملائمت و تناقض با نفس پاک و فطرت او ندارد همانطور که قرآن کریم می فرماید: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا؛ پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است﴾^(۱) و لذا چون خداوند مهربان است و دوست ندارد راه غیر مرضی او را بپیماییم، به ما دستور می دهد که هم اکنون باید دین اسلام را قبول کنیم تا سعادت تمند شویم و غیر آن مورد قبول نیست ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت آرزوی نیکاران است﴾^(۲) نکته آخر اینکه اسلام حد و مرزی ندارد و اگر پیامبر اسلام ﷺ به فرض مثال در قطب جنوب مردم را به دین اسلام دعوت می کرد همگی انسان ها باید به او ایمان می آوردند. حال که خداوند بر ما منت نهاده و زحمت ما را کم کرده تا مجبور نشویم برای قبول دین اسلام به قاره دیگر برویم، باید او را شکر کنیم.

۷۲ - نمونه هایی از فعالیت های اقتصادی اهل بیت (علیهم السلام) را بیان کنید و بفرمایید که ایشان چه اندازه به فعالیت های اقتصادی اهمیت می دادند؟

نمونه ای از فعالیت اقتصادی امامان، روایتی است که امام صادق (علیه السلام) به مصادف، از اصحاب خویش ۱۰۰۰ دینار دادند تا به مصر برود و به تجارت بپردازد. خلاصه حدیث اینکه زمانی که کاروان مصادف به نزدیکی مصر رسیدند، کاروانی از طرف مصر با آنان تلافی کرد و مصادف از آنان پرسید که چه چیزی در مصر نایاب است و آنان گفتند فلان چیز. آنان صبر کردند آن چیزی که در مصر نایاب بود و آنان با خود داشتند کمیاب تر شود و سپس به مصر رفتند و به دو برابر سود فروختند. سپس مصادف با آن سود خدمت امام (علیه السلام) رسید و قضیه را تعریف کرد. امام (علیه السلام) فرمود: آیا هم قسم شدید که جنس مورد نیاز مردم را به دو برابر بفروشید؟ سپس ۱۰۰۰ دینار خود را برداشتند و فرمودند: این مال من است و من احتیاجی به سود آن ندارم. سپس خطاب به مصادف فرمود: ای مصادف جنگ با شمشیر از طلب حلال سخت تر است^(۳). قوانین کسب و کار که در روایات اهل بیت (علیهم السلام) وجود دارد و به کوچک ترین مسأله تجارت پرداخته است، نشانه اهمیت اهل بیت (علیهم السلام) نسبت به فعالیت اقتصادی و کسب روزی حلال دارد.

۷۳ - در قرآن کریم به سه اصل توحید، نبوت و معاد اشاره شده است. چرا به اصل امامت و عدل اشاره نشده است؟

این طور نیست بلکه قرآن کریم به این دو اصل هم تأکید کرده و به صراحت به آن پرداخته است. آیات مربوط به امامت: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ إِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا؛ و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند﴾^(۴) ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ؛ و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم». [ابراهیم] پرسید: «از دودمانم [چطور]؟» فرمود: «پیمان من به بیدادگران نمی رسد»^(۵).

۱. سوره روم: آیه ۳۰.

۲. سوره آل عمران: آیه ۸۵.

۳. سوره انبیا: آیه ۷۳.

۴. کافی: ج ۵، ص ۱۶۱.

۵. سوره بقره: آیه ۱۲۴.

۱۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

﴿ إِنَّمَا وَرِثَكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ وَلِيَّ شِمَا، تَنْهَاهَا خُدا وَبِیَامِبِر اوست و كسانى كه ایمان آورده اند: همان كسانى كه نماز برپا مى دارند و در حال ركوع زكات مى دهند. ^(۱) و البته آیات دیگر كه در كنار احادیث ذیل آنان، معلوم مى شود كه امامت، اصل جدانشدنی از متن اسلام است.

آیات مربوط به عدل: ﴿ إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ؛ خُداوند هرگز نسبت به بندگانش [خود] بیادگر نیست. ^(۲) ﴿ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ؛ خُدا كه همواره به عدل، قیام دارد، گواهی می دهد كه جز او هیچ معبودی نیست. ^(۳) ﴿ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مَثْقَالَ دَرَّةٍ؛ در حقیقت، خُدا هموزن ذره ای ستم نمی كند. ^(۴) ﴿ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ؛ خُدا به شما فرمان می دهد كه سپرده ها را به صاحبان آنها رد كنید و چون میان مردم داوری می كنید، به عدالت داوری كنید. ^(۵) بر اساس این آیات و آیات دیگر عدل نیز جزء لاینفك دین است كه باید به آن اعتقاد داشته باشیم و این اعتقاد شیعه، برگرفته از سیره معصومین و پیشوایان دین است و امری من در آوردی نیست.

۷۴- تعبیر اصول دین و فروع دین، تعبیری است كه علمای دین بنا نهاده اند و به این شكل تعبیری در قرآن و سنت نیامده، آیا این كار بدعت نیست؟

علمای دین كلامی از خود بیان نمی كنند و اعتقادات يك مسلمان شیعه را از لابه لای قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام استخراج کرده و آن را به ما ارائه می دهند. مثال آنكه: علما، بحث امامت و لزوم اعتقاد به آن را از بین آیات قرآن و روایات استخراج کرده اند. پس اینکه اصول دین ۵ تا و فروع دین ۱۰ تا است، برگرفته از کتاب خدا و کلام معصومین علیهم السلام هستند و مورد اتفاق همه علما است و این اتفاق نظر برای ماحجت است و باید به آن اعتقاد داشته باشیم و به دلیل اینکه از این دو منبع سرچشمه می گیرند لذا بدعت نیست. زیرا بدعت یعنی آنچه كه جز دین نیست، جزء آن قرار داده شود.

۷۵- در زمان ظهور امام زمان علیه السلام، ایشان از معجزه و امور متافیزیکی برای غلبه بر دشمنان استفاده می کنند و یا با اسباب معمولی و متعارف با آنان می جنگند؟

در روایات صحیح، اشاره واضحی به این نکته نشده است. اما قضیه ظهور و جنگ با دشمنان قرار است با اسباب و مسببات و به صورت متعارف باشد و اگر قرار بر استفاده از معجزه است، لازم نبود تاخیر در ظهور اتفاق بیفتد. ممكن است در بعضی موقعیت ها این اتفاق بیفتد مانند خسف بیداء و فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین. اما در همه موقعیت ها اینطور نیست. به عبارت دیگر ممكن است در بعضی موقعیت ها، ظهور امام علیه السلام جنبه غیر عادی و طبیعی نیز داشته باشد، لیکن اصل اعمال ایشان در وقت ظهور با اسباب و مسببات همراه است.

۷۶- در قرآن بیشتر به عفت زن تأکید شده و یا به حجاب او؟ لطفاً به عنوان مثال آیه و روایت هم ذکر بفرمایید؟

به هر دو تأکید فراوان شده است و می توان گفت حجاب، یکی از مصادیق عفت است. آیه حجاب: ﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ كَانِ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: پوشش های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنكه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط]

۱. سوره مائده: آیه ۵۵.

۲. سوره آل عمران: آیه ۱۸۲ و آیات دیگر.

۳. سوره نساء: آیه ۴۰.

۴. همان: آیه ۱۸.

۵. همان: آیه ۵۸.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

نزدیکتر است، و خدا آمرزنده مهربان است»^(۱) و ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَنْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فروبندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکارانگردانند مگر آنچه که [طبیعا] از آن پیداست و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکتوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید»^(۲). به بحث عفت بیشتر در احادیث پرداخته شده است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: برترین عبادت، عفاف است^(۳). عفت، در رأس همه خوبی‌هاست^(۴). عفت، نفس رامصون می‌دارد و آن را از پستی‌ها دور نگاه می‌دارد^(۵). زکات زیبایی، عفت است^(۶). لازم به ذکر است در صورت رعایت حجاب توسط زنان و همچنین حفظ چشم، توسط مردان، به طور حتم خصوصیات یک جامعه با عفت، رقم خواهد خورد.

۷۷- اگر شخصی در خانواده مسلمان به دنیا بیاید ولی خودش مسلمانی را انتخاب نکند مرتد محسوب می‌شود؟

در اسلام دو نوع مرتد وجود دارد: مرتد ملی و مرتد فطری. مرتد ملی یعنی کسی که مادر و پدرش کافر بودند ولی خودش مسلمان می‌شود، اما بعد از مدتی دوباره کافر می‌شود. مرتد فطری اینکه پدر و مادرش مسلمان هستند و بالتبع خودش نیز مسلمان است و بعد از بلوغ، کافر می‌شود. به این شخص مرتد فطری می‌گویند. طبق نظر اسلام اگر کسی مرتد فطری شود و در دادگاه اسلامی این مسأله ثابت شود، حکم ارتداد او ثابت شده و به اعدام محکوم می‌شود که البته شرایط اثبات آن باید فراهم باشد از جمله اقرار خودش. نکته آخر اینکه هم اکنون دین اسلام، دین مورد رضایت خداست و هر کس دین دیگری داشته باشد، از او قبول نمی‌شود ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾؛ و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانکاران است^(۷) و لذا انسان نباید اسیر وسوسه‌های شیاطین جن و انس شود. کسی که می‌خواهد به دین دیگر برود، ابتدا باید به تمام ابعاد مختلف دین اسلام آگاهی و تسلط داشته باشد و اگر او را اقتناع نکرد به سراغ دین دیگر که البته به طور حتم ناقص تر از اسلام هستند، برود. این دین کامل‌ترین و جدیدترین دین است.

۷۸- آیا اختلاف فتاوی مراجع در بعضی از مسائل، اختلاف در قرائت از دین محسوب نمی‌شود؟

در بیشتر موارد، خیر. بلکه اختلاف فهم هر مجتهدی از مفهومی یک آیه یا یک روایت است. بحث اجتهاد، بحث گسترده‌ای است اما به طور خلاصه بیان می‌شود که یک شخص با تسلط به علوم مختلف از جمله صرف، نحو، بلاغت، فقه، اصول و تسلط بر آیات و روایات، ملکه‌ای پیدا می‌کند که می‌تواند با کوشش و تفحص زیاد از لابلای آیت قرآن و روایات معصومین علیهم السلام - و در صورت عدم وضوح این دو

۱. سوره احزاب: آیه ۵۹.
۲. کافی: ج ۲، ص ۷۹.
۳. همان: حدیث ۱۹۸۹.
۴. سوره آل عمران: آیه ۸۵.

۵. سوره نور: آیه ۳۱.
۶. غرر الحکم: حدیث ۱۱۶۸.
۷. همان: حدیث ۵۴۴۹.

۱۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

در دلالت بر حکمی - با بررسی اجماع و عقل، حکم الهی را استخراج کرده و به مکلفین منتقل کند. اختلاف در فتاوا ممکن است به فهم یک مجتهد از مراد آیه قرآن و روایت به وجود آید و این اختلاف در قرائت از دین نیست. اختلاف در قرائت از دین، اختلاف در زیر بنا و ریشه و کلیات دین است. به عنوان مثال بیان می شود که آیا دین اسلام، دین تسامح است یا دین خشونت. عده ای معتقد به تسامح، عده ای خشونت و عده ای بین الامرین و حد وسط هستند.

۷۹ - کتبی مانند نهج البلاغه، آیا به واسطه به دست ما رسیده و یا به همین شکل مستقیماً از امام معصوم به ما رسیده است؟

نهج البلاغه حاوی خطبه ها و کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام است که در موقعیت های مختلف بیان فرموده اند و توسط سید رضی رحمته الله علیه جمع آوری شده و با عنوان کتاب نهج البلاغه در اختیار مسلمانان قرار گرفته است. در حال حاضر کتبی که مستقیماً از امام معصوم به دست ما رسیده باشد به طور یقینی وجود ندارد. دو کتاب مصباح الشریعه منسوب به امام صادق علیه السلام و تفسیر امام عسکری علیه السلام، در دسترس می باشد اما انتساب این دو کتاب به امامان مذکور محل شک است. به صورت کلی می گوئیم که فرمایشات معصومین علیهم السلام در قالب احادیث، توسط راویان ایشان جمع آوری شده و در طول تاریخ دست به دست شده است و بعضی از علما مانند شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ طوسی و بزرگان دیگر، این احادیث را جمع آوری کرده و به صورت کتاب به ما عرضه کرده اند.

۸۰ - عقوبت گناه و جزای آن در اسلام وجود دارد. پس جایگاه توبه در کجاست؟

عقوبت گناه و جزای آن برای زمانی است که ما توبه نکنیم. اما اگر بعد از ارتکاب گناه توبه کنیم، آن گناه از بین می رود و اثری از آن باقی نمی ماند و لذا بیان عقوبت گناهان در آیات و روایات برای زمانی است که مرتکب آن، توبه نکند. خداوند در قرآن می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، به درگاه خدا توبه ای راستین کنید، امید است که پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزداید و شما را به باغ هایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است در آورد. ^(۱) این آیه مردم را دعوت به طلب غفران از خداوند می کند و از آنان می خواهد توبه واقعی داشته باشند.

۸۱ - چیزی که ابلیس را از درگاه خداوند راند، تکبر بود. آیا خلق تکبر کار مخلوقات است یا کار خدا؟

سؤالی که در ذهن شما است به طور کل این است که زشتی، فعل و مخلوق خداست یا خلق. در جواب سؤالات قبل بیان شد که همه خلقت، تحت قدرت و اراده الهی است. اما مسأله مهم آن است که عمل قبیح به ذات الهی راه ندارد. قرآن در این باره می فرماید: ﴿مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ﴾؛ هر چه از خوبی ها به تو می رسد از جانب خداست و آنچه از بدی به تو رسد از خود توست. ^(۲) ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ﴾؛ هر کسی در گرو دستاورد خویش است. ^(۳) ﴿مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ﴾؛ هر کس بدی کند، در برابر آن کیفر می بیند. ^(۴) این آیات دلالت می کند که هر عملی که انسان انجام می دهد، خودش پاسخگوی آن است و لذا اعمال بد مخلوقات، عمل بنده است نه خالق او. درباره صفت تکبر می گوئیم که تکبر فقط مخصوص ذات الهی است. تکبر یعنی برتری طلبی و هیچکس برتر از ذات خداوند نیست. ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّبُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ﴾؛ اوست خدای یگانه که هیچ خدای دیگری جز او نیست، فرمانروا است، پاک است، عاری از هر عیب است، ایمنی بخش است،

۱. سوره تحریم: آیه ۸

۲. سوره نساء: آیه ۷۹

۳. سوره مدثر: آیه ۳۸

۴. سوره نساء: آیه ۱۲۳

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

نگهبان است، پیروزمند است، با جبروت است و بزرگوار است ﴿^(۱) شیطان می خواست صفتی که مخصوص باری تعالی است را به خود منسوب کند و لذا این عمل او، قبیح بود. در ذهن نیاید که تکبر، فعل قبیح است، بلکه برای انسان و جن قبیح است نه برای خدا که فوق همه چیز است و بالاتر از او وجود ندارد. لذا بنده حق ندارد خود را بالاتر از دیگران بداند.

۸۲- اگر از عملکردمان به دلیل کم کاری یا عدم صحیح انجام دادن عمل، نتیجه بدی حاصل شود، باز هم می توان گفت صلاح خدا در آن بوده است؟

اگر در انجام عمل کوتاهی یا کم کاری صورت گرفته باشد در وهله اول نمی توان گفت که صلاح خدا در این بوده است. زیرا خداوند راه صحیح را به انسان هان نشان داده است. قرآن کریم در این باره می فرماید: ﴿مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ﴾؛ هر چه از خوبیها به تو رسد از جانب خداست و آنچه از بدی به تو می رسد از خود توست ﴿^(۲) اما در مرحله بعد می توان قضا و قدر الهی را در نتیجه عمل دخالت داد. مثال: ما در تعمیر اتومبیل، قبل از سفر کوتاهی می کنیم و در بین راه خراب می شود. تا اینجا عمل ما دخالت داشت. اما ممکن است صلاح دیگری هم در کار باشد. مثلاً اگر اتومبیل در جاده خراب نمی شد، ۲۰ کیلومتر جلو تر سانحه تصادف شدیدی رخ می داد و خداوند اراده کردند که تمام شرایط فراهم شود تا شما در این حادثه نباشید. لذا می توان گفت که اعمال انسان در بروز اتفاقات نقش اساسی دارند، اما همه این ها در تحت قدرت و اراده الهی است.

۸۳- می شنویم که فلان شخصی در حرم امامان شفا گرفته است. آیا این اتفاقات ریشه اعتقادی دارد و قابل توجیه است؟

بله این اخباری که درباره شفای بیماران در مشاهد مشرفه به ما می رسد، همگی پایه اعتقادی دارد. امامان معصوم و بعضی از فرزندان و الا مقام ایشان، دارای صفات برجسته ای هستند و در نزد خداوند مقام بالایی دارند که ایشان را از انسان های دیگر متمایز می کند. تمام خلقت به اذن الهی تحت ولایت تکوینی امام معصوم است و می توانند در کون و مکان تصرف بفرمایند. یکی از این اعمال، شفا دادن و بلکه زنده کردن مردگان است. داشتن این صفات توسط امامان معصوم علیهم السلام از اعتقادات ما شیعیان است. روایت بسیاری از شفا دادن بیماران، زنده کردن مردگان و غیره توسط ایشان در روایات ذکر شده است. نکته دیگر آنکه زنده و مرده امام معصوم تفاوتی ندارد و اینان زنده هستند. در زیارتنامه ایشان می خوانیم: (اشهد انک تسمع کلامی و تشهد مقامی؛ شهادت می دهم که صدای مرا می شنوی و موقعیت مرا می دانی).

۸۴- اولین عملی که در قیامت سؤال می شود، نماز است و اگر کسی نماز نخوانده باشد، اعمال دیگرش قبول نمی شود. در این حالت، تکلیف پیروان بقیه ادیان مانند مسیحیت و یهودیت چگونه است؟

هر دینی در زمان خود، دین اصلی و مورد رضایت خداوند بوده است. در زمان حضرت موسی علیه السلام تا قبل از نبوت حضرت عیسی علیه السلام، دین اصلی، دین یهودیت بوده و بعد از نبوت حضرت عیسی علیه السلام تا نبوت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، دین مسیحیت، دین اصلی بوده. لذا هر که در زمان پابرجا بودن آن دین اصلی، اعمال و تعالیم آن دین را انجام می داده، مؤمن و بهشتی بوده است. اما با آمدن اسلام، تمام ادیان گذشته منسوخ شدند و تبعیت از آنها، تمرد از دستورات الهی بوده و در حکم کفر به خداست. لذا در قرآن می فرماید: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾؛ و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانکاران است ﴿^(۳) طبق دستور خداوند، همگی باید مسلمان باشند و اگر کسی مسلمان نباشد در نزد خداوند کافر و جهنمی

۲. سوره نساء: آیه ۷۹.

۱. سوره حشر: آیه ۲۳.

۳. سوره آل عمران: آیه ۸۵.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

است و هیچکدام از اعمال آنان حتی اگر به بهترین وجه انجام دهند، مورد قبول خداوند قرار نخواهد گرفت.

۸۵ - تکلیف کسانی که در نقاط دور افتاده زندگی می‌کنند و خبری از ادیان و تعالیم انبیاء ندارند در قیامت چیست؟

جاهل به ادیان و اصول و فروع آن، یا قاصر است یا مقصر. شخصی اگر حجت بر او تمام نشده باشد و نسبت به دین و احکام و اعتقادات آن، قاصر باشد، خداوند با مهربانی با او برخورد می‌کند. البته در عالم برزخ و بعد از مرگ، امتحاناتی از او گرفته می‌شود و اگر سر بلند از امتحان فارغ شد، بهشتی خواهد بود. اما اگر حجت بر او تمام شده بود، اما خود شخص، در شناخت حق و اعتقاد به دین خدا، کوتاهی کرد و به اصطلاح جاهل مقصر بود، این شخص اهل دوزخ است.

۸۶ - در حدیث آمده که تمام دنیا و کائنات برای ۱۴ معصوم خلق شده، در این صورت خلقت بقیه انسان‌ها چه لزومی دارد؟

معنای این احادیث این نیست که خداوند قرار داده که فقط این چهارده نفر را خلق کند، بلکه مراد آن است که خداوند وجود این ذوات مقدسه را برکت این خلق قرار داده تا حدی که اگر اینان نبودند، خلقتی وجود نداشت. در هر صورت معصومین علیهم‌السلام هدایت‌گر هستند و اگر قرار بود انسان‌هایی نباشند، شأن هدایتگری ایشان مخفی می‌ماند. در زیارت جامعه می‌خوانیم: خداوند، شما را [به صورت] نورهایی آفرید و گرداگرد عرش خود، قرارتان داد تا این که به واسطه شما، بر ما نعمت بزرگی عطا فرمود. پس شما را در خانه‌هایی قرار داد که خداوند، رخصت داده است که بزرگ داشته شوند و نام وی در آن‌ها یاد شود^(۱). پس در واقع وجود معصومین، هدیه الهی به انسان‌هاست تا وسیله هدایت آنان شوند.

۸۷ - خداوند از روح خودش در وجود انسان‌ها دمیده، آیا اگر شخصی وارد جهنم شود این روح الهی از بدنش خارج می‌شود؟

ابتدا باید گفت که ما از حقیقت روح آگاهی نداریم و نمی‌دانیم چیست. اما آنچه بیان می‌شود، آن است که روح انسان بر فطرت پاک است و به دور از هرگونه آرایش و آلودگی است. آنچه که این روح پاک را آلوده می‌کند، نافرمانی از دستورات الهی و معصیت است. اگر گناهان انسان بسیار شد تا حدی که تمام روح او را فرا گرفت، این روح دیگر خدایی نیست و شیطان، روح او را تسخیر کرده و لذا دیگر شایستگی لقاء پروردگار را ندارد و مستحق آتش جهنم می‌شود. تاجایی که در حدیث تابوت داریم که ۶ نفر از قوم اول و ۶ نفر از قوم آخر، اهل تابوتی در جهنم هستند که اینان، وسیله شعله ور شدن، آتش جهنم می‌باشند^(۲). یعنی اینکه آنقدر روحشان در تسخیر تاریکی و ظلمت است که خود، تبدیل به آتش جهنم شده‌اند.

۸۸ - یکی از صفات خداوند خالقیت است. با این حساب نتیجه می‌گیریم که جهان ابدی است و ادامه دارد. آیا می‌شود گفت که این دنیا و مخلوقات در آن، دوباره خلق می‌شوند؟

در احادیث آمده که قبل از خلقت حضرت آدم علیه‌السلام، مخلوقاتی دیگر بوده‌اند که بر روی زمین زندگی می‌کردند^(۳) می‌توان گفت که بعد

۱. ﴿ خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بَعْزِيهِ مُخْرِقِينَ حَتَّى مَنَّ عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَدْنَى اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ ۖ ۱.

۲. قال علي عليه‌السلام: لست بقاتل غير شيء واحد. أذكركم بالله أيها الأربعة - يعني وأبا ذر والزيبر والمقداد - : سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: إن تابوتا من نار فيه اثنا عشر رجلاً، ستة من الأولين وستة من الآخرين، في جب في قعر جهنم في تابوت مقفل، على ذلك الجب صخرة. فإذا أراد الله أن يسعر جهنم كشف تلك الصخرة عن ذلك الجب فاستعرت جهنم من وهج ذلك الجب ومن حره. كتب سليم: ص ۱۶۱.

۳. زعن أبي حمزة الثمالي قال: سمعت علي بن الحسين عليه‌السلام يقول: إن الله خلق محمداً وعلياً والطيبين من نور عظمته، وأقامهم أشباحاً قبل المخلوقات، ثم

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

از پایان این دنیا، ممکن است که خداوند خلقت دیگری را رقم بزند و این مسأله امکان دارد. البته این نکته نیز بیان می‌شود که خالقیت از صفات فعل است و لزومی ندارد که همیشه وجود داشته باشد. ضمناً همانطور که خالقیت در این جهان مادی وجود دارد در جهان آخرت نیز وجود دارد و لذا با کلمه (امکان دارد) در ابتدای جواب، به این مسأله اشاره داریم، یعنی همانطور که امکان خلق دوباره است، این امکان نیز وجود دارد که خداوند، خلقت دیگر برای جهان مادی خلق نکند.

۸۹- پیامبر و معصومین علیهم‌السلام گناه نمی‌کردند، چرا دائماً در حال استغفار بودند؟

توبه و استغفار برای ما انسان‌ها، ما به مغفرت خداوند است و برای معصومین، ترفیع درجات. خداوند به همه انسان‌ها دستور به توبه و استغفار داده و همین طلب توبه، ما به خشنودی خداوند و تعلق ثواب می‌شود و عمل پسندیده‌ای است. از طرفی، معصوم در حد اعلی درجه انجام اعمال نیک است و لذا آنان اولی به انجام عمل نیک هستند و این عمل را انجام می‌دهند، اما این توبه باعث ترفیع درجات ایشان می‌شود، زیرا ایشان اهل گناه نیستند. نکته دیگر اینکه معصومین علیهم‌السلام، در موقعیت آموزش جامعه هستند و زمانی که از ما می‌خواهند توبه و استغفار کنیم، خود نیز باید آن عمل را انجام دهند تا برای ما الگو باشند و عمل آنان، اثر بیشتری بر روی مردم داشته باشد. از منظر دیگر بر طبق قاعده حسنات الأبرار، سیئات المقربین، معصومین علیهم‌السلام، گاهی از انجام عمل مباح نیز استغفار می‌کردند، زیرا مناسب می‌دیدند که به جای عمل مباح، عبادت کنند.

۹۰- به غیر از شق القمر و معراج، چند معجزه دیگر از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیان کنید؟

بزرگ‌ترین معجزه پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، قرآن کریم است که کسی نتوانسته به اندازه سوره‌ای از آن را بیاورد ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَيَّ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ؛ و اگر در آنچه بر بنده خویش نازل کرده‌ایم در تردید هستید، سوره‌ای همانند آن بیاورید﴾^(۱) صحبت کردن با سوسمار^(۲)، خبر دادن از غیب در موارد گوناگون از جمله جنگ موته که اتفاقات روی داده در جنگ را به مردم مدینه بیان می‌کردند، در حالی که منطقه موته در نزدیک منطقه شام بود تا جایی که هم زمان با شهادت حضرت جعفر طیار و زید بن حارثه محزون شدند^(۳). البته لازم به ذکر است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ولایت تکوینی بر کائنات دارند و این اعمال برای ایشان، عجیب نیست.

۹۱- چرا امام حسن علیه‌السلام فرزند خویش را به جانشینی خود انتخاب نکرد و امامت به سیدالشهداء علیه‌السلام رسید؟

بر طبق آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام، امامت امری الهی است و توسط خداوند به هر کس که بخواهد می‌رسد. طبق روایات از پیامبر و امامان علیهم‌السلام، امامت از امیرالمؤمنین علیه‌السلام آغاز و تا حضرت مهدی علیه‌السلام ادامه داشته و دارد و غیر از این دوازده نفر، کس دیگری شایسته رسیدن به مقام امامت را ندارد و ربطی به بزرگی و یا کوچکی شخصی که شایسته امامت است، ندارد. خدا اراده فرموده بود که امامت بعد از امام مجتبی علیه‌السلام به امام حسین علیه‌السلام تا حضرت مهدی علیه‌السلام برسد و کسی در این جعل حق دخالت ندارد.

۹۲- حکمت الهی در خلق اشرار مثل قاتلان و جانیان که انسان‌ها را آزار می‌دهند، در چیست؟

همانگونه که در قبل اشاره شد، انسان دارای اختیار هستند و با اختیار خود اعمال خود را انجام می‌دهند. از طرفی خداوند راه درست و هموار را به ما نشان داده است و قدرت انتخاب آن را به خود انسان‌ها داده است ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ راه را به او نشان داده‌ایم. یا سپاسگزار باشد یا ناسپاس﴾^(۴) و لذا عواقب اعمال انسان بر عهده خودش است. از طرفی دیگر خداوند به انسان دستور

قال: أَتُنظَنُ أَنْ اللَّهُ لَمْ يَخْلُقْ خَلْقًا سَوَاكِمَ؟ بَلَى وَاللَّهِ لَقَدْ خَلَقَ اللَّهُ أَلْفَ أَلْفِ أَدَمَ، وَأَلْفَ أَلْفِ عَالِمٍ، وَأَنْتَ وَاللَّهُ فِي آخِرِ تِلْكَ الْعَوَالِمِ. مشارق انوار اليقين: ص ۶۰.
 ۱. سوره بقره: آیه ۲۳.
 ۲. المعجم الاوسط (طبرانی): ج ۶، ص ۱۲۷ و الخرائج و الجرائح: ج ۱، ص ۳۸.
 ۳. سوره انسان: آیه ۳.
 ۴. الخرائج و الجرائح: ج ۱، ص ۱۶۶.

۱۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

داده که فریب و سوسه های شیطان را نخورد ﴿لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾؛ پای به جای پای شیطان مگذارید که دشمن آشکار شماست ﴿^(۱)﴾ با این بیان اگر جامعه انسان ها به هرج و مرج کشیده شده و گناه، آن جامعه را فراگرفت و مثلاً مردم گرفتار جانیان و بزهکاران شدند، این نتیجه عملکرد خودشان است و نه خداوند ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾؛ به سبب اعمال مردم، فساد در خشکی و دریا آشکار شد تا به آنان جزای بعضی از کارهایشان را بچشانند، باشد که بازگردند ﴿^(۲)﴾ خدا از همه خواسته خوب باشند، این انسان است که دوست دارد از شیطان تبعیت کند.

۹۳- آیا خداوند نمی توانست به شیوه ای غیر از غیبت، جان امام زمان علیه السلام را حفظ کند؟

این سؤال از جمله سؤالاتی است که مربوط به خداوند است. اما در توضیح و روشن شدن مطلب عرض می کنیم که خداوند ۱۲ نفر را به عنوان هدایتگر بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله معین کرده بودند تا مردم را به سوی سعادت بکشانند. از طرف دیگر بارها بیان کردیم که انسان دارای اختیار است و می تواند راست سعادت و یا شقاوت را با نظر خودش انتخاب کند. متأسفانه انسان ها با همین اختیار، ۱۱ تن از این امامان را به شهادت رساندند. از طرفی دیگر سنت الهی آن است که حجت، تا قبل از قیامت برای مردم وجود داشته باشد. همانطور که شیطان به عنوان سردهسته کافران در بین انسان ها حضور دارد، حجت خدا هم باید حضور داشته باشد تا هدایتگر بشریت باشد. با اختیاری که انسان ها دارند اگر حجت آخر هم ظاهر بود، مردم او را می کشتند، لذا خداوند، امام آخر را از نظرها پنهان کرد تا زمان خاصی، ظهور کنند و انتقام کسانی که به آنان ظلم شده را بگیرد.

۹۴- مگر خداوند ستار العیوب نیست، پس چرا گاهی انسان ها را بین مردم رسوا می کند؟

بله ستار العیوب است برای کسانی که با خدا باشند. اما کسانی که بر خدا طغیان کنند و با او دشمنی کنند، خداوند هم با آنان دشمنی می کند. کسی که بخواد مکر و حیله داشته باشد و با آن به جنگ خدا رود، باید بداند که خداوند مکارترین مکاران است ﴿وَمَكْرُهَا وَمَكْرَ اللَّهِ وَاللَّهُ خَيْرٌ خَيْرٌ الْمَكْرِينَ﴾؛ آنان مکر کردند، و خدا هم مکر کرد، و خدا بهترین مکرکنندگان است ﴿^(۳)﴾ نکته دیگر اینکه، بعضی مواقع خدا نیست که آبروی کسی را می برد، بلکه این انسان ها هستند که آبروی بعضی دیگر را می برند که البته خداوند برای آنان عقوبت سختی را در نظر گرفته است و طبق روایات از ولایت خدا خارج و وارد ولایت شیطان می شود و شیطان نیز او را راه نمی دهد ﴿^(۴)﴾.

۹۵- فرق بین صور اول و صور دوم چیست؟

قرآن کریم می فرماید: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾؛ و در صور دمیده شود. پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است - جز آنها که او بخواهد - بیهوش می شوند. و بار دیگر در آن دمیده شود، ناگهان از جای بر می خیزند و می نگرند ﴿^(۵)﴾. بر طبق این آیه شریفه نفخ صور اول، برای مردن دسته جمعی انسان هایی هستند که تا آن لحظه نمرده اند و نفخ صور دوم، برای زنده شدن تمام انسان ها و خارج شدن آنان از قبر است.

۹۶- چرا امام صادق علیه السلام با وجود داشتن ۴۰۰۰ شاگرد، بر علیه خلفای زمان خود قیام نکردند؟

در بین شاگردان امام صادق علیه السلام، تعداد بسیار کمی از آنان شیعه بودند و اکثراً از اهل سنت بودند. اما به دلیل اینکه، امام علیه السلام را فقیه ترین

۱. سوره بقره: آیه ۱۶۸.

۲. سوره روم: آیه ۴۱.

۳. سوره آل عمران: آیه ۵۴.

۴. من روی علی مؤمن روایة برید بها شینه وهدم مروءته لیسقط من أعین الناس أخرجہ الله من ولايته إلى ولاية الشيطان فلا يقبله الشيطان. کافی: ج ۲، ص ۳۵۸.

۵. سوره زمر: آیه ۶۸.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

علمای عصر خود می دانستند از شهرهای مختلف، برای علم آموزی، خود را به مدینه می رساندند تا در درس امام علیه السلام شرکت کنند. نکته دیگر آنکه در بین شیعیان هم، تعداد کسانی که در دین خود راسخ و ثابت قدم بودند، بسیار اندک بود و اگر امام علیه السلام، اقدام به قیام می کردند همان بلایی سرشان می آمد که بر سر امام حسن و امام حسین علیهما السلام آمده بود. نکته آخر اینکه هر امامی مأموریتی خاص از جانب خداوند داشتند و بر اساس دستورات الهی رفتار کردند.

۹۲- یکی از معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که قبل از رسالت بی سواد بودند و بعد از مبعوث شدن به پیامبری، باسواد شدند. با این اوصاف چرا خود ایشان قرآن را کتابت نمی کردند؟

اولاً اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از بعثت بی سواد بودند و بعد از مبعوث شدن به پیامبری، باسواد شدند، ادعای غلطی است و همچنین چیزی نبوده است. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از ابتدا باسواد بودند. علت اینکه به ایشان اُمی می گویند، بی سواد بودن ایشان نبوده. از امام جواد علیه السلام سؤال شد که چرا به پیامبر اُمی می گویند: امام علیه السلام فرمود: مردم چه می گویند؟ عرض کرد: می گویند که پیامبر صلی الله علیه و آله قدرت بر خواندن و نوشتن نداشته است. امام علیه السلام فرمود: مردم (دشمنان اهل بیت علیهم السلام) دروغ می گویند. خدای تعالی ایشان را سبب امام علیه السلام فرمود: خداوند در قرآن کریم می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾؛ اوست خدایی که به میان مردمی بی کتاب پیامبری از خودشان مبعوث داشت تا آیاتش را بر آنها بخواند و آنها را پاکیزه سازد و کتاب و حکمتشان بیاموزد. اگر چه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند^(۱) چطور ممکن است به آنان کتاب و حکمت بیاموزد و خود بلد نباشد. به خدا سوگند رسول خدا به ۷۲ یا ۷۳ (شک راوی) می نوشت و می خواند. اما علت اینکه به او اُمی می گویند، این بود که اهل مکه بود و مکه امهات القری بود. خداوند می فرماید: ﴿وَلْيُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا؛ تَابَا أَنْ مَرَدَمُ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا﴾^(۲)؛ اطرافش را بیم دهی^(۳).

ممکن است گفته شود در قرآن آیه ای است که دلالت بر عدم خواندن یا نوشتن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارد ﴿وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لَا تَأْتِيكَ إِلَّا الْغُتَابُ﴾^(۴)؛ تو پیش از قرآن هیچ کتابی را نمی خواندی و به دست خویش کتابی نمی نوشتی. اگر چنان بود، اهل باطل به شک افتاده بودند^(۴)؛ شیخ مفید می فرماید: مراد آن است که ایشان قبل از نبوت نمی نوشته و نمی خوانده - البته نه از روی عدم علم - ولیکن بعد از نبوت هم می خوانده و هم می نوشته^(۵). البته این نوشتن و خواندن ایشان بنا بر مصالحی بوده و الّا با توجه به اینکه ایشان معلمی ندیده و علم او لدنی بوده است، بدون شک نوشتن و خواندن بلد بوده ولیکن بعد از مبعوث شدن به رسالت آن را بروز داده است همانطور که علامه مجلسی رحمته الله در جواب این شبهه می فرماید: ممکن است جمع بین اخبار نمائیم و به دو وجه بگوئیم - اول: آنکه آن حضرت قادر به نوشتن بوده (چه پیش از بعثت و چه بعد از آن) ولیکن برای مصلحتی (که آن شک و تردید مردم باشد) نمی نوشته - دوم: آنکه نمی نوشته و نمی خوانده یعنی نوشتن و خواندن را از کسی (غیر از خدا) نیاموخته و الّا کسی که عالم به علوم اولین و آخرین بوده و می توانسته شق القمر بلکه بالاتر از آن را انجام می داده چگونه قادر به نوشتن و خواندن نبوده؟!^(۶) لذا با توجه به آیه ۲ سوره جمعه و تأویل آیه ۴۸ سوره عنکبوت، بی شک ایشان قادر به نوشتن و خواندن بوده است.

۱. سوره جمعه: آیه ۲.
 ۲. سوره عنکبوت: آیه ۴۸.
 ۳. بصائر الدرجات: ص ۲۴۶.
 ۴. سوره انعام: آیه ۹۲.
 ۵. اوائل المقالات (مفید): ص ۱۳۷.
 ۶. بحار الأنوار: ج ۱۶، ص ۱۳۴.

۹۸- زمانی که ادیان الهی مانند اسلام و مسیحیت و یهودیت، همه ادیان الهی هستند، چرا این همه اختلاف وجود دارد و حتی برخی اعتقادات آنان از نظر اسلام کفر است؟

اصل همه ادیان الهی یکی و براساس توحید و دستورات الهی است. اما بیان می شود که هر دین الهی به مقتضای زمان خود کاربرد داشته و با افزایش سطح فکری انسان ها لازم بود دین جدیدی بیاید تا بتواند پاسخگوی نیازهای انسان باشد. خداوند نیز براساس حکمت خود هر زمانی، دین جدیدی را جایگزین دین قبلی می کرد و دین قبل به طور کل منسوخ می شد. خداوند نیز به همه امر می کرد که به دین جدید ایمان بیاورند و کسانی که از این عمل تمرد می کردند، از نظر خداوند کافر بودند، زیرا از دستور الهی سرپیچی کرده بودند. نکته دیگر اینکه ادیان الهی متأسفانه بعد از مدتی توسط منافقان تحریف می شد و از مسیر اصلی خود منحرف می شد و این قاعده در تمام ادیان الهی بود. دین یهودیت توسط سامری، دین مسیحیت توسط بولس و دین اسلام توسط عده ای منافق در مدینه از مسیر اصلی خود خارج شد و در این میان فقط عده ای بودند که در مسیر مستقیم و در خط وصی آن پیامبر اولوالعزم، می ماندند. این ادیان ممکن بود آن چنان توسط منافقان دستخوش تحریف واقع شود که آن دین الهی را تبدیل به دینی برپایه اعتقاد به تثلیث (سه خدایی) کنند. این اعتقاد نمی تواند مورد رضایت اسلام ناب باشد و لذا اسلام با این ادیان دشمن است زیرا از مسیر اصلی خود منحرف شده اند و آن ادیان نیز به دلیل نفوذ منافقان در آنها، با اسلام دشمنی می کنند. کلام آخر اینکه هم اکنون همه، به دستور خداوند، باید مسلمان باشند و اگر غیر این باشد، اعمال دینی اش هر چقدر هم خالصانه باشد، از او قبول نمی شود. ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت آرزویانکاران است^(۱). البته در هر زمان مؤمنان به همان پیامبر الهی، مسلمان محسوب می شوند یعنی در زمان حضرت موسی علیه السلام، ایمان آوردن گان به ایشان مسلمان هستند و الی آخر ولیکن بعد از اتمام زمان آن دین، هر که به دین الهی جدید ایمان نیاورد، مسلمان محسوب نمی شود.

۹۹- برهان نظم در نهایت اثبات نظم می کند و نه اثبات صفات خدا را. پس برهان کار آمدی برای اثبات وجود خدا نیست. نظر خودتان را بیان کنید؟

برهان نظم به اثبات ناظم باحکمت منتهی می شود نه نظم. زیرا نظم وجود دارد و قابل مشاهده است و نیاز به اثبات ندارد. آنچه که نیاز به اثبات دارد، وجود نظم دهنده ای است که این خلقت با عظمت را در کنار هم جمع کرده است. نمونه قرآنی برهان نظم، این آیه شریفه است ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ؛ اوست آن که خورشید را فروغ بخشید و ماه را منور ساخت و برایش منازل معین کرد تا از شمار سال ها و حساب آگاه شوید. خدا همه اینها را جز به حق نیافرید^(۲).

۱۰۰- راه رسیدن به یقین قلب، آنظوری که در همه اعمال خدا را حاضر و ناظر بینیم، چگونه است؟

برای رسیدن به یقین باید ابتدا تمام گناهان را از نفس خود دور کرده که این با توبه نصوح و سعی به عدم بازگشت گناه، به دست می آید. انجام واجبات الهی به بهترین حالت، مثلاً نماز با حضور قلب. تمام این اعمال نیک باید با اخلاص و بدون هیچ آلاشی، همراه باشد. همه این مراحل باید با توجه به امام عصر علیه السلام به عنوان جانشین خدا بر خلقت همراه باشد. اگر انجام واجبات و ترک محرمات، با اخلاص و با توجه به امام زمان علیه السلام، انجام گرفت، خداوند توفیق رسیدن به یقین قلبی را نصیب انسان می کند، به طوری که خداوند را حاضر و ناظر اعمال خویش می بینیم.

۲. سوره یونس: آیه ۵.

۱. سوره آل عمران: آیه ۸۵.

۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

۱۰۱- بهترین پیام غدیر چیست؟

بهترین پیام‌هایی که می‌توان از غدیر گرفت عبارتند از: (۱) لزوم تبعیت از تعالیم خدا و پیامبر اسلام ﷺ. (۲) توجه به تعالیم قرآن و اینکه قرآن را از اهلیش بیاموزیم تا به عنوان مثال بدانیم مراد از اکمال دین چیست و ولی امر چه کسی است. (۳) تمرین تبعیت از امام معصوم تا آخرین قطره خون مانند حضرت صدیقه طاهره (ع.ا.س). (۴) لزوم شناخت امام معصوم، تا در طوفان حوادث در مصداق امام، دچار اشتباه نشویم. (۵) لزوم شناخت جریان نفاق و منافق و عهد شکنی و عهد شکنان با افزایش بصیرت دینی.

۱۰۲- نشانه انسان‌های منافق چیست؟

تعریف منافق: منافق کسی است که اعمال ظاهریش با اعتقادات قلبی‌اش متفاوت است. شناخت منافقان با زیر نظر گرفتن آنان حاصل می‌شود.

اگر بعد از مدتی زیر نظر گرفتن شخصی، دیدید که کلام و ادعاهای او با اعمالش هم خوانی ندارد، بدانید این شخص منافق است. مثلاً می‌بینید، دائماً از رعایت تقوای الهی صحبت می‌کند اما خود در کلامش دروغ می‌گوید و یا به راحتی تهمت می‌زند و یادعاهایی مطرح می‌کند که مخصوص اولیاء الله است. این را هم بدانیم که منافقان، زیاد دوام نمی‌آوردند و پس از مدتی خداوند آنان را رسوا می‌کند.

۱۰۳- از شیطان باید فرار کرد یا باید با او جنگید؟

با شیطان باید جنگید. انسان دارای سه نفس است. نفس اماره و نفس لوامه و مطمئنه. نفس اماره، ما را به سوی انجام کارهای زشت دعوت می‌کند و شیطان نیز آن را تقویت و تحریک می‌کند. انسان برای اینکه نفس اماره و شیطان که محرک آن است را به زانو در آورد، باید با تقویت نفس لوامه، به جنگ نفس اماره رود تا با این عمل شیطان را از خود دور کند. از این عمل تعبیر به جهاد با نفس می‌شود. لذا جهاد لازم است تا شیطان از پیش ما فرار کند. ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ کسانی را که در راه مامجاهدت کنند، به راه‌های خویش هدایتشان می‌کنیم، و خدا بانی‌کوکاران است ﴿^(۱) جهاد، فقط جنگیدن با شمشیر نیست بلکه بالاترین جهادها، جهاد با نفس اماره و محرک آن یعنی شیطان است. نفس مطمئنه نیز در جواب سؤال ۳۷ توضیح داده شد.

۱۰۴- ما با اهل سنت وحدت داریم یا هم‌گرایی؟

اگر منظور شما از هم‌گرایی، هم‌اعتقادی است. ما با اهل سنت وحدت داریم و نه هم‌گرایی. بحث وحدت در بین صفوف مسلمانان یعنی ایجاد یک جبهه واحد برای مقابله با توطئه‌های دشمنان اسلام که همانا یهود و غرب و عمال آنان در کشورهای اسلامی هستند. متأسفانه عده‌ای بحث وحدت را، قبول اعتقادات اهل سنت و کواته آمدن در برابر اعتقادات تشیع معنا می‌کنند که این خود انحراف است. معنای وحدت این نیست بلکه معنای آن همان ایجاد جبهه‌ای واحد اعم از شیعه و سنی با دشمن واحد است با رعایت و حفظ تمام اصول اعتقادی اعم از ولایت اهل بیت (ع) و اعتقاد به فضائل ایشان و افضلیت ایشان بر تمام خلق، دشمنی با ظالمان ایشان و دیگر مسائل اعتقادی که یک شیعه باید به آن معتقد باشد البته با رعایت شرایط. رعایت این مسأله یعنی وحدت، در روایات اهل بیت (ع) بسیار وجود دارد و از شیعیان خواسته که در نمازهای جماعت ایشان حاضر شویم و به عبادت مریضان آنان برویم. ^(۲) زیرا ما در اصل اسلام اشتراک داریم.

۱. سوره عنکبوت: آیه ۶۹

۲. صلوا فی عشائرم و اشهدوا جنازهم و عودوا مر ضاهم و ادوا حقوقهم. تحف العقول (ابن شعبه حرانی): ص ۴۸۷.

۱۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

۱۰۵ - آیا اگر مشرک توبه کند از او پذیرفته می‌شود؟

در توبه همیشه بر روی توبه‌کننده باز است. خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ؛ أَي كَسَانِي كَه اِيْمَان اُورده ايد، به درگاه خدا توبه‌اي راستين كنيد، اميد است كه پروردگارتان بدى هايتان را از شما بزدايد﴾^(۱) و همچنين مى‌فرماید: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ بگو: «اي بندگان من - كه بر خويشتن زياده‌روي روا داشته‌ايد - از رحمت خدا نوميد مشويد. در حقيقت، خدا همه گناهان را مى‌آمرزد، كه او خود آمرزنده مهربان است﴾^(۲) اصولاً پیامبران و اولیای الهی آمده‌اند كه انسان را از لجن‌زار شرک به بهشت رضوان الهی سوق دهند و برای رسیدن به این مقام، ابتدا باید توبه كرد. پس راه توبه همیشه بر بندگان باز است.

۱۰۶ - راه درمان غرور چیست؟

اصولاً راه درمان هر گناه و عمل ناپسندی، سعی بر انجام مخالف آن از عمل نیک، با تقویت نفس لوامه است. در همین موضوع غرور، سعی شود كه تا حد امكان، تمرین كنيم كه در مقابل مردم تواضع كنيم. البته لازم به ذكر است كه در هر عملی باید از خداوند كمك و یاری خالصانه بخواهیم و اگر با اخلاص از خداوند كمك طلب كردیم، بدون شك خداوند، راه درست را به ما نشان خواهد داد. ﴿أَفَوْضُلَّ كُفْرًا مِنَّا وَلَوْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ يَأْتِيَنَا رَبِّي بِالْبَيِّنَاتِ؛ وَ كَارَم رَا به خدا مى سپارم خداست كه به [حال] بندگان [خود] بیناست﴾^(۳)؛ ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا؛ وَ كَسَانِي كَه در راه ما كوشیده‌اند، به يقين راه‌هاى خود را بر آنان مى‌نمایم﴾^(۴).

۱۰۷ - اگر در كربلا آب نبود، پس چگونه امام حسین علیه السلام و یارانش غسل شهادت کردند؟

بر طبق بیان مقاتل از روز هفتم، آب بر روی سیدالشهداء علیه السلام و اهل بیت و اصحاب بسته شد. اما ایشان بعضی از اصحاب مانند حضرت ابوالفضل العباس و علی اکبر علیه السلام را مأمور کرده بودند كه با شكافتن لشكر دشمن، برای خیام، آب بیاورند. نکته دیگر اینکه طبق بعضی روایات، امام علیه السلام چند بار از معجزه استفاده کردند و زمین شكافته شد و آب از زمین جوشید و اصحاب و اهل بیت ایشان سیراب شدند^(۵). ظاهراً در یکی از این معجزات، برای غسل شهادت، آب از زمین جوشیده و ایشان و یارانشان، غسل کرده‌اند. نکته آخر اینکه ممکن بوده كه در شب تا صبح به همت اصحاب، آب در خیام بوده و در روز عاشورا، آب نداشته‌اند. دلیل کلام ما روایت امام سجاد علیه السلام است كه امام حسین علیه السلام در شب عاشورا، شعری می‌خواندند و از دنیا گله می‌کردند و حضرت زینب علیه السلام شنیدند و آه و زاری کردند و از هوش رفتند و امام حسین علیه السلام به صورت ایشان آب پاشید^(۶).

۱۰۸ - چگونه می‌شود خصوصی‌ترین مکالمات شب عاشورا میان حضرات، در مقاتل نوشته شده باشد؟

بیشتر مکالمات در واقعه عاشورا یا توسط شاهدان عینی نقل شده است و یا توسط امام سجاد و امام باقر علیه السلام به صورت حدیث به دست ما رسیده است. در قضیه نجوای امام حسین علیه السلام در شب عاشورا و خواندن شعر (یا دهر آف لك من خلیل * كم لك بالاشراق والأصیل ...) ناقل این قضیه امام سجاد علیه السلام بوده كه شاهد اتفاقات بوده است^(۷). در قضایای دیگر مانند تعداد زخم‌های وارد شده بر امام علیه السلام احادیث مختلفی از ائمه اطهار علیه السلام، نقل شده است.

۱. سوره تحریم: آیه ۸

۲. سوره زمر: آیه ۵۳

۳. سوره غافر: آیه ۴۴

۴. سوره عنكبوت: آیه ۶۹

۵. مناقب آل ابی طالب: ج ۳، ص ۲۰۹

۶. ... و ابی یقول: یا دهر آف لك من خلیل * كم لك بالاشراق والأصیل ... فقام إليها الحسين علیه السلام فصب علی وجهها الماء وقال لها: یا أختاه اتقى الله وتعزى

بِعزاء الله ... ارشاد (مفید): ج ۲، ص ۹۳

۷. مقاتل الطالبيين: ص ۷۵ و ارشاد (مفید): ج ۲، ص ۹۳

۱۱۰ پرسش و پاسخ اعتقادی

۱۰۹- امام حسین علیه السلام، در روز عاشورا به شهادت رسیده‌اند، چرا مردم از روز اول محرم عزاداری می‌کنند؟

از مهمترین و اولین خصوصیت شیعیان، آن است که تابع سیره امامان خود هستند و اصولاً معنای شیعه یعنی پیروی از امیرالمؤمنین علی و فرزندان معصومش علیهم السلام. لذا هر چه آنان به آن دستور دهند و عمل کنند، ما نیز باید از ایشان تبعیت کنیم و یک شیعه باید تمام اعمال و رفتار و شؤون زندگی خود را منطبق به عمل و سیره آن ذوات مقدسه کند. در مورد سؤال روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند: هنگامی که ماه محرم فرا می‌رسید، دیگر کسی پدرم را خندان نمی‌دید، و غم بر او چیره می‌شد تا روز دهم فرا می‌رسید. این روز، روز مصیبت و ناله و حزن ایشان بود و می‌فرمود: این روز، روزی است که حسین صلوات الله علیه در آن کشته شد.^(۱) لذا این شیوه عزاداری، سیره و روش امامان معصوم علیهم السلام بوده که به ما رسیده است. نکته دیگر آنکه امام علیه السلام قبل از شهادت و به محض ورود به کربلا در روز دوم محرم گرفتار ستم بنی امیه و اتباع آنان بودند و ایشان و اهل بیت گرامی ایشان در مضیقه و سختی و مشکلات بودند.

۱۱۰- چرا امام حسین علیه السلام با شنیدن خبر شهادت مسلم و هانی برنگشتند؟

ابتدا لازم است یک نکته مهم دانسته شود و آن، این است که عمل حجت خدا، عمل بدون عیب و نقص است و بدون شک دستور الهی است و لذاست که فعل و تقریر امام علیه السلام، بر دیگران حجت است. هر عملی که ایشان و بقیه امامان انجام داده‌اند، عین عمل حق است و بی چون و چرا باید قبول کرد. لذا اگر یک شیعه درباره سیره امامان سؤال دارد، نباید به عنوان اعتراض بیان کند، بلکه باید برای دانستن دلیل آن سیره و افزایش سطح آگاهی، سؤال خود را مطرح کند و البته هر سؤال در این زمینه نیز نباید به عنوان اعتراض تلقی شود. در فرض سؤال می‌گوییم؛ اولاً شهادت مسلم به معنای پایان قیام نبود، همانطور که شیعیان در بیرون کوفه در حال آماده شدن، برای استقبال از امام علیه السلام بودند و لذا هنگامی که امام علیه السلام به کربلا رسیدند، اینان به کمک ایشان شتافتند، اما با مأموران حکومت این زیاد مواجه شدند و با آنان درگیر شدند و نتوانستند خود را به کربلا برسانند.^(۲) نکته دیگر، حضور شیعیان در کوفه بود و بر اساس محاسبات ظاهری، همانطور که بیان شد، هنوز ممکن بود ورق برگردد و شیعیان کوفه بتوانند شرایط را به نفع خویش تغییر داده و شهر را آماده حضور امام علیه السلام کنند. لازم به ذکر است که خبر شهادت مسلم در ابتدا و یا اواسط حرکت امام علیه السلام، به ایشان رسید و هنوز ممکن بود تغییری در سطح جامعه کوفه رخ دهد. نکته دیگر آنکه، اگر هم همه این‌ها نبود، لازم بود، امام علیه السلام به حرکت خود ادامه دهند تا حجت را بر مردم تمام کنند. اگر ایشان از وسط راه برمی‌گشتند، ممکن بود، بعدها در تاریخ بگویند چرا امام علیه السلام به مسیر خود ادامه نداد، شاید در ادامه، پیروزی با او همراه می‌شد. این نکته نیز مهم است که هیچ شهری برای امام علیه السلام امن نبود. زمانی که کوفه که بیشترین آمار شیعیان را داشت، اینگونه بود، حساب بقیه شهرها که شیعیان، جمعیت قلیلی از آن را تشکیل می‌دادند، مشخص بود. با بیان فوق مشخص می‌شود که چه از لحاظ ظاهری و چه معنوی، امام علیه السلام، غیر از این، راه دیگری نداشتند.

التماس دعا

۱. قال الرضا علیه السلام: كان أبي (صلوات الله عليه) إذا دخل شهر المحرم لا يرى ضاحكا، وكانت الأكية تغلب عليه حتى يمضي منه عشرة أيام، فإذا كان يوم العاشر

كان ذلك اليوم يوم مصيبتة وحزنه وبكائه، ويقول: هو اليوم الذي قتل فيه الحسين (صلوات الله عليه). امالی صدوق: ص ۱۹۱.

۲. انساب الاشراف (بلاذری): ج ۳، ص ۳۸۸.